



حقوق بین‌المللی بشر دوستانه

پاسخ به پرسش‌های شما



ICRC

FOCUS

Not for Sale

کمیته بین المللی صلیب سرخ
International Committee of the Red Cross

تهران، الهیه، خیابان شهید شریفی منش،
جنب بیمارستان اختر، بن بست آذر، پلاک ۴
تلفن: ۴-۲۲۶۴۵۸۲۱ / فکس: ۲۲۶۰۰۵۳۴
وب سایت: www.icrc.org
ایمیل: teh_tehran@icrc.org
©کمیته بین المللی صلیب سرخ، مهر ۱۳۹۶



ICRC

حقوق بین‌المللی بشر دوستانه

پاسخ به پرسش‌های شما

۱. حقوق بین‌المللی بشردوستانه (IHL) چیست؟ ۴
۲. منظور از اصطلاحات لاتین "jus in bello" و "jus ad bellum" چیست؟ ۸
۳. سرمنشأ حقوق بین‌المللی بشردوستانه کدام‌اند؟ ۱۱
۴. کدامیک از معاهدات حقوق بین‌المللی بشردوستانه را تشکیل می‌دهند؟ ۱۴
منظور از حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی کدام است؟
۵. کاربرد حقوق بین‌المللی بشردوستانه در چه مواقعی است؟ ۱۸
۶. کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن‌ها کدامند؟ ۲۲
۷. حقوق بین‌المللی بشردوستانه از چه کسانی حمایت می‌کند؟ ۲۶
۸. چه کسانی بر اساس حقوق بین‌المللی بشردوستانه مسئول و متعهد شناخته می‌شوند؟ ۳۱
۹. تفاوت میان حقوق بین‌المللی بشردوستانه و حقوق بشر در چیست؟ ۳۵
۱۰. دیدگاه حقوق بین‌المللی بشردوستانه در خصوص محرومیت از آزادی چیست؟ ۴۲
۱۱. قواعد اصلی حقوق بین‌المللی بشردوستانه حاکم بر مخاصمات کدام است؟ ۴۶
۱۲. حقوق بین‌المللی بشردوستانه چگونه ابزار و روش‌های جنگ را قاعده‌مند می‌کند؟ ۵۰
۱۳. مقررات حقوق بین‌المللی بشردوستانه چگونه استفاده و حمایت نشان کدام است؟ ۵۵
۱۴. دیدگاه حقوق بین‌المللی بشردوستانه در خصوص مفقودین و احیای پیوندهای خانوادگی چیست؟ ۵۹
۱۵. حقوق بین‌المللی بشردوستانه چه مواردی را به‌لحاظ دسترسی و کمک‌رسانی بشردوستانه مقرر می‌نماید؟ ۶۴
۱۶. حقوق بین‌المللی بشردوستانه به چه صورت از پناهندگان و آوارگان داخلی حمایت می‌کند؟ ۶۸
۱۷. اشیا، تحت حمایت ویژه حقوق بین‌المللی بشردوستانه کدام است؟ ۷۲
۱۸. دیدگاه حقوق بین‌المللی بشردوستانه درباره تروریسم چیست؟ ۸۰
۱۹. نحوه اجرای حقوق بین‌المللی بشردوستانه کدام است؟ ۸۴
۲۰. نقش کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در ایجاد و تضمین احترام برای حقوق بین‌المللی بشردوستانه کدام است؟ ۸۸
۲۱. مظنونین به ارتکاب جنایات جنگی چگونه تحت حقوق بین‌الملل تحت پیگرد قرار می‌گیرند؟ ۹۳

کنوانسیون اولیهٔ ژنو «برای بهبود شرایط مجروحین جنگی در میدان نبرد» در سال ۱۸۶۴ مصوب گردید، که سرآغازی برای حقوق بین‌المللی بشردوستانه امروزی (IHL) محسوب می‌گردد. معاهدات متعددی متعاقب کنوانسیون مزبور مصوب شده است که تمامی آن‌ها متضمن اصل پایهٔ ذیل می‌باشد:

جنگ باید در چارچوب حدود مشخصی واقع گردد که رعایت این حدود برای حفظ جان و کرامت نوع بشر ضروری است.

ماهیت جنگ از زمان تصویب معاهدهٔ اولیه در ژنو در سال ۱۸۶۴ میلادی در ۱۵۰ سال پیش دستخوش تغییرات گسترده‌ای شده است. درگیری‌های مسلحانهٔ امروزی بیشتر درون دولت‌ها رخ می‌دهند تا میان دولت‌ها. ابزار و روش‌های نبرد به قدری پیچیده شده‌اند که نیاکان ما به سختی می‌توانستند آن‌ها را درک کنند. سلاح‌های خودکار مانند هواپیماهای بدون سرنشین نمونه‌ای از این دست هستند. بر این اساس، طرح این پرسش معقول به نظر می‌رسد که آیا حقوق بین‌المللی بشردوستانه با تمامی این تغییرات همراه بوده است؟

پاسخ ما این است که همراه بوده است. اصول اساسی حقوق بین‌المللی بشردوستانه همچون همیشه مربوط بوده و در واقع حقوق بین‌المللی بشردوستانه در واکنش به پیشرفت‌های حاصل شده در درگیری‌های مسلحانه روند رو به تکاملی را طی نموده و به این روند همچنان ادامه می‌دهد. طی ۱۵۰ سال گذشته، کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ فعالانه به تقویت حقوق بین‌المللی بشردوستانه و به‌روزرسانی آن مبادرت داشته است.

با این همه، ناگزیر باید با این حقیقت روبرو شد که درگیری‌های مسلحانه همچنان به قیمت جان انسان‌ها تمام می‌شود و در این میان افراد غیرنظامی بیشترین آسیب را از این بابت متحمل می‌شوند.

آزمون واقعی پیش روی حقوق بین‌المللی بشردوستانه این است که آیا طرف‌های درگیر و فرماندهان ایشان از این دسته از قواعد پیروی می‌کنند یا خیر. به همین دلیل است که کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ تلاش قابل ملاحظه‌ای را برای احترام بیشتر برای حقوق بین‌المللی بشردوستانه و حصول اطمینان از اجرا و اعمال آن انجام می‌دهد. نهایتاً، آنچه در این میان ورای اقدامات بشردوستانه یا حقوقی مورد نیاز است، ارادهٔ سیاسی برای امان دادن به غیرنظامیان و احترام به حقوق بین‌المللی بشردوستانه است.



پیتر مائورر

ریاست کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ



۱. حقوق بین‌المللی بشردوستانه (IHL) چیست؟

حقوق بین‌المللی بشردوستانه (IHL) روابط میان دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و سایر نهادهای مشمول حقوق بین‌الملل را تنظیم می‌کند. این قانون، شاخه‌ای از حقوق بین‌الملل عمومی بوده و مشتمل بر مجموعه قواعدی است که طی درگیری‌های مسلحانه به دلایل بشردوستانه درصدد است تا از اشخاصی که مستقیماً در مخاصمه شرکت ندارند یا دیگر در آن شرکت نمی‌کنند حمایت کرده و همچنین ابزار و روش‌های جنگ را محدود کند. به عبارت دیگر، حقوق بین‌المللی بشردوستانه مشتمل بر قواعد معاهداتی یا عرفی بین‌المللی (قواعد حاصل شیوه‌های عملی کشور و مورد رعایت بر اساس حس تعهد) می‌باشد که هدف اصلی آن حل و فصل مشکلات بشردوستانه‌ای است که مستقیماً از درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی یا غیر بین‌المللی ناشی می‌شوند.



اصطلاحات

اصطلاحات "حقوق بین‌المللی بشردوستانه"، "قانون ناظر بر درگیری‌های مسلحانه" و "قانون جنگ" را می‌توان مترادف یکدیگر تلقی نمود. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (ICRC)، سازمان‌های بین‌المللی، دانشگاه‌ها و دولت‌ها در راستای "حقوق بین‌المللی بشردوستانه" (یا "حقوق بشردوستانه") گام برمی‌دارند.

ژنو و لاهه

حقوق بین‌المللی بشردوستانه دارای دو شاخه به شرح ذیل است:

- "قوانین ژنو"، مجموعه قواعدی است که از قربانیان درگیری‌های مسلحانه، همانند پرسنل نظامی که توان رزم ندارند و غیرنظامیانی که مستقیماً در مخاصمات شرکت نکرده یا دیگر در آن شرکت ندارند حمایت می‌کند.
- "قوانین لاهه" مجموعه قواعد ناظر بر حقوق و تعهدات طرف‌های درگیری طی هدایت مخاصمات است که ابزار و روش‌های جنگ را محدود می‌کند.

وجه تسمیه دو شاخه فوق‌الذکر مربوط به حقوق بین‌المللی بشردوستانه اشاره به شهرهای محل تصویب اولیه آن‌ها می‌باشد. با تصویب پروتکل‌های الحاقی ۸ ژوئن ۱۹۷۷ کنوانسیون‌های ژنو، که این دو شاخه را ترکیب می‌کنند، تمایز یادشده به تاریخ پیوسته و بیشتر در حوزه‌های تحقیقاتی مطرح است.

ضرورت نظامی و بشردوستی

حقوق بین‌المللی بشردوستانه نوعی وفاق میان دو اصل متضمن بشردوستی و ضرورت نظامی است. این دو اصل شکل‌دهنده قواعد آن می‌باشند. اصل ضرورت نظامی صرفاً میزان و نوع نیروی لازم برای تحقق هدف مشروع یک درگیری، یعنی تسلیم کامل یا جزیی دشمن در کمترین زمان ممکن با حداقل هزینه جانی و مالی را معین می‌کند. البته این امر اتخاذ تمهیداتی که بر اساس حقوق بین‌المللی بشردوستانه در شرایط غیر از این ممنوع خواهد بود را مجاز نمی‌دارد. اصل بشردوستی ایجاد درد و رنج، جراحت یا تخریب غیرضروری را در راستای تحقق اهداف مشروع درگیری‌ها مجاز نمی‌دارد.

جنگ به هیچ عنوان رابطه‌ای میان انسان‌ها نیست بلکه رابطه میان دولت‌ها است که طی

آن افراد صرفاً بر اساس تصادف دشمن می‌شوند،

نه به عنوان انسان یا حتی شهروند، بلکه به عنوان سرباز

به دلیل آن که هدف از جنگ، نابودی دولت دشمن است، کشتن مدافعین آن دولت تا

زمانی که سلاح حمل می‌کنند مشروع است،

لیکن به محض آن که سلاح زمین گذارند و تسلیم شوند، دیگر دشمن

یا عوامل دشمن نبوده و مجدداً انسان محسوب می‌شوند

و گرفتن جان‌شان دیگر مشروع نخواهد بود

ژان-ژاک روسو، ۱۷۶۲

قواعد ضروری حقوق بین‌المللی بشردوستانه

طرفهای درگیری می‌بایست برای نجات جان غیرنظامیان و اموال غیرنظامی همواره بین غیرنظامیان و نظامیان تمایز قائل شوند. امکان حمله به جمعیت غیرنظامی یا افراد غیرنظامی وجود ندارد. صرفاً می‌توان به اهداف نظامی حمله کرد. طرفهای درگیری از حق نامحدود انتخاب روش یا ابزار جنگ برخوردار نیستند. استفاده از آن دسته از ابزار یا روش‌های جنگی کور ممنوع است، همچنین استفاده از سلاح‌هایی که جراحت بیش از اندازه ضرورت یا درد و رنج بی‌مورد را ایجاد می‌کنند.

مجروح کردن یا کشتن متخاصمی که تسلیم شده یا کسی که دیگر قادر به شرکت در نبرد نیست ممنوع است. آن دسته از کسانی که نمی‌خواهند یا نمی‌توانند دیگر در مخاصمات شرکت کنند نیز بر این اساس جان و صحت جسمی و روانی‌شان محترم است. این دسته از افراد می‌بایست در تمامی شرایط تحت حمایت بوده و بر اساس قوانین بشردوستانه و بدون هرگونه تمایز منفی با آن‌ها رفتار شود. به محض آنکه شرایط اجازه دهد، جستجو برای یافتن مجروحین و بیماران و جمع‌آوری و مراقبت از ایشان باید انجام گردد. پرسنل و امکانات درمانی، ترابری و تجهیزات نیز باید از حمله

مصون بمانند. علامت صلیب سرخ، هلال احمر یا کریستال سرخ بر روی زمینه‌ای سفید رنگ علامت متمایزکننده‌ای است که نشان می‌دهد افراد و اهداف مربوطه نباید مورد حمله قرار گیرند.

مبارزان و غیرنظامیانی که اسیر می‌شوند و تحت اختیار طرف مقابل قرار می‌گیرند مشمول حفظ جان، و احترام به کرامت، حقوق شخصی و باورهای سیاسی، مذهبی و دیگر باورهای خود قرار می‌گیرند. این دسته از افراد می‌بایست در برابر تمامی اقدامات خشونت‌آمیز یا تلافی‌جویانه حمایت شوند. آن‌ها از حق مبادلهٔ خبر با بستگان خود و دریافت کمک برخوردارند. ضمانت‌های قضایی اولیه ایشان نیز باید در تمامی اقدامات جزایی اقامه گردیده علیه ایشان رعایت گردد.

قواعد اجمالی فوق‌الذکر چکیدهٔ حقوق بین‌المللی بشردوستانه را شکل می‌دهد. کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ به منظور تسهیل اشاعهٔ حقوق بین‌المللی بشردوستانه آن‌ها را بدین صورت بیان نموده است. ویرایش مزبور نسبت به سند قانونی ارجحیت ندارد و تحت هیچ عنوان جایگزین معاهدات اجرایی نخواهد بود.

"غیرنظامیان و نظامیان تحت حمایت و اختیارات ناشی از اصول حقوق بین‌الملل حاصل از قواعد عرفی، برگرفته از اصول بشردوستانه و وجدان عمومی، قرار دارند."

فیودور مارتینس، ۱۸۹۹

عبارت فوق که به بند مارتینس معروف است، نخستین بار در مقدمهٔ کنوانسیون ۱۸۹۹ لاهه (۲) در خصوص قوانین و اصول عرفی ناظر بر جنگ در خشکی مطرح گردید. عبارت یادشده برگرفته از پروفیسور فیودور فیودورویچ مارتینس، نمایندهٔ روسیه در همایش‌های صلح لاهه در سال ۱۸۹۹ میلادی، می‌باشد. معنی دقیق بند مارتینس مورد اختلاف است، لیکن عموماً بدین قرار تعبیر و تفسیر می‌شود: هرچیزی که صراحتاً بر اساس حقوق بین‌المللی بشردوستانه ممنوع نشده باشد خودبه‌خود بلامانع نخواهد بود. طرف‌های متخاصم همواره می‌بایست به یاد داشته باشند که اقدامات ایشان می‌بایست همگام با اصول بشردوستانه و وجدان عمومی باشد.



۲. منظور از اصطلاحات لاتین "Jus in bello" و "Jus ad bellum" چیست؟

منظور از *Jus ad bellum*، عبارت است از شرایطی که بر آن اساس دولت‌ها می‌توانند به جنگ یا بطور کلی استفاده از نیروی نظامی متوسل شوند. ممنوعیت استفاده از زور میان دولت‌ها و استثنائات آن (دفاع از خود و اختیارات سازمان ملل متحد برای استفاده از زور)، مقرر در منشور مصوب ۱۹۴۵ میلادی سازمان ملل متحد، اساس *jus ad bellum* را شکل می‌دهد (رجوع به قسمت تحت عنوان "مطلبی در خصوص ممنوعیت جنگ").

Jus in bello ناظر بر نحوه هدایت مخاصمه توسط طرفهای شرکت‌کننده در یک درگیری مسلحانه می‌باشد. حقوق بین‌المللی بشردوستانه مترادف با *jus in bello* است و در راستای به حداقل رساندن درد و رنج حین درگیری‌های مسلحانه، به‌ویژه از طریق حمایت از تمامی قربانیان درگیری‌های مسلحانه و امدادسانی به آن‌ها تا حد امکان گام برمی‌دارد.

حقوق بین‌المللی بشردوستانه برای طرفهای متخاصم صرف نظر از دلایل درگیری یا عادلانه بودن اهدافی که طرفین برای آنها می‌جنگند مصداق دارد. در غیر این صورت، پیاده‌سازی قانون امری ناممکن

می‌نمود، چرا که هریک از طرفهای درگیری خود را قربانی خشونت تلقی می‌کرد. علاوه بر این، حقوق بین‌المللی بشردوستانه به منظور حمایت از قربانیان درگیری‌های مسلحانه فارغ از وابستگی آنها به هریک از طرفین درگیری طرح‌ریزی شده است. به همین دلیل است که *jus in bello* می‌بایست مستقل از *jus ad bellum* باقی بماند.

مطلبی در خصوص ممنوعیت جنگ

تا پایان جنگ جهانی اول، توسل به نیروی نظامی نه تنها اقدامی غیرقانونی نبود بلکه به‌منزله روشی قابل‌قبول برای حل‌وفصل اختلافات تلقی می‌گردید.

در سال ۱۹۱۹ میلادی، میثاق جامعه ملل و در سال ۱۹۲۸ میلادی، معاهده پاریس (پیمان بریاند-کلوگ) در حقیقت تلاش‌هایی در راستای غیرقانونی کردن جنگ بودند. پذیرش منشور سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ میلادی مبین روند ذیل بود: "اعضای سازمان [ملل متحد] می‌بایست در روابط بین‌المللی خود از توسل به تهدید یا استفاده از زور خودداری نمایند...". البته، منشور سازمان ملل متحد حق دولت‌ها را برای دفاع فردی یا جمعی از خود در واکنش به تهاجم از سوی کشور دیگر (یا گروهی از دولت‌ها) به رسمیت می‌شناسد. شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز می‌تواند در خصوص توسل به استفاده جمعی از زور در پاسخ به تهدید برای صلح، نقض صلح یا اعمال متجاوزانه تصمیم‌گیری نماید.

حقوق بین‌المللی بشردوستانه و "مسئولیت حمایت کردن"

مرکز جهانی "مسئولیت حمایت کردن" در سال ۲۰۰۸ میلادی تأسیس شد. این مرکز نقشی اساسی در توسعه و ترویج مفهوم "مسئولیت حمایت کردن (R2P)" ایفا می‌نماید. تعریف (R2P) بدین شرح است:

"مسئولیت حمایت کردن، اصلی است که در راستای حصول اطمینان جامعه جهانی از عدم تکرار نسل‌کشی و سایر انواع سوءاستفاده‌های آشکار از حقوق بشر گام برمی‌دارد. این اصل توسط سران دولت‌ها و دولت‌ها در نشست جهانی ۲۰۰۵ میلادی در مقر مجمع عمومی سازمان ملل متحد اتخاذ گردید". اصل مزبور تصریح می‌دارد که اولاً دولت‌ها ملزم به حمایت از شهروندان خود در برابر خشونت‌های گروهی می‌باشند. دوم آن که جامعه جهانی می‌بایست به دولت‌ها در تحقق این امر کمک کند و سوم این که چنانچه دولت موردبحث از اقدام مقتضی در این خصوص ناتوان باشد، مسئولیت انجام این امر برعهده سایر دولت‌ها خواهد بود. (R2P) می‌بایست به‌منزله نوعی تعهد

رسمی از سوی رهبران تمامی دولت‌ها در قبال تمامی مردان و زنان در معرض تهدید خشونت‌های گروهی تلقی گردد.

مفهوم R2P تلویحاً بیان می‌کند در صورتی که کشوری از تبعیت از الزامات خود برای حمایت از افراد جامعه خود برابر جنایات خاصی اعم از نسل‌کشی، جنایات جنگی، پاکسازی قومی و جنایات علیه بشریت ناتوان باشد، جامعه بین‌المللی مسئول است تا برای حمایت از مردمان مزبور مشترکاً اقدام کند. چنین اقدامی می‌تواند به طرق مختلف اعم از دیپلماسی، تمهیدات بشردوستانه یا سایر ابزار صلح‌آمیز و همچنین به‌عنوان آخرین مستمسک، استفاده از زور باشد؛ لیکن امر اخیر صرفاً منوط به مجوز شورای امنیت سازمان ملل متحد خواهد بود. علیرغم آن که R2P برخی اوقات تحت عنوان "هنگام نوظهور" خوانده می‌شود، یک تمهد قانونی الزام‌آور برای جامعه جهانی نیست، بلکه سندی سیاسی می‌باشد.

حقوق بین‌المللی بشردوستانه چنین اساسی را برای قانونی‌سازی یا مشروع ساختن توسل به زور در روابط بین‌المللی ایجاد نکرده است. همچنین دولت‌ها را از توسل به زور به دلایل بشردوستانه باز نمی‌دارد، قانونی بودن استفاده از نیروی نظامی در روابط بین‌المللی صرفاً بر اساس *jus ad bellum* تعیین می‌شود. اگر چه متذکر می‌گردد که منطق متضمن R2P و الزام به تضمین احترام برای حقوق بین‌المللی بشردوستانه به نسبت تأکید آنها بر مسئولیت جامعه بین‌المللی در تضمین احترام برای حقوق بین‌المللی بشردوستانه و جلوگیری از نقض این حقوق، اعم از جنایات جنگی و سایر جنایات بین‌المللی، وابسته است. استفاده از زور بر اساس مفهوم R2P را نیز می‌توان به‌منزله یکی از انواع اقدامات مشترک با سازمان ملل متحد تلقی نمود که در ماده ۹۸ پروتکل مصوب ۸ ژوئن ۱۹۷۷ میلادی الحاقی به کنوانسیون ژنو (پروتکل اول الحاقی) تصریح می‌دارد: «در شرایط نقض آشکار کنوانسیون یا این پروتکل، دولت‌های معظم طرف قرارداد ملزم به اقدام مشترک یا مجزا با همکاری سازمان ملل متحد و با تبعیت از منشور آن سازمان می‌باشند.»

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ مطابق با اصل اولیه بی‌طرفی، نظری موافق یا مخالف با مداخلات نظامی R2P نداشته و نظری در خصوص تمهیدات اتخاذی جامعه جهانی برای تضمین احترام برای حقوق بین‌المللی بشردوستانه ابراز نمی‌نماید. با این همه، این نکته حیاتی شایان ذکر است که: هرگونه توسل به زور بر اساس R2P و یا الزام به تضمین احترام برای حقوق بین‌المللی بشردوستانه باید با الزامات مرتبط موضوعه حقوق بین‌المللی بشردوستانه و حقوق بشر منطبق باشد. به‌عبارت دیگر، دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی که در درگیری‌های مسلحانه در منطقه یک عملیات R2P شرکت دارند باید در تمامی زمان‌ها حقوق بین‌المللی بشردوستانه را رعایت کنند.

۳. سرمنشأ حقوق بین‌المللی بشردوستانه کدام اند؟

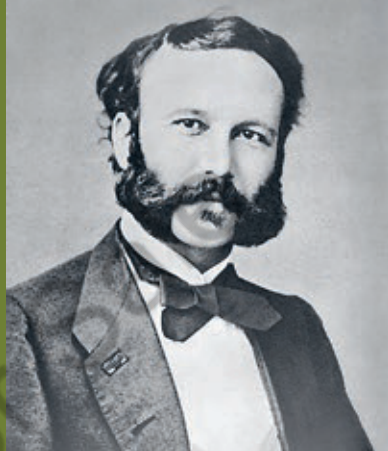
تلاش‌هایی از زمان باستان برای حمایت از افراد در برابر بدترین آثار و تبعات جنگ انجام شده است (رجوع به قسمت ذیل). البته، تا نیمه دوم قرن نوزدهم که معاهدات بین‌المللی در خصوص تنظیم قوانین ناظر بر جنگ اعم از حقوق قربانیان درگیری‌های مسلحانه و حمایت از ایشان منعقد گردید این امر نمودی نداشت.

تلاش‌هایی از زمان باستان برای حمایت از افراد در برابر بدترین آثار و تبعات جنگ انجام شده است (رجوع به قسمت ذیل). البته، تا نیمه دوم قرن نوزدهم که معاهدات بین‌المللی در خصوص تنظیم قوانین ناظر بر جنگ اعم از حقوق قربانیان درگیری‌های مسلحانه و حمایت از ایشان منعقد گردید این امر نمودی نداشت.

دوفور (به دونان): ما باید، بر اساس نمونه‌های آشکاری که شما گزارش کردید، شاهد باشیم که اختراعات کسب شده در میدان نبرد چه شکنجه‌ها و اشک‌هایی در پی دارد.

دونان: در برخی موارد خاص، به‌عنوان نمونه، زمانی که شاهزادگان هنر نظامی از ملیت‌های مختلف با هم ملاقات می‌کنند... آیا مطلوب نیست که آنها از این نوع گردهمایی‌ها برای تنظیم برخی اصول بین‌المللی، که

توسط کنوانسیون‌هایی که از لحاظ ماهیتی غیرقابل نقض باشد، استفاده کنند که پس از توافق و تصویب، اساس ایجاد جمعیت‌های امدادی برای زخمیان در دولت‌های مختلف اروپایی شود؟



Frédéric Boissonnas /ICRC

مؤسسان حقوق بین‌المللی بشردوستانه امروزی که بودند؟

دو نفر در ظهور حقوق بین‌المللی بشردوستانه امروزی نقشی حیاتی ایفا کردند: هانری دونان، تاجر سوویسی، و گیوم آنری دوفور، یک افسر ارتش سوویس. در سال ۱۸۵۹ میلادی، دونان در حین سفر به ایتالیا، شاهد درد و رنج پس از نبرد سولفرینو بود. پس از بازگشت به ژنو، او تجربیات خود را در کتابی موسوم به خاطره‌ای از سولفرینو به رشته تحریر در آورد که در سال ۱۸۶۲ میلادی منتشر گردید. ژنرال دوفور که خود از جنگ سررشته داشت، فوراً پشتیبانی معنوی فعالی از ایده‌های دونان بالاخص از طریق ریاست همایش دیپلماتیک ۱۸۶۴ میلادی را که طی آن نخستین کنوانسیون ژنو منعقد گردید صورت داد.

در سال ۱۸۶۳ میلادی، دونان و دوفور به همراه گوستاو موینیو، لویی آپیا و تئودور مونوار کمیته پنج‌نفره را پایه‌ریزی کردند که کمیته‌ای بین‌المللی برای کمک به مجروحین جنگی بود و بعدها در سال ۱۸۷۶ میلادی تبدیل به کمیته بین‌المللی صلیب سرخ شد.

حقوق بین‌المللی بشردوستانه امروزی به چه صورت پدید آمد؟

دولت سوییس با تشویق اعضای مؤسس کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، همایشی دیپلماتیک در سال ۱۸۶۴ میلادی برگزار نمود. ۱۶ کشور در همایش مزبور شرکت کردند که کنوانسیون بهبود شرایط مجروحین ارتش‌ها در میدان نبرد را مصوب نمودند و همین امر، سنگ بنای حقوق بین‌المللی بشردوستانه امروزی گردید.

کنوانسیون ۱۸۶۴ چه نوآوری‌هایی به همراه داشت؟

کنوانسیون مزبور که معاهده‌ای چندجانبه بود، قوانین و اصول عرفی قدیمی، مقطعی و پراکنده جنگی را در راستای حمایت از سربازان زخمی و بیمار و مراقبین ایشان تدوین و تقویت کرد که به‌طور کلی متضمن موارد ذیل بود:

- قواعد مکتوب و پایدار با حدود و شمول متحدالشکل برای حمایت از سربازان زخمی و بیمار،
- ماهیت چندجانبه و مفتوح بودن آن برای تمامی دولت‌ها،
- تعهد به گسترش مراقبت از پرسنل نظامی زخمی و بیمار بدون تبعیض (بدون تمایز میان دوست و دشمن)،
- احترام به پرسنل، حمل و نقل و تجهیزات پزشکی و علامت‌گذاری آن‌ها با استفاده از نشان (صلیب سرخ یا زمینه سفید).

حقوق بین‌المللی بشردوستانه پیش از تدوین

تصور این که تأسیس صلیب سرخ در سال ۱۸۶۳ یا تصویب کنوانسیون اولیه ژنو در سال ۱۸۶۴ سرآغاز حقوق بین‌المللی بشردوستانه امروزی است نادرست است. همان‌طوری که جامعه‌ای بدون قوانین خاص خود وجود ندارد، مجازاً هیچ جنگی، بدون قوانین مبهم یا صریح، که هدایت مخاصمات، شروع و پایان آنها را پوشش دهد وجود ندارد.

بطوریکه، سوره‌های جنگی افراد بدون نشان دهنده انواع مختلف قواعد بین‌المللی جنگ در زمان حال صافتر است؛ قواعد متمایزکننده انواع دشمنان، قواعد تعیین‌کننده شرایط، تشریفات و اختیارات مربوط به شروع و پایان جنگ، قواعد بیان‌کننده مصدومیت‌ها مربوط به اسفاهن، زنان، ملان و روش‌های انعام جنگ و حتی قواعد ممنوع کردن جنگ به‌صورت یک.

کویسنه رایست

نخستین قوانین جنگی هزاران سال قبل از عصر ما تبیین شده است:

من این قوانین را بنا می‌نهم که از ظلم روا داشتن قدرتمندان بر ضعفا پیشگیری کنم.
همورابی، پادشاه بابل

بسیاری از متون باستانی همانند ماهابهاراتا، انجیل و قرآن حاوی قواعدی در حمایت از احترام به حریف است. به‌عنوان نمونه، ویقایت که در پایان قرن سیزدهم میلادی و در اوج زمانی نگاشته شده است که اعراب بر اسپانیا حکومت می‌کردند حاوی قوانین واقعی برای جنگ است.

بر همین اساس، در اروپای قرون وسطی، شوالیه‌ها ملزم به تبعیت از قواعد جوانمردی بودند که عبارت بود از قوانین شرافتمندی برای حصول اطمینان از رعایت حال ضعفا و افرادی که توان دفاع از خود را نداشتند. این مثال‌ها منعکس‌کننده ماهیت جهان شمول حقوق بین‌المللی بشردوستانه می‌باشد.

قانون لایبر

از آغاز نبرد تا پیدایش حقوق بین‌المللی بشردوستانه امروزی، بیش از ۵۰۰ موافقت‌نامه مبادله اسرای جنگی، نظام‌نامه رفتاری، میثاق و سایر متون طرح شده برای تنظیم قوانین ناظر بر مخاصمات ثبت شده است که مشتمل بر قانون لایبر است. این قانون در آوریل ۱۸۶۳ تصویب شد و به‌دلیل آن که نخستین تلاش برای قاعده‌مند کردن قوانین و اصول عرفی ناظر بر جنگ است حائز اهمیت می‌باشد. اگر چه برخلاف کنوانسیون اولیه ژنو (که یک سال بعد از آن مصوب گردید)، این قانون یک معاهده محسوب نمی‌شد چراکه صرفاً سربازان ایالات جنوبی طی جنگ داخلی آمریکا را شامل می‌شد.

۴. کدامیک از معاهدات حقوق بین‌المللی بشردوستانه را تشکیل می‌دهند؟ منظور از حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی کدام است؟

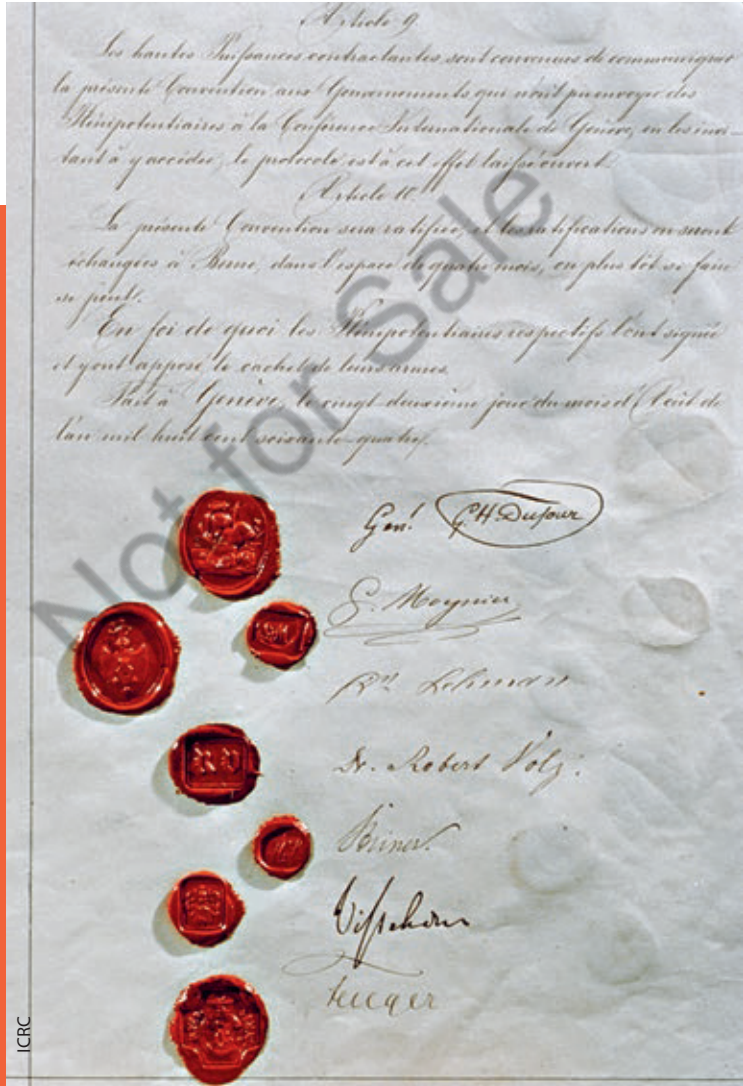
حقوق بین‌المللی بشردوستانه امروزی با کنوانسیون اولیه ژنو در سال ۱۸۶۴ ظهور نمود و سپس به تدریج برای تحقق نیاز به کمک‌های بشردوستانه‌ای که ناشی از پیشرفت‌های حاصل در فناوری ساخت سلاح و تغییرات در ماهیت درگیری‌های مسلحانه است به تدریج تکامل یافت. اغلب اوقات این دسته از تغییرات پس از رخدادهایی که نیاز به آن‌ها را مشخص کنند در قوانین ایجاد می‌گردند. در ذیل معاهدات مهم حقوق بین‌المللی بشردوستانه به ترتیب زمانی آورده شده است:

۱۸۶۴	کنوانسیون ژنو برای بهبود شرایط مجروحین جنگی
۱۸۶۸	اعلامیه سنت پترزبورگ (ممنوعیت استفاده از برخی تجهیزات در زمان جنگ)
۱۸۹۹	کنوانسیون لاهه در خصوص رعایت قوانین و مقررات عرفی جنگ زمینی و قبول جنگ دریایی طبق اصول کنوانسیون ۱۸۶۴ ژنو
۱۹۰۶	بازبینی و به‌روز رسانی کنوانسیون ۱۸۶۴ ژنو
۱۹۰۷	بازبینی کنوانسیون لاهه ۱۸۹۹ و تصویب کنوانسیون‌های جدید
۱۹۲۵	پروتکل ژنو برای ممنوعیت استفاده از گازهای خفه‌کننده، سمی و غیره در جنگ و روش‌های جنگ میکروبی
۱۹۲۹	دو کنوانسیون ژنو: • بازبینی و به‌روز رسانی کنوانسیون ۱۹۰۶ ژنو • کنوانسیون ژنو در ارتباط با نحوه رفتار با اسرای جنگی
۱۹۴۹	چهار کنوانسیون ژنو: الف. بهبود شرایط مجروحین و بیماران نظامی در میدان نبرد ب. بهبود شرایط مجروحین و بیماران و کشتی‌شکستگان پرسنل نیروی دریایی پ. رفتار با اسرای جنگی ت. حمایت از غیرنظامیان در حین نبرد
۱۹۵۴	کنوانسیون لاهه برای حمایت از اموال فرهنگی در جریان درگیری مسلحانه
۱۹۷۲	کنوانسیون ممنوعیت توسعه، تولید و نگهداری سلاح‌های میکروبی و سمی و امحای آن‌ها

۱۹۷۶	کنوانسیون ممنوعیت استفاده نظامی یا خصمانه از تکنیک‌های تغییردهنده محیط زیست
۱۹۷۷	دو پروتکل الحاقی به چهار کنوانسیون ۱۹۴۰ ژنو، تقویت حمایت از قربانیان درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی (پروتکل اول الحاقی) و غیربین‌المللی (پروتکل دوم الحاقی)
۱۹۸۰	کنوانسیون ممنوعیت یا محدودیت استفاده از سلاح‌های متعارف خاص که امکان مجروحیت بیش از حد یا تأثیرات کور را داشته باشد (کنوانسیون سلاح‌های متعارف خاص). کنوانسیون سلاح‌های متعارف خاص عبارت است از: الف. پروتکل اول در خصوص سلاح‌هایی با قطعات غیرقابل تشخیص با اشعه ایکس ب. پروتکل دوم در خصوص مین‌های زمینی، بمب‌گذاری و تله‌های انفجاری و دستگاه‌های دیگر و... پ. پروتکل سوم در خصوص سلاح‌های آتش افروز
۱۹۸۹	کنوانسیون حقوق کودک (ماده ۳۸)
۱۹۹۳	کنوانسیون ممنوعیت توسعه، تولید، نگهداری و استفاده از سلاح‌های شیمیایی و امحای آن‌ها
۱۹۹۵	پروتکل چهارم در زمینه سلاح‌های لیزری کورکننده (الحاقی به کنوانسیون سلاح‌های متعارف خاص ۱۹۸۰)
۱۹۹۶	بازبینی پروتکل ممنوعیت یا محدودیت استفاده از مین‌ها، تله‌های انفجاری و سایر تجهیزات (پروتکل دوم بازبینی شده کنوانسیون سلاح‌های متعارف خاص ۱۹۸۰)
۱۹۹۷	کنوانسیون ممنوعیت استفاده، نگهداری، تولید و انتقال مین‌های ضد نفر و امحای آن‌ها
۱۹۹۸	قانون رم در خصوص دادگاه بین‌المللی جنایات جنگی
۱۹۹۹	پروتکل دوم کنوانسیون لاهه ۱۹۵۴ در زمینه حمایت از اموال فرهنگی در صورت درگیری مسلحانه
۲۰۰۰	پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک با در نظر گرفتن کودکان در درگیری مسلحانه
۲۰۰۱	اصلاحیه ماده ۱ کنوانسیون سلاح‌های متعارف خاص ۱۹۸۰
۲۰۰۳	پروتکل چهارم در خصوص مهمات منفجره باقی مانده از جنگی (اضافه شده به کنوانسیون سلاح‌های متعارف خاص ۱۹۸۰)
۲۰۰۵	پروتکل الحاقی کنوانسیون‌های ژنو و مربوط به تصویب یک نشان متمایز اضافی (پروتکل سوم الحاقی)
۲۰۰۶	کنوانسیون بین‌المللی حمایت از تمامی اشخاص در برابر مفقودی اجباری
۲۰۰۸	کنوانسیون بمب‌های خوشه‌ای
۲۰۱۳	معاهده تجارت سلاح

فهرست فوق مشخصاً نشان می‌دهد که برخی از درگیری‌های مسلحانه کمابیش تأثیر آنی بر توسعه حقوق بین‌المللی بشردوستانه داشته‌اند:

طی جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸)، روش‌های نبرد، اعم از روش‌های نه چندان جدید در مقیاسی غیرقابل تصور استفاده شد. روش‌های مزبور عبارت بودند از گاز سمی، نخستین بمباران هوایی و گرفتن صدها هزار اسیر جنگی. معاهدات ۱۹۲۵ و ۱۹۲۹ واکنشی به این دسته از رخداد‌های جدید بود.



در جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵-۱۹۳۹)، غیرنظامیان و پرسنل نظامی به تعداد یکسان کشته شدند، در حالی که این نسبت طی جنگ جهانی اول ۱ به ۱۰ بود. در سال ۱۹۴۹، جامعه جهانی با بازبینی کنوانسیون‌های معتبر در آن زمان و تصویب سند جدیدی موسوم به کنوانسیون چهارم ژنو برای حمایت از غیرنظامیان به این نرخ بالای فجایع انسانی و بالاخص تأثیرات وحشتناک جنگ بر غیرنظامیان واکنش نشان داد.

پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ واکنشی به آثار و پیامدهای انسانی جنگ‌های آزادی خواهانه ملّی بود که در کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ تنها بخشی از آن طبق ماده ۳ مشترک چهار کنوانسیون ژنو تحت پوشش قرار داشت (ماده ۳ مشترک).

کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن در سال ۱۹۷۷ تقریباً مشتمل بر ۶۰۰ ماده بوده و سند‌های اصلی حقوق بین‌المللی بشردوستانه محسوب می‌شود (رجوع به پرسش ۶).

حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی

حقوق بین‌المللی بشردوستانه عمدتاً از طریق تصویب معاهدات و تنظیم قانون عرفی توسط دولت‌ها تهیه و تنظیم شده‌است. قانون عرفی زمانی شکل می‌گیرد که شیوه رایج دولت‌ها به میزان کافی قوی (گسترده، متضمن، مکرر و متحدالشکل) بوده و با باور دولت‌ها در الزام قانونی به عمل (یا ترک فعل) به طرق مشخص همراه باشد. عرف برای تمامی دولت‌ها الزام‌آور می‌باشد به جز آنهایی که از آغاز سرسختانه به آن معترض بوده‌اند.

در سال ۱۹۹۵ میلادی، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ مطالعه‌ای تفصیلی را در زمینه قواعد عرفی حقوق بین‌المللی بشردوستانه آغاز نمود که تقریباً ده سال به درازا کشید و در سال ۲۰۰۵ توسط انتشارات دانشگاه کمبریج منتشر شد. مطالعه مزبور را می‌توان در تارنمای ([HTTPS://WWW.ICRC.ORG/CUSTOMARY](https://www.icrc.org/customary)) -حقوق بین‌المللی بشردوستانه مشاهده کرد. پایگاه داده مزبور نسخه بروزرشده این مطالعه را ارائه کرده که مشتمل بر دو قسمت است.

- قواعد: این قسمت متضمن واکاوی قواعد جاری حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی است. علیرغم جزئیات بسیار زیاد، مطالعه یادشده نخواستار ارزیابی طولی از تمامی قواعد در این حوزه باشد. این بخش از مطالعه به زبان‌های عربی، چینی، انگلیسی، فرانسه، روسی و اسپانیایی در دسترس است. خلاصه‌ای از مطالعه و فهرستی از قواعد یاد شده به بسیاری از سایر زبان‌ها در دسترس است.

- شیوه عملی: این قسمت مشتمل بر شیوه عملی متضمن قواعد واکاوی شده قسمت اول است که پیوسته توسط کمیته بین‌المللی صلیب سرخ با همکاری صلیب سرخ بریتانیا بروز رسانی می‌شود. مطالب منبع مربوطه توسط شبکه‌ای از نمایندگان کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و جمعیت‌های صلیب سرخ و هلال احمر در سرتاسر جهان جمع‌آوری و توسط تیم تحقیقاتی مستقر در مرکز حقوق بین‌الملل لوترپاکت در دانشگاه کمبریج تنظیم می‌شود.



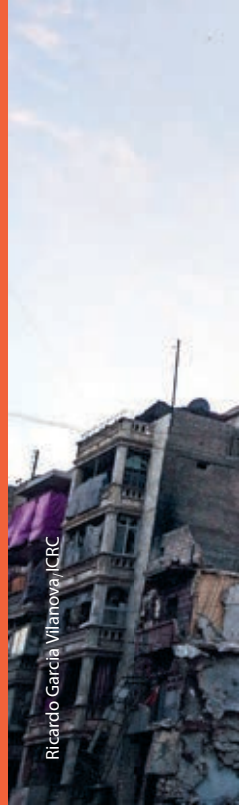
۵. کاربرد حقوق بین‌المللی بشردوستانه در چه مواقعی است؟

حقوق بین‌المللی بشردوستانه صرفاً در درگیری‌های مسلحانه کاربرد داشته و دو نظام حمایتی را پیشنهاد می‌کند: یکی برای درگیری مسلحانه بین‌المللی و دیگری غیربین‌المللی. بر این اساس قواعد اعمال‌پذیر در وضعیت‌های خاص به طبقه‌بندی درگیری مسلحانه بستگی دارد.

الف- درگیری مسلحانه بین‌المللی (IAC)

این درگیری‌ها زمانی رخ می‌دهد که یک یا چند کشور به استفاده از زور علیه کشور دیگری متوسل شوند. درگیری مسلحانه میان یک کشور و یک سازمان بین‌المللی نیز درگیری مسلحانه بین‌المللی دانسته می‌شود.

نبردهای آزادی‌خواهانه‌ای که طی آن مردم علیه نیروهای استعماری و اشغال خارجی و رژیم‌های نژادپرست برای اعمال حق تعیین سرنوشت خود نبرد می‌کنند تحت برخی شرایط به‌عنوان درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی محسوب می‌شوند (رجوع به بند ۴ ماده ۱ و بند ۳ ماده ۹۶ پروتکل اول الحاقی) (همچنین رجوع به پرسش ۸).



ب- درگیری مسلحانه غیربین‌المللی (NIAC)

امروزه بسیاری از درگیری‌های مسلحانه ماهیتی غیربین‌المللی دارند. درگیری مسلحانه غیربین‌المللی یکی از درگیری‌های مسلحانه است که طی آن مخاصمات میان نیروهای مسلح یک کشور و گروه‌های مسلح سازمان‌یافته غیردولتی یا میان این دسته از گروه‌ها رخ می‌دهد. برای این که مخاصمات را بتوان غیر بین‌المللی تلقی نمود، شدت آنها باید به سطح خاصی برسد و گروه‌های درگیر نیز باید از سازمان‌یافتگی کافی برخوردار باشند.

حقوق معاهدات حقوق بین‌المللی بشردوستانه بر اساس معنی ماده سوم مشترک میان درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی تمایز قائل است و اینگونه مخاصمات در چارچوب تعریف ماده ۱ پروتکل دوم الحاقی قرار می‌گیرند.

- ماده سوم مشترک در خصوص درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی رخ داده در قلمرو یکی از دولت‌های متعاقد مصداق دارد که عبارتند از درگیری‌های مسلحانه‌ای که حین آن‌ها یک یا چند گروه مسلح سازمان‌یافته غیردولتی درگیر می‌باشند. درگیری‌های مسلحانه غیر بین‌المللی ممکن است میان نیروهای مسلح دولتی و گروه‌های مسلح غیردولتی سازمان‌یافته یا صرفاً میان این گروه‌ها رخ دهد.

• پروتکل دوم الحاقی در خصوص آن دسته از درگیری‌های مسلحانه ای مصداق دارد که در قلمرو یکی از دولت‌های معظم طرف قرارداد میان نیروهای مسلح آن کشور و نیروهای مسلح غیررسمی یا سایر گروه‌های مسلح سازمان‌یافته‌ای رخ می‌دهد که تحت فرماندهی مسئول، کنترل بخشی از قلمرو را در اختیار داشته و از امکان عملیات نظامی پایدار و هماهنگ و اجرای این پروتکل برخوردارند (رجوع به بند ۱ ماده ۱ پروتکل دوم الحاقی). تعریف NIAC در پروتکل اول الحاقی از دو لحاظ محدودتر از مفهوم NIAC بر اساس ماده سوم مشترک است.

۱- به معرفی لزوم کنترل قلمرو از این طریق می‌پردازد که گروه‌های مسلح غیر دولتی سازمان‌یافته می‌بایست این کنترل بر قلمرو را به‌گونه‌ای در اختیار داشته باشند که از امکان عملیات نظامی پایدار و هماهنگ و اجرای این پروتکل برخوردار شوند.

۲- پروتکل دوم الحاقی صریحاً و صرفاً به درگیری‌های مسلحانه میان نیروهای دولتی و غیردولتی یا سایر گروه‌های مسلح سازمان‌یافته اشاره می‌کند. برخلاف ماده سوم مشترک، این پروتکل در زمینه درگیری‌های مسلحانه میان گروه‌های مسلح سازمان‌یافته غیر دولتی مصداق ندارد.

در این زمینه، باید به یاد داشت که پروتکل دوم الحاقی ماده سوم مشترک را «بدون اصلاح شرایط کاربردی موجود آن توسعه داده و تکمیل می‌کند» (رجوع به بند ۱ ماده ۱ پروتکل دوم الحاقی). این بدان معنی است که تعریف متمایز مربوطه صرفاً مرتبط با کاربرد پروتکل دوم الحاقی بوده و به‌طور کلی در خصوص قانون NIAC مصداق ندارد.

موجودیت همزمان IAC و NIAC

در برخی شرایط، امکان بروز چندین درگیری همزمان و در یک قلمرو یکسان وجود دارد. در این شرایط، طبقه‌بندی درگیری‌های مسلحانه و به تبع آن، حقوق موضوعه به روابط میان طرفهای درگیر وابسته خواهد بود.

این مثال فرضی را مدنظر قرار دهید: دولت الف درگیر یک NIAC با یک گروه مسلح سازمان‌یافته غیردولتی است. دولت ب مستقیماً به نفع گروه مزبور وارد جنگ می‌شود. دولت‌های الف و ب متعاقباً وارد IAC می‌شوند اما درگیری مسلحانه میان دولت الف و گروه مسلح سازمان‌یافته غیردولتی همچنان غیر بین‌المللی است. در صورتی که دولت ب به نفع دولت الف وارد جنگ می‌شود، دولت الف و گروه مسلح سازمان‌یافته غیردولتی و دولت ب و گروه مسلح سازمان‌یافته غیردولتی وارد NIAC می‌شوند.

قواعد اصلی موضوعه در درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی

Non-International Armed Conflict (NIAC)	International Armed Conflict (IAC)
مادهٔ سوم مشترک	کنوانسیون‌های چهارگانهٔ ژنو
پروتکل دوم الحاقی	پروتکل اول الحاقی
حقوق بین‌المللی بشردوستانهٔ عرفی برای NIAC	حقوق بین‌المللی بشردوستانهٔ عرفی برای IAC

قواعد ناظر بر NIACها از جزئیات کمتری نسبت به AIC برخوردارند. به‌عنوان نمونه، وضعیت مبارز یا اسیرجنگی در قواعد ناظر بر NIAC پیش‌بینی نشده است (برای تعریف این دو رجوع شود به پرسش ۷). این بدان دلیل است که دولت‌ها تمایلی به قبول مصونیت اعضای گروه‌های مسلح سازمان‌یافتهٔ غیردولتی در برابر تعقیب حقوق داخلی به‌دلیل دست بردن به سلاح ندارند. با توجه به حق حاکمیت و اکراه دولت‌ها نسبت به موقوف کردن مسائل داخلی به قوانین بین‌المللی، تقویت نظام حمایت در NIAC دشوار می‌نماید. با این همه متذکر می‌گردم که خلأ مهم موجود میان قواعد معاهداتی موضوعه در AICها و NIACها تدریجاً با قواعد حقوق عرفی پُر می‌شود که اغلب اوقات برای تمامی انواع درگیری‌های مسلحانه یکی است.

چه قانونی در خصوص ناآرامی‌ها و تنش‌های داخلی مصداق دارد؟

ناآرامی‌ها و تنش‌های داخلی (همانند شورش و اقدامات خشونت‌آمیز منفرد و پراکنده) با مشخصه برهم‌زدن نظم عمومی بدون رسیدن به سطح درگیری‌های مسلحانه شناخته می‌شوند. این دسته از رخدادها را به این دلیل نمی‌توان درگیری مسلحانه قلمداد نمود که سطح خشونت به اندازه کافی بالا نبوده یا اشخاص متوسل به خشونت، گروه مسلح سازمان یافته‌ای نیستند.

حقوق بین‌المللی بشردوستانه در خصوص وضعیت‌های خشونت‌آمیزی که در حد درگیری‌های مسلحانه نباشند مصداق ندارد. مواردی از این دست مشمول مقررات حقوق بشر (رجوع به پرسش ۹) و قوانین داخلی می‌باشد.



۶. کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن‌ها کدامند؟

منشأ کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو

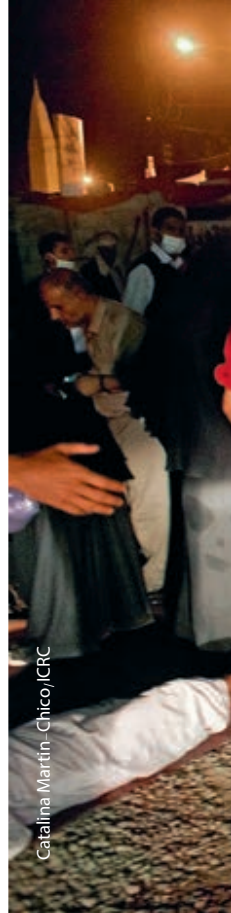
کنوانسیون ژنو برای بهبود شرایط مجروحین جنگی در سال ۱۸۶۴ تصویب شد. این کنوانسیون در سال‌های ۱۹۰۶ و ۱۹۲۹ مورد بازبینی و توسعه قرار گرفت. کنوانسیون دیگری در ارتباط با رفتار با اسرای جنگی نیز در سال ۱۹۲۹ تصویب شد. در سال ۱۹۳۴ میلادی، پانزدهمین همایش بین‌المللی صلیب سرخ در توکیو برگزار شد و متن یک کنوانسیون بین‌المللی که پیش‌نویس آن توسط کمیته بین‌المللی صلیب سرخ تهیه شده بود در خصوص حمایت از غیرنظامیان با ملیت دشمن در قلمروی متعلق به طرف رقیب یا تحت اشغال آن به تصویب رسید.

هیچ اقدامی در خصوص متن مزبور انجام نشد و دولت‌ها از حضور در همایش دیپلماتیک برای تصمیم‌گیری جهت تصویب آن خودداری کردند. در نتیجه، مقررات مندرج در پیش‌نویس توکیو طی جنگ جهانی دوم موضوعیت نیافت. صرفاً در سال ۱۹۴۹ و پس از پایان جنگ بود که دولت‌ها چهار کنوانسیون ژنو را تصویب کردند که همچنان به‌عنوان سنگ بنای حقوق بین‌المللی بشردوستانه شناخته می‌شود. در حالی که سه کنوانسیون اول ژنو از دل معاهدات موجود در زمینه موضوعات مشابه برآمده بودند، اما کنوانسیون چهارم ژنو کاملاً جدید بوده و نخستین معاهده حقوق بین‌المللی بشردوستانه در زمینه حمایت از غیرنظامیان طی درگیری‌های مسلحانه محسوب می‌شد. شمار کشته‌شدگان غیرنظامی طی جنگ جهانی دوم یکی از دلایل تهیه و تنظیم و تصویب این معاهده بود.

منشأ پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷

کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو یکی از پیشرفت‌های عمده در توسعه حقوق بین‌المللی بشردوستانه بود. البته پس از استعمارزدایی، نیاز به قوانین جنگ برای نبردهای آزادی‌خواهانه ملی و جنگ‌های داخلی نیز مشاهده شد که تعداد آن‌ها طی دوران جنگ سرد رو به فزونی گذاشته بود. همچنین، قواعد معاهداتی در زمینه انجام مخاصمات از زمان مقررات ۱۹۰۷ لاهه تغییر نیافته بود. به دلیل آن که بازبینی کنوانسیون‌های ژنو می‌توانست بر برخی از پیشرفت‌های بدست آمده در ۱۹۴۹ تأثیر منفی داشته باشد، تصمیم به تصویب متون جدیدی به صورت پروتکل‌های الحاقی کنوانسیون‌های ژنو گرفته شد که این امر در ژوئن ۱۹۷۷ میلادی تحقق یافت.

در سال ۲۰۰۵، پروتکل سوم الحاقی کنوانسیون‌های ژنو تصویب شد. سند مزبور آرم اضافه‌ای را به صورت یک قباب سرخ به شکل یک مربع در لبه یک زمینه سفید به رسمیت شناخت که به‌عنوان کریستال سرخ شناخته می‌شود. این آرم اضافی جایگزین صلیب سرخ و هلال احمر نبود بلکه گزینه‌ای اضافی محسوب می‌شد. شکل و نام این آرم پس از یک فرایند گزینش طولانی حاصل شد که هدف از آن ایجاد یک آرم فارغ از هرگونه گرایش‌های سیاسی، مذهبی یا سایر موارد مشابه بود که بتوان از آن در سرتاسر جهان استفاده کرد (رجوع به پرسش ۱۳).



Catalina Martín - Chico / ICRC

مندرجات کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی

کنوانسیون‌های ژنو از تمامی افراد و گروه‌هایی که دیگر در مخاصمات شرکت نمی‌کنند حمایت می‌کند.

- کنوانسیون اول ژنو: سربازان زخمی یا بیمار در خشکی یا اعضای خدمات پزشکی نیروهای مسلح،
- کنوانسیون دوم ژنو: پرسنل نظامی بیمار، زخمی یا کشتی‌شکسته در دریا و اعضای خدمات پزشکی نیروهای دریایی،
- کنوانسیون سوم ژنو: اسرای جنگی،
- کنوانسیون چهارم ژنو: غیرنظامیان اعم از:
 - غیرنظامیان بیگانه در قلمروی طرفهای درگیر، شامل پناهندگان،
 - غیرنظامیان در قلمروی اشغالی،
 - زندانیان و بازداشت‌شدگان غیرنظامی،
 - پرسنل درمانی و مذهبی یا واحدهای پدافند مدنی.

ماده سوم مشترک حداقل حمایت را در درگیری‌های غیربین‌المللی تضمین کرده و به‌منزله معاهده حداقلی متضمن حداقل استاندارد شناخته می‌شود که طرفهای درگیر نباید از آن عدول نمایند. قواعد مندرج در ماده سوم مشترک به عنوان قانون عرفی شناخته می‌شود (رجوع به قسمت ذیل).

پروتکل اول الحاقی مکمل حمایت ناشی از ۴ کنوانسیون ژنو در درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی است. به‌عنوان نمونه، این پروتکل از زخمی‌ها، بیماران و کشتی‌شکستگان غیرنظامی و پرسنل درمانی غیرنظامی حمایت می‌کند و از سویی مشتمل بر قواعد مربوط به الزام به جستجوی مفقودین و ارائه کمک‌های بشردوستانه به غیرنظامیان است. تضامین اساسی مربوطه برای تمامی اشخاص فارغ از وضعیت ایشان داده شده است. علاوه بر این، پروتکل اول الحاقی چندین قاعده در زمینه حمایت از جمعیت غیرنظامی در برابر آثار مخاصمات دارد.

پروتکل دوم الحاقی به توسعه و تکمیل ماده ۳ مبادرت نموده و در زمینه درگیری‌های غیر بین‌المللی میان نیروهای مسلح یک دولت و نیروهای مسلح شورشی یا دیگر گروه‌های مسلح سازمان‌یافته مصداق دارد که تحت فرماندهی مسئول، بر بخشی از قلمرو کنترل دارند و می‌توانند عملیات نظامی پایدار و هماهنگ انجام دهند و این پروتکل را اجرایی نمایند. (در خصوص شرایط کاربرد پروتکل دوم الحاقی رجوع شود به پرسش ۵). پروتکل دوم الحاقی به تقویت حمایت و رای حداقل استانداردهای موجود در ماده سوم مشترک از طریق وضع ممنوعیت‌هایی علیه حملات مستقیم به غیرنظامیان، مجازات‌های جمعی، اقدامات تروریستی، تجاوز، فحشای اجباری و سوء استفاده جنسی، برده‌داری و غارت می‌پردازد. از سویی مقرراتی در آن برای رفتار با اشخاص محروم از آزادی وضع شده است.

ماده سوم مشترک

در صورت غیربین‌المللی بودن درگیری‌های مسلحانه در قلمرو یکی از دولت‌های معظم طرف قرارداد، هریک از طرف‌های درگیری ملزم به رعایت مقررات حداقل ذیل می‌باشند:

۱- با کسانی که مستقیم در مخاصمات شرکت ندارند به همراه افراد نیروهای مسلحی که سلاح زمین گذاشته باشند یا کسانی که به دلیل بیماری یا جراحت یا اسارت یا هر علت دیگری قادر به جنگ نباشند باید در همه احوال بدون هیچگونه تبعیضی که ناشی از نژاد، رنگ، عقیده، جنس، نسب یا هر علت مشابه آن باشد انسانی‌دستانه رفتار شود.

با توجه به موارد فوق‌الذکر، اعمال ذیل در مورد اشخاص مذکور در هر زمان و مکان ممنوع است خواهد بود:

الف- اعمال خشونت علیه جان یا تمامیت جسمانی شخص از جمله قتل به تمامی اشکال آن، مثله نمودن، رفتار ظالمانه،

شکنجه؛

ب- گروگان‌گیری؛

پ- توهین به کرامت اشخاص از جمله تحقیر و رفتار اهانت‌آمیز؛

ت- محکومیت و اعدام بدون تضاوت و برپایی دادگاه عادی که شامل جمیع تضمینات قضایی که ملل متمدن ضروری می‌دانند باشد.

۲- زخمی‌ها و بیماران باید جمع‌آوری و مورد مراقبت قرار گیرند.

- یک نهاد بشردوستانه بی‌غرض از جمله کمیته بین‌المللی صلیب سرخ می‌تواند خدمات خود را به طرف‌های درگیری عرضه دارد.

- گذشته از مراتب فوق، طرف‌های درگیری باید تلاش بیشتری انجام دهند تا تمام با بخشی از مفاد این کنوانسیون را نیز از طریق موافقت‌نامه‌های خاص به اجرا گذارند.

- اجرای مقررات فوق تأثیری در وضعیت حقوقی طرف‌های درگیری نخواهد داشت.



۷. حقوق بین‌المللی بشردوستانه از چه کسانی حمایت می‌کند؟

حقوق بین‌المللی بشردوستانه از تمامی قربانیان درگیری‌های مسلحانه اعم از غیرنظامیان و مبارزانی که سلاح بر زمین گذاشته‌اند حمایت می‌کند. ماهیت حمایت مزبور متغییر بوده و بسته به این که شخص مورد بحث مبارز یا غیرنظامی باشد تعیین می‌شود.

درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی

غیرنظامیان

غیرنظامیان در دو صورت از حق حمایتی برخوردار می‌باشند؛ نخست این که از حمایت کلی در برابر خطرات ناشی از مخاصمات برخوردارند. (رجوع به پرسش ۱۱). غیرنظامیان عبارتند از تمامی اشخاصی که در مبارزه نیستند (رجوع به تعریف ذیل) و نباید هدف حمله قرار گیرند. تنها استثنائات این قاعده آن دسته از غیرنظامیانی هستند که مستقیماً به‌عنوان نمونه از طریق دست بردن به سلاح در برابر دشمن در مخاصمات شرکت می‌کنند. در این شرایط، آن‌ها ممکن است هدف حمله قرار گیرند اما صرفاً تا زمانی که در مخاصمات شرکت دارند (رجوع به پرسش ۱۱).

دوم این که غیرنظامیان در صورتی طبق حقوق بین‌المللی بشردوستانه در اختیار یکی از طرفین درگیری تحت حمایت قرار دارند که:

- تبعه این دولت دشمن نباشند،
- تبعه متحدین این دولت دشمن نباشند (مگر آن که دو کشور فاقد روابط دیپلماتیک عادی باشند)،
- تبعه کشور بی‌طرف، یا غیرمتخاصم، نباشند (مگر آن که دو کشور فاقد روابط دیپلماتیک عادی باشند). البته در قلمروی اشغالی، اتباع دولت های بی‌طرف همواره تحت حمایت قرار دارند.

منطق این امر آن است که افراد مزبور بدین دلیل می‌بایست تحت حمایت حقوق بین‌المللی بشردوستانه باشند که به دلیل جنگ با کشور مقابل یا عدم وجود روابط دیپلماتیک با کشور مزبور دیگر تحت حمایت کشور خود قرار ندارند. همچنین هدف حمایت از ایشان در برابر اقدامات خودسرانه طرف متخاصم به دلیل تبعیت‌شان از دشمن است.

غیرنظامیان مورد حمایت از حق احترام نسبت به جان، کرامت، حقوق شخصی، دیدگاه‌های سیاسی، مذهبی و باورهای دیگر برخوردارند. آن‌ها نباید مورد شکنجه، اقدامات تحقیرآمیز و ظالمانه یا تنبیهات بدنی قرار گرفته و باید در برابر تمامی اعمال خشونت‌آمیز یا تلافی‌جویانه حمایت شوند.

غیرنظامیان مخصوصاً هنگامی که در قلمروی اشغال شده توسط نیروی متخاصم حضور دارند و یا هنگامی که به دلایل مربوط به درگیری مسلحانه بازداشت شوند در خطر قرار دارند. در قلمروی اشغالی، قدرت اشغالگر ملزم به ارائه ملزومات غذایی و درمانی به غیرنظامیان تحت حمایت است. اخراج از سرزمین و انتقال اجباری ممنوع است. همچنین قواعدی در زمینه ضبط اموال وجود دارد. حقوق بین‌المللی بشردوستانه قواعد دقیقی برای حمایت از غیرنظامیانی که از آزادی محروم هستند ارائه می‌دهد؛ بخصوص درباره شرایط بازداشت، تضامین قضایی و رویه‌ای ناظر بر ایشان و آزادسازی این دسته از افراد (رجوع به پرسش ۱۰).

مبارزان خارج از صحنه نبرد (hors de combat)

مبارزان علیرغم برخورداری از حمایت در برابر جراحات بیش از حد یا درد و رنج بی‌مورد، در برابر آثار ناشی از محاصرات حمایت نمی‌شوند (پرسش ۱۲). بنابراین، حمله به آنها جز در حالتی که از صحنه نبرد خارج باشند منعی ندارد.

تمامی اعضای نیروهای مسلح یکی از طرفهای درگیری (به‌جز پرسنل درمانی و مذهبی) به‌عنوان مبارز شناخته می‌شوند. نیروهای مسلح یکی از طرف‌های درگیری شامل تمامی نیروهای مسلح سازمان‌یافته، گروه‌های مسلح و واحدهایی است که تحت فرماندهی مسئول طرف مزبور قرار دارند (رجوع به بندهای ۱ و ۲ ماده ۴۳ پروتکل اول الحاقی و قاعده ۳ و ۴ مطالعه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ

در زمینه حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی). نوعاً این امر اعضای عادی نیروهای مسلح و همچنین اعضای نیروهای داوطلب (که نیروهای مسلح غیرمنظم خوانده می‌شوند) و اعضای نهضت‌های سازمان‌یافته مقاومت را شامل می‌شود. کنوانسیون سوم ژنو سختگیرانه‌تر از پروتکل اول الحاقی بوده و شرایط ویژه‌ای را برای اعضای نیروهای غیرمنظم و نهضت‌های فوق‌مقرر کرده تا به‌عنوان اسرای جنگی شناخته شوند.

مبارزان زمانی خارج از صحنه نبرد به شمار می‌آیند که در اختیار طرف مخالف قرار داشته باشند، یا قصد خود را از تسلیم تصریح نموده، یا به قدری زخمی یا بیمار باشند که قادر به دفاع از خود نباشند. در هریک از این موارد، اشخاص مزبور در صورتی خارج از صحنه نبرد خواهند بود که از مخاصمات دوری جسته و تلاشی برای فرار انجام ندهند. به محض آن که مبارزی از صحنه نبرد خارج گردد باید اینگونه لحاظ شده و تحت حمایت قرار گیرد.

علاوه بر این، مبارزانی که به هر طریق در دستان دشمن هستند از جمله تسلیم، گرفتاری و ... اسیر جنگی محسوب می‌شوند. بر این اساس، امکان تعقیب قانونی یا مجازات آن‌ها به دلیل شرکت مستقیم در مخاصمات وجود ندارد. در واقع، مبارزان حق شرکت مستقیم در مخاصمات را داشته و در برابر تعقیب قانونی اقدامات خصمانه خود مصونیت دارند. البته در صورت ارتکاب جنایات جنگی، مسئول خواهند بود (رجوع به پرسش ۱۹).

اسرا از حق رفتار انسانی و احترام برای جان، کرامت، حقوق شخصی و دیدگاه‌های سیاسی، مذهبی و ... خود برخوردارند. آن‌ها نباید مورد شکنجه، اقدامات تحقیرآمیز و ظالمانه یا مجازات بدنی قرار گرفته و باید در برابر تمامی اعمال خشونت‌آمیز حمایت شوند. حقوق بین‌المللی بشردوستانه مشتمل بر قواعد دقیقی در حمایت از اسرا بالاخص در زمینه شرایط بازداشت، تضمین قضایی و رویه‌های ایشان و آزادی و بازگشت به میهن می‌باشد (رجوع به پرسش ۱۰).

درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی

حقوق بین‌المللی بشردوستانه هیچ دسته‌بندی خاصی برای وضعیت اشخاص در درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی قائل نیست، چرا که دولت‌ها تمایلی به اعطای عنوان «مبارز» به اعضای گروه‌های سازمان‌یافته مسلح غیردولتی ندارند تا حتی برای شرکت مستقیم در مخاصمات برای آن‌ها ایجاد نشود. بر این اساس، ماده سوم مشترک و پروتکل دوم الحاقی صرفاً مقرر می‌نماید هرکسی که مستقیماً در مخاصمات نبوده یا دیگر نباشد، از حق حمایت برخوردار است. این امر حقوق بین‌المللی بشردوستانه را از امکان حمایت از غیرنظامیان و کسانی که دیگر درگیر مستقیم نیستند برخوردار می‌کند. به دلیل عدم وجود وضعیت مبارز در درگیری‌های مسلحانه غیر بین‌المللی، وضعیت

اسیر جنگی نیز وجود ندارد. این بدان معنی است که اعضای گروه‌های مسلح غیر دولتی که در چنین درگیری‌هایی دست به سلاح می‌برند بر اساس قوانین داخلی مربوطه قابل تعقیب می‌باشند.

حمایت برای زخمی‌ها، بیماران، کشتی‌شکستگان و خدمات پزشکی

صرف نظر از وضعیت، زخمی‌ها، بیماران و کشتی‌شکستگان تحت حمایت می‌باشند. این دسته از افراد باید توسط طرفی که آن‌ها را در اختیار دارد مورد جستجو، جمع‌آوری و مراقبت قرار گیرند. پرسنل و تأسیسات، ترابری و تجهیزات پزشکی باید در تمامی شرایط مورد حمایت و احترام باشند. صلیب سرخ، هلال احمر یا کریستال سرخ با زمینه سفید علامت متمایز نشان‌دهنده حمایت از اشخاص و اشیای مربوطه است (رجوع به پرسش ۱۳).

حمایت ویژه: زنان و کودکان

برخی اقشار از جمله زنان و کودکان نیازهای ویژه‌ای در درگیری‌های مسلحانه دارند و باید مورد حمایت ویژه قرار گیرند.

مراقبت و کمک لازم برای کودکان باید فراهم شود. تمامی تمهیدات ممکن باید انجام شود تا از شرکت مستقیم کودکان زیر ۱۵ سال در مخاصمات پیشگیری شود و در صورت یتیم یا جدا ماندن آنها از خانواده به دلیل درگیری مسلحانه باید اطمینان حاصل گردد که به تنهایی رها نشوند. نگهداری ایشان و اعمال مذهبی و آموزشی آنها در تمامی شرایط باید تسهیل گردد. کودکان محروم از آزادی باید در اماکنی جدا از واحدهای بزرگسالان نگهداری شوند به استثنای وقتی که همه اعضای خانواده کنار هم نگهداری شوند. اعدام نباید برای افراد زیر ۱۸ سال که مرتکب جرم می‌شوند اجرا شود.

نیازهای خاص حمایتی، امدادی و درمانی زنان متأثر از درگیری مسلحانه باید مدنظر قرار گیرد. زنان باردار و مادران جوان باید تحت مراقبت ویژه قرار گیرند. ممنوعیت خشونت جنسی در خصوص مردان و زنان به یک اندازه اعمال می‌شود اما اغلب موارد بیشترین قربانیان خشونت‌های جنسی که در درگیری‌های مسلحانه زوی می‌دهد زنان هستند. بر این اساس زنان باید در برابر تمامی انواع خشونت‌های جنسی از طرفی اعم از جدایی از مردان در حین بازداشت، به استثنای زندگی با خانواده، مورد حمایت قرار گیرند. همچنین آنها باید مستقیماً تحت سرپرستی زنان باشند نه مردان.

ضمانت‌های اساسی فارغ از وضعیت

در کنار حمایت‌های فوق‌الذکر، حقوق بین‌المللی بشردوستانه برخی تضامین اساسی را نیز ارائه می‌کند که برای تمامی افراد خارج از صحنه نبرد فارغ از وضعیت آنها اعمال می‌شود (ماده ۷۵ پروتکل اول الحاقی، ماده ۴ پروتکل دوم الحاقی).

شخصیت، شرف، عقاید و عمل به وظایف مذهبی اشخاص باید محترم شمرده شود. بالاخص اقدامات ذیل تحت تمامی شرایط از سوی عوامل غیرنظامی یا نظامی ممنوع است:

الف- خشونت علیه جان، صحت و آسایش جسمی یا روانی اشخاص، به ویژه:

- قتل
- شکنجه، اعم از جسمی یا روانی
- مجازات بدنی
- مثله کردن

ب- اهانت به کرامت فردی، به ویژه تحقیر و رفتار تحقیرآمیز، تجاوز، فحش‌های اجباری و هر نوع عمل خارج از نزاکت

پ- گروگان‌گیری

ت- مجازات جمعی،

ث- تهدید به ارتکاب هر نوع از اقدامات فوق‌الذکر.

نهایتاً این که تضامین اساسی مربوط به تمامی اشخاص تحت تأثیر درگیری‌های مسلحانه همچنین مشتمل بر برخی تضامین روبه‌ای و قضایی می‌باشد (ماده ۷۵ پروتکل اول الحاقی، ماده ۶ پروتکل دوم الحاقی).



۸. چه کسانی بر اساس حقوق بین‌المللی

بشردوستانه مسئول و متعهد شناخته می‌شوند؟

تمامی طرف‌های درگیری‌های مسلحانه - از جمله دولت‌ها یا گروه‌های مسلح غیردولتی سازمان یافته - مشمول قواعد معاهداتی و عرفی حقوق بین‌المللی بشردوستانه می‌باشند. قواعد حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی همواره برای تمامی طرف‌ها صرف نظر از تصویب معاهدات حقوق بین‌المللی بشردوستانه توسط آنها مصداق دارد.

دولت‌ها و تعهدات ایشان

صرفاً دولت‌ها می‌توانند به عضویت معاهدات بین‌المللی همچون کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن درآیند. از نوامبر ۲۰۱۳ میلادی، ۱۹۵ کشور عضو این کنوانسیون‌ها بوده‌اند. تصویب جهانی این کنوانسیون‌ها نشان‌دهنده اهمیت آنها است. از مارس ۲۰۱۴ میلادی، ۱۷۳ کشور عضو پروتکل اول الحاقی، ۱۶۷ کشور عضو پروتکل دوم الحاقی و ۶۶ کشور عضو پروتکل سوم الحاقی بوده‌اند.

گروه‌های مسلح سازمان‌یافته غیردولتی و تعهدات ایشان

این گروه‌ها منوط به آن که کشور متبوع آنها یکی از اعضای معاهدات مربوطه باشد به موجب ماده ۵ سوم مشترک و پروتکل دوم الحاقی (در صورت رسیدن به آستانه مورد نظر، رجوع به پرسش ۵) به عنوان طرف‌های درگیری‌های غیربین‌المللی متعهد خواهند بود. در هر صورت، این گروه‌ها همچنین مشمول قواعد حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی در خصوص درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی هستند.

نهضت‌های ملی آزادی‌خواه

این نهضت‌ها که علیه استعمار و اشغال بیگانه و رژیم‌های نژادپرست بر اعمال حق خود برای تعیین سرنوشت مردمان خود نبرد می‌کنند می‌توانند از طریق اظهاریه یک‌جانبه به نهاد مسئول (شورای فدرال سوییس - رجوع به بند ۴ ماده ۱ و بند ۳ ماده ۹۶ پروتکل اول الحاقی ۱) متعهد به اعمال کنوانسیون ژنو و پروتکل اول الحاقی (حقوق بین‌المللی بشردوستانه ناظر بر درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی) شوند.

آیا حقوق بین‌المللی بشردوستانه در خصوص عملیات صلح سازمان ملل متحد یا اجرا شده تحت نظارت آن مصداق دارد؟

ماهیت چندبعدی عملیات صلح و محیط‌های دشوار و خشونت‌آمیز محل فعالیت پرسنل مربوطه احتمالاً توسل به زور را توسط نیروهای چند ملیتی شرکت‌کننده در آن افزایش می‌دهد. در این شرایط، پرسش در خصوص اعمال‌پذیری حقوق بین‌المللی بشردوستانه از اهمیت خاصی برخوردار خواهد بود.

مسئله اعمال‌پذیری حقوق بین‌المللی بشردوستانه برای نیروهای چندملیتی از دیرباز کمتر مورد توجه واقع شده است. اغلب اوقات باور عمومی بر این بوده است که نیروهای سازمان ملل نمی‌توانند یک طرف درگیری‌های مسلحانه بوده و بر این اساس مشمول حقوق بین‌المللی بشردوستانه نمی‌گردند. از سویی تأکید گردیده که نیروهای چند ملیتی که برچسب مشروعیت بین‌المللی را بر خود دارند می‌بایست بی‌غرض، هدفمند و بی‌طرف تلقی شوند چرا که تنها منافع ایشان در درگیری‌های مسلحانه بازگرداندن و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است.

البته این نگرش به موضوع تمایز دیرباز میان *jus in bello* و *jus ad bellum* را مد نظر قرار نمی‌دهد. همچون دیگران، اعمال‌پذیری حقوق بین‌المللی بشردوستانه برای نیروهای چند ملیتی باید صرفاً بر اساس حقایق تعیین گردد و از مأموریت بین‌المللی تفویض شده به آنها توسط شورای امنیت و سمت‌های اختصاص یافته به طرف‌های مخالف احتمالی با آنها به دور باشد.

حقوق بین‌المللی بشردوستانه در صورتی در مورد نیروهای چندملیتی مصداق دارد که آنها یکی از طرف‌های درگیری مسلحانه، اعم از بین‌المللی یا غیربین‌المللی، باشند. در صورت نبرد نیروهای چندملیتی علیه نیروهای مسلح دولتی، چارچوب حقوقی مرجع، حقوق بین‌المللی بشردوستانه ناظر بر درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی خواهد بود. در صورت مقابله این نیروها با یک یا چند گروه مسلح سازمان‌یافته غیردولتی، چارچوب حقوقی مرجع حقوق بین‌المللی بشردوستانه ناظر بر درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی خواهد بود.

عملیات حفظ صلح و اجرای صلح

عملیات حفظ صلح اغلب اوقات به دو گروه حفظ صلح و اجرای صلح تقسیم‌بندی می‌شود.

هدف از عملیات حفظ صلح، حصول اطمینان از احترام به آتش‌بس و خطوط علامت‌گذاری شده و انعقاد توافق‌نامه‌های مربوط عقب‌نشینی نیروها است. طی چند سال گذشته، حدود و شمول عملیات حفظ صلح گسترش یافته و شامل سایر امور اعم از نظارت بر انتخابات، ارسال کمک‌های بشردوستانه و کمک‌های امدادی در فرایندهای آشتی ملی است. اعضای نیروهای حافظ صلح صرفاً برای دفاع از خود حق استفاده از زور را ندارند. عملیاتی از این دست با رضایت طرف‌های مربوطه انجام می‌شود.

عملیات اجرای صلح که تحت فصل ۷ منشور سازمان ملل متحد است، توسط نیروهای سازمان ملل متحد یا دولت‌ها، مجموعه دولت‌ها یا سازمان‌های منطقه‌ای با دعوت کشور مربوطه یا مجوز شورای امنیت سازمان ملل متحد انجام می‌پذیرد. این نیروها مأموریت جنگی داشته و از حق استفاده از تمهیدات نظامی برای ایفای مأموریت خود برخوردارند. رضایت طرف‌های درگیر الزامی نیست.

تفکیک میان این دو نوع عملیات طی سال‌های اخیر سخت‌تر شده است چرا که عملیات صلح اغلب وظایف معمول حفظ صلح و اجرای صلح را توأمآ شامل می‌شود. در نتیجه، از اصطلاحات عمومی‌تر "عملیات حمایت از صلح" و "عملیات صلح" در حال حاضر بیشتر استفاده می‌شود.

ماهیت مأموریت عملیات صلح و وظیفه محوله اعم از حفظ صلح یا اجرای صلح تأثیری بر اعمال‌پذیری حقوق بین‌المللی بشردوستانه که بر اساس حقایق و وجود معیارهای درگیری‌های مسلحانه برگرفته از مقررات مربوطه حقوق بین‌المللی بشردوستانه و به ویژه مواد دوم و سوم مشترک تعیین می‌شوند تأثیری ندارد.

الزام به احترام و تضمین احترام برای حقوق بین‌المللی بشردوستانه

تنها طرف‌های یک درگیری طبق حقوق بین‌المللی بشردوستانه مسئولیت ندارند بلکه تمامی دولت‌ها و جوامع بین‌المللی «باید حقوق بین‌المللی بشردوستانه را محترم شمرده و احترام به آن را تضمین کنند».

عبارت فوق را می‌توان در ماده‌ی اول مشترک مشاهده نمود: «دولت‌های معظم طرف قرارداد ملزم به احترام و تضمین احترام برای کنوانسیون جاری در تمامی شرایط می‌باشند.» (همچنین رجوع به بند ۱ ماده‌ی ۱ پروتکل اول الحاقی).

الزام طرف‌های درگیری به احترام و تضمین احترام در خصوص حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی نیز پابرجاست (رجوع به قاعده‌ی ۱۳۹ مطالعه‌ی کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ در زمینه‌ی حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی).

- منظور از «احترام» آن است که طرف‌های معاهدات حقوق بین‌المللی بشردوستانه باید نسبت به اعمال معاهدات مزبور با حسن نیت اقدام کنند.
- منظور از «تضمین احترام» آن است که دولت‌های عضو حقوق بین‌المللی بشردوستانه اعم از درگیر در محاصره یا غیردرگیر در آن و جامعه‌ی بین‌المللی به‌طور کلی باید تمامی تمهیدات مقتضی را برای تضمین احترام برای قواعد توسط تمامی طرف‌ها و به خصوص طرف‌های درگیری اتخاذ نمایند.

چه کسی موظف به آگاهی بخشی در زمینه کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن است؟

دولت‌ها الزام حقوقی به اطلاع‌رسانی در زمینه‌ی کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های الحاقی آن‌ها دارند.

«دولت‌های معظم طرف قرارداد در زمان صلح یا جنگ حتی‌الامکان متعهد به انتشار متن این کنوانسیون در کشورهای متبوع خود و بالاخص لحاظ نمودن مطالعات مربوطه در برنامه‌های نظامی خود و حسب امکان، دستورالعمل‌های مدنی می‌باشند، به‌گونه‌ای که امکان آگاهی از اصول مزبور برای کل جامعه و به‌خصوص نیروهای مسلح درگیر، پرسنل پزشکی و مشاورین مذهبی فراهم شود.» (مواد ۴۷ و ۴۸ به ترتیب از کنوانسیون‌های اول و دوم ژنو، همچنین به ترتیب رجوع شود به مواد ۱۲۷ و ۱۴۴ کنوانسیون‌های سوم و چهارم ژنو).

دولت‌های معظم طرف قرارداد در زمان صلح یا جنگ حتی‌الامکان متعهد به انتشار متن این کنوانسیون و پروتکل‌های الحاقی در دولت‌های متبوع خود و بالاخص لحاظ نمودن مطالعات مربوطه در برنامه‌های نظامی خود و تشویق مطالعه توسط غیرنظامیان می‌باشند، به‌گونه‌ای که امکان آگاهی از اصول مزبور برای کل جامعه و به‌خصوص نیروهای مسلح و غیرنظامیان فراهم شود." (ماده‌ی ۸۲ پروتکل اول الحاقی).

این پروتکل حتی‌الامکان می‌بایست اطلاع‌رسانی شود (ماده‌ی ۱۹ پروتکل دوم الحاقی)

۹. تفاوت میان حقوق بین‌المللی بشر و دوستانه و حقوق بشر در چیست؟

حقوق بشر بین‌الملل چیست؟

حقوق بشر مجموعه‌ای از قواعد بین‌المللی ایجاد شده بر اساس معاهدات یا عرف است که بر اساس آن، افراد و گروه‌ها می‌توانند از برخی حقوق برخوردار شده یا مدعی آنها شوند که دولت‌های متبوع خود موظف به احترام و حمایت آنها هستند. شاکله استانداردهای حقوق بین‌المللی بشر نیز مشتمل بر اصول و رهنمودهای متعددی است که از طریق معاهدات حاصل نشده است ("قانون نرم").

معاهدات اصلی منشور مزبور ذیلاً آورده شده است:

الف- اسناد جهانی

- کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایت نسل‌کشی (۱۹۴۸)،
- کنوانسیون حذف تمامی اشکال تبعیض نژادی (۱۹۶۵)،
- میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)،
- میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶)،
- کنوانسیون حذف تمامی انواع تبعیض علیه زنان (۱۹۷۹)،
- کنوانسیون ضد شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی یا اهانت‌آمیز (۱۹۸۴)،
- کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹)،
- کنوانسیون بین‌المللی حمایت از حقوق تمامی کارگران مهاجر و خانواده ایشان (۱۹۹۹)،
- کنوانسیون بین‌المللی حمایت از مفقودین اجباری (۲۰۰۶)،
- کنوانسیون حقوق اشخاص دچار معلولیت (۲۰۰۶).

ب- اسناد منطقه‌ای

- کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (۱۹۵۰)،
- کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (۱۹۶۹)،
- منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم (۱۹۸۱).

معاهدات یاد شده تحت نظارت نهادهای حقوق بشری اعم از کمیته حقوق بشر برای میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و دادگاه اروپایی حقوق بشر برای کنوانسیون اروپایی حقوق بشر قرار دارد.

در حالی که حقوق بین‌المللی بشردوستانه و حقوق بشر به شیوه‌های مجزایی توسعه یافته‌اند اما برخی از معاهدات حقوق بشری مشتمل بر مقررات ناشی از حقوق بین‌المللی بشردوستانه می‌باشند. به‌عنوان نمونه، کنوانسیون حقوق کودک و پروتکل اختیاری آن در زمینه مشارکت کودکان در درگیری‌های مسلحانه و کنوانسیون مفقودی اجباری.

حقوق بین‌المللی بشردوستانه و حقوق بشر بین‌الملل نهادهای مکمل حقوق بین‌الملل هستند که هرکدام سهمی در راستای تحقق هدف مربوطه در اختیار دارند. علیرغم برخی تفاوت‌ها، هر دو در راستای حمایت از جان، سلامتی و کرامت افراد تلاش می‌کنند. به همین دلیل با وجود تفاوت‌های شکلی قابل‌ملاحظه، اساس برخی از قواعد این دو مشابه است. به‌عنوان مثال، هر دو شکنجه یا رفتار ظالمانه را ممنوع کرده‌اند، برای اشخاص مشمول فرایند جنایی حقوق پایه تجویز می‌کنند، تبعیض را ممنوع کرده‌اند، مشتمل بر مقرراتی برای حمایت از زنان و کودکان هستند و جنبه‌های حق برخورداری از غذا و سلامت را مشخص می‌کنند. البته تفاوت‌های مهمی نیز میان این دو وجود دارد که عبارتند از منشأ، حدود و شمول کاربرد، نهادهای اجرایی و غیره است.

منشأ

حقوق بین‌المللی بشردوستانه که ریشه در دوران باستان دارد در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی تحت تأثیر هانری دونان مؤسس و پدر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ تأسیس گردید (پرسش ۶). حقوق بشر پیشینه‌ای کمتر دارد و از برخی بیانیه‌های حقوق بشری ملی تحت تأثیر ایده‌های روشنگرانه (همانند بیانیه استقلال آمریکا در سال ۱۷۷۶ و بیانیه حقوق انسان و شهروند فرانسه در سال ۱۷۸۹) نشأت می‌گیرد. صرفاً پس از جنگ جهانی دوم بود که حقوق بشر تحت نظارت سازمان ملل متحد به‌عنوان شاخه‌ای از حقوق بین‌المللی ظهور نمود. بیانیه بین‌المللی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ میلادی نخستین بار حقوق بشر را در سطح بین‌المللی و طی یک قطعنامه غیرالزام‌آور مجمع عمومی مصوب نمود. صرفاً در سال ۱۹۶۶ بود که بیانیه یادشده به معاهدات جهانی حقوق بشر اعم از موارد ذیل منتج گردید: میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که هر دو در سال ۱۹۶۶ مصوب گردید (رجوع به قسمت ذیل).

حدود و شمول زمانی

در حالی که حقوق بین‌المللی بشردوستانه صرفاً در زمینه درگیری‌های مسلحانه کاربرد دارد (پرسش ۵)، حقوق بشر اساساً همواره چه در جنگ یا صلح مصداق دارد. البته، برخلاف حقوق بین‌المللی بشردوستانه، برخی از معاهدات حقوق بشری به دولت‌ها امکان معافیت از برخی از الزامات خاص را طی وضعیت‌های اضطراری عمومی که حیات ملت را به خطر بیندازد می‌دهند. البته این امر می‌بایست ضروری بوده و متناسب با بحران مربوطه باشد، نباید به‌صورت تبعیض‌آمیز اعمال شود و با سایر قواعد حقوق بین‌الملل اعم از مقررات حقوق بین‌المللی

بشردوستانه در تعارض باشد. برخی از حقوق بشر هرگز قابل استنفاد نمی‌باشند، از جمله: حق حیات، ممنوعیت شکنجه یا اقدامات یا مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی یا اهانت‌آمیز، ممنوعیت برده‌داری و بیگاری و ممنوعیت علیه حقوق جنایی عطف به‌ماسبق.

حدود و شمول جغرافیایی

یکی دیگر از تفاوت‌های مهم میان حقوق بین‌المللی بشردوستانه و حقوق بشر حوزه فرامرزی تحت تأثیر آن است. حقوق بین‌المللی بشردوستانه حاکم بر درگیری‌های مسلحانه بوده و مسئله فرامرزی تأثیری بر آن ندارد، چرا که هدف از آن تنظیم مقررات ناظر بر اقدامات یک یا چند کشور درگیر در درگیری‌های مسلحانه در قلمروی دیگری است. همین استدلال در خصوص درگیری‌های غیربین‌المللی در زمینه عنصر فرامرزی مصداق دارد: طرف‌های این دسته از درگیری‌ها در صورت فرامرزی شدن درگیری از الزامات حقوق بین‌المللی بشردوستانه خود معاف و مبری نمی‌شوند، علیرغم دیدگاه‌های برخی مخالفین برجسته، عموماً این دیدگاه وجود دارد که حقوق بشر دارای کاربرد فرامرزی اعم از تأثیر بر تصمیمات محاکم منطقه‌ای و بین‌المللی است. نهادهای حقوق بشری عموماً کاربرد فرامرزی حقوق بشر را در صورت اعمال کنترل یک کشور بر یک قلمروی مثلاً اشغالی یا شخص مثلاً محبوس تأیید می‌کنند. با این همه، پرونده حقوقی حقوق بشر در زمینه کاربرد فرامرزی هنجارهای حقوق بشری حاکم بر توسل به زور حل‌وفصل نشده باقی‌مانده است.

حدود و شمول کاربرد شخصی

هدف حقوق بین‌المللی بشردوستانه حمایت از اشخاصی است که دیگر مستقیم در مخاصمات شرکت ندارند. این قانون از غیرنظامیان و نظامیان خارج از صحنه نبرد همانند زخمی‌ها، بیماران و کشتی‌شکستگان با اسرا حمایت می‌کند (رجوع به پرسش ۷). حقوق بشر که بدو برای زمان صلح طراحی شده است در زمینه تمامی افراد حاضر در قلمرو یک کشور صدق می‌کند. برخلاف حقوق بین‌المللی بشردوستانه، این حقوق تمایزی میان نظامیان و غیرنظامیان قائل نشده و اشخاص تحت حمایت را طبقه‌بندی نمی‌کند.



طرفهای مسئول تحت حقوق بین‌المللی بشردوستانه و حقوق بشر

حقوق بین‌المللی بشردوستانه تمامی طرفهای درگیری‌های مسلحانه را مقید کرده و بر این اساس نوعی حقوق و الزامات برابر میان منافع طرف دولتی و غیر دولتی به نفع تمام افرادی که متأثر از نحوه هدایت آن‌ها هستند (یک رابطه لزوماً «افقی») ایجاد می‌کند (پرسش ۸). حقوق بشر صریحاً حاکم بر روابط میان دولت و اشخاص حاضر در قلمرو و یا مشمول حوزه قضایی آن (رابطه لزوماً عمودی) است که متضمن تعهدات دولت‌ها در قبال افراد در اجرای کلی آن می‌باشد. بر این اساس، حقوق بشر صرفاً دولت‌ها را متعهد می‌نماید، چرا که معاهدات حقوق بشری و سایر منابع استاندارد آن الزامات قانونی برای گروه‌های مسلح غیر دولتی ایجاد نمی‌کند. دلیل این امر آن است که اکثر این دسته از گروه‌ها امکان تبعیت از تمامی الزامات حقوق بشری را ندارند زیرا برخلاف دولت‌ها نمی‌توانند وظایف تعهد شده در حقوق بشر را اجرایی نمایند. استثنای این امر گروه‌های مسلح غیردولتی هستند که معمولاً به موجب کنترل تثبیت‌شده قلمرو از توانایی فعالیت همانند مسئولین دولتی برخوردار بوده و بر این اساس امکان دارد مسئولیت‌های حقوق بشری عملاً به آن‌ها اعمال شود.



حدود و شمول ماهوی کاربرد

حقوق بین‌المللی بشردوستانه و حقوق بشر دارای قواعد اساسی مشترک (همانند ممنوعیت شکنجه) هستند اما از سویی مقررات متفاوتی نیز دارند. حقوق بین‌المللی بشردوستانه به موارد بسیاری خارج از شمول حقوق بشر می‌پردازد اعم از وضعیت مبارزان و اسرا، حمایت از نشان صلیب سرخ و هلال احمر و قاعده‌مندی انواع خاص سلاح. بر همین اساس، حقوق بشر نیز برخی از ابعاد حیات را لحاظ می‌کند که توجهی به آن‌ها در حقوق بین‌المللی بشردوستانه نمی‌شود؛ اعم از آزادی مطبوعات، حق مشارکت، حق رأی، اعتصاب، و سایر امور. علاوه بر این، برخی از حوزه‌ها مشمول هر دو می‌باشند که البته این امر به‌صورتی متفاوت و در بعضی موارد مغایر با هم انجام می‌شود. امر یاد شده علی‌الخصوص در زمینه استفاده از زور و بازداشت مصداق دارد.

- در خصوص توسل به‌زور، قواعد حقوق بین‌المللی بشردوستانه در زمینه انجام خصامات تصریح می‌دارد که توسط به‌زور ماهیت جنگ است. این امر بدان دلیل است که هدف نهایی عملیات نظامی غلبه بر نیروی نظامی دشمن است. طرف‌های درگیری مسلحانه بر این اساس از حق حمله به اهداف نظامی یکدیگر اعم از پرسنل دشمن برخوردار بوده یا حداقل قانوناً از این امر منع نشده‌اند. خشونت علیه اهداف یاد شده صرف نظر از انجام توسط کشور یا طرف غیردولتی درگیری مسلحانه طبق حقوق

حدود و شمول ماهوی کاربرد بین‌المللی بشردوستانه تمهیدات پیشگیرانه برای به حداقل رساندن تلفات غیرنظامیان باید اتخاذ شود (رجوع به پرسش ۱۱). حقوق بشر اشخاص را در برابر سوء استفاده دولت‌ها حمایت می‌کند، قوانین را نه ناظر بر درگیری‌های مسلحانه که بر نیروی قابل استفاده برای تنفیذ قانون اعمال می‌کند. تنفیذ قانون بر اساس رویکرد حبس بهتر از کشتن است انجام می‌شود: استفاده از زور می‌بایست آخرین مستمسک حفظ جان بوده و زمانی انجام شود که سایر ابزار مربوطه فاقد کارایی بوده یا امکان حصول نتیجه مطلوب از آن‌ها زیاد نباشد. ضمناً این امر باید اکیداً به تناسب هدف قانونی مدنظر (مثلاً جلوگیری از جنایت، کمک در زمینه دستگیری قانونی مجرمین یا متهمین و حفظ نظم و امنیت عمومی) انجام شود.

- در خصوص بازداشت، در حالی که حقوق بین‌المللی بشردوستانه و حقوق بشر قواعدی را در زمینه رفتار انسانی با بازداشت شدگان، شرایط بازداشت و حق محاکمه منصفانه مقرر می‌نمایند اما در زمینه تمهیدات تأمین‌ی رویه‌ای آن‌ها یعنی حبس غیرجنایی اشخاص بر اساس جدی بودن امکان این که فعالیت‌های وی برای امنیت مراجع حبس‌کننده خطرآفرین باشد متفاوت است. بازداشت عموماً طی درگیری‌های مسلحانه معمول بوده و بر اساس حقوق بین‌المللی بشردوستانه بازنگری قضایی قانونمندی حبس بلامانع است (پرسش ۱۰) و درگیری‌های مسلحانه خارجی و حبس به دلایل غیر جنایی طبق حقوق بین‌المللی بشردوستانه بسیار نامعمول است. در اکثر قریب به اتفاق موارد، افراد به دلیل تردید در زمینه ارتکاب جرم بازداشت می‌شوند. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی متضمن حق آزادی افراد بوده و مقرر می‌دارد تمامی محبوسین صرف نظر از دلیل آن از حق بازبینی قضایی قانونی بودن بازداشت خود برخوردارند. این حوزه از حقوق بشر مبتنی بر این فرض است که دادگاه‌ها فعال بوده و نظام قضایی از امکان قبول تمامی بازداشتی‌ها در هر زمان قطع نظر از تعداد آن‌ها برخوردار باشد، مشاوره قضایی فراهم باشد، مجریان قانون از امکان ایفای وظایف خود برخوردار باشند و... شرایط طی درگیری‌های مسلحانه بسیار متفاوت است که در مقررات حقوق بین‌المللی بشردوستانه منعکس شده است.

تداخل قواعد حاکم حقوق بین‌المللی بشردوستانه و حقوق بشر بر استفاده از زور و تمهیدات رویه‌ای برای بازداشت، حداقل در درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی، می‌بایست از طریق رجوع به مقررات تخصصی یا آن دسته از مقررات حقوق بین‌المللی بشردوستانه که به صورت ویژه برای برخورد با این دو حوزه طراحی شده‌اند حل و فصل شود (رجوع به قسمت ذیل).

تأثیر متقابل حقوق بین‌المللی بشردوستانه و حقوق بشر

تأثیر متقابل حقوق بین‌المللی بشردوستانه و حقوق بشر همچنان مورد توجه بسیاری از مباحث حقوقی به ویژه به دلیل آثار و تبعات ناشی از هدایت عملیات نظامی است.

در نخستین بیانیه کاربرد حقوق بشر در شرایط مسلحانه یعنی نظریه مشورتی ۱۹۹۶ در زمینه قانونمندی تهدید یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای، دیوان بین‌المللی دادگستری ملاحظه نمود که حمایت ناشی از میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در زمان جنگ متوقف نشده و اساساً حق حیات فرد نباید به صورت خودسرانه طی مخاصمات سلب شود. دادگاه اضافه نمود که منظور از محروم‌سازی خودسرانه از حیات می‌بایست بر اساس کاربرد قواعد ویژه یعنی قانون موضوعه درگیری‌های مسلحانه که ناظر بر مخاصمات طراحی شده است معین گردد.

بیانیه یادشده عموماً به منزله حل و فصل معضل تداخل حقوق بین‌المللی بشردوستانه و حقوق بشر بوده و به دلیل اعمال مداوم، حقوق بشر از ماهیتی عمومی برخوردار است در حالی که حقوق بین‌المللی بشردوستانه که کاربرد آن با بروز درگیری مسلحانه آغاز می‌شود ماهیت ویژه دارد. به عبارت دیگر، در صورت تعارض حقوق بشر و حقوق بین‌المللی بشردوستانه، دومی ارجحیت دارد زیرا به صورت ویژه برای برخورد با درگیری‌های مسلحانه در نظر گرفته شده است.

در حالی که معنی و حتی کاربرد دکترین ماهیت ویژه مورد تردید است اما نوعی اجماع کلی در زمینه انکارناپذیری آن برای تعیین تأثیر متقابل حقوق بین‌المللی بشردوستانه و حقوق بشر وجود دارد. با این همه، به طور کلی این دو شاخه حقوق بین‌الملل مکمل هم بوده و این مفهوم را نمی‌توان به دلیل برخی موارد حقوق مغایر در نظر نگرفت. در برخی موارد، قواعد حقوق بین‌المللی بشردوستانه و حقوق بشر ممکن است نتایج مغایری در صورت کاربرد برای یک مورد مشابه ایجاد کنند زیرا منعکس‌کننده شرایط متفاوت ناظر بر تهیه و تنظیم خود می‌باشند.



Christoph von Toggenburg, ICRC

۱۰. دیدگاه حقوق بین‌المللی بشردوستانه در خصوص محرومیت از آزادی چیست؟

حقوق بین‌المللی بشردوستانه از کسانی که دیگر مستقیماً در مخاصمات شرکت ندارند حمایت می‌کند (رجوع به پرسش ۱۱). در کنار حمایت عمومی لحاظ شده برای اشخاص خارج از صحنه نبرد، حقوق بین‌المللی بشردوستانه حمایت ویژه‌ای را برای اشخاص محروم از آزادی در نظر می‌گیرد. این مقررات بر اساس نوع درگیری مسلحانه مورد بحث و وضعیت فرد بازداشت شده متنوع است.



اسرای جنگی در درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی

اسرا عبارتند از مبارزانی که دستگیر شده‌اند (رجوع به پرسش ۷). حبس آن‌ها نه مجازات، که وسیله‌ای برای بازداشتن آن‌ها از شرکت مجدد در درگیری‌ها است. پس از توقف مخاصمات فعال، آن‌ها باید بدون فوت وقت آزاد شده و به میهن خود باز گردند. نیروی بازداشت کننده می‌تواند اسرا را به دلیل ارتکاب جنایات جنگی احتمالی و سایر موارد نقض حقوق بین‌المللی بشردوستانه تحت پیگیری و بازداشت قرار دهد لیکن امکان انجام این امر به صرف شرکت مستقیم ایشان در مخاصمات وجود ندارد. (رجوع به قسمت مربوط به تفاوت میان بازداشت و حبس).

در تمامی شرایط، رفتار با اسرا می‌بایست انسانی باشد. حقوق بین‌المللی بشردوستانه از اسرا در برابر تمامی اقدامات خشونت‌آمیز و همچنین تبعیض، تحقیر و کنجکاوای عمومی حمایت می‌کند. جان، کرامت، حقوق شخصی و دیدگاه‌های سیاسی، مذهبی و ... ایشان باید محترم شمرده شود. از سویی حقوق بین‌المللی بشردوستانه حداقل شرایط لازم برای بازداشت را به تفصیل بیان نموده که مسائلی از جمله محل اقامت، خوراک، پوشاک، مراقبت‌های بهداشتی و درمانی را شامل می‌شود. علاوه بر این، اسرا از حق تبادل خبر با خانواده خود برخوردار می‌باشند.

زندانیان غیرنظامی در درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی

طرف یک درگیری می‌تواند افراد غیرنظامی را به دلایل امنیتی محبوس کند. بازداشت از این طریق نوعی تمهید امنیتی است و به‌عنوان یک مجازات قابل استفاده نمی‌باشد. این بدان معنی است که فرد بازداشت شده باید به محض رفع دلایل بازداشت وی آزاد شود.

در خصوص تمهیدات رویه‌ای، زندانیان غیرنظامی باید از دلایل حبس خود آگاهی داشته و در اسرع وقت از طریق دادگاه یا هیأت اداری مربوطه از رأی موردنظر مطلع شوند و در صورت نهایی شدن رأی، حداقل سالی دو بار از امکان بازبینی رأی مزبور برخوردار گردند.

شرایط رفتار و بازداشت غیرنظامیان با اسرای جنگی مشابه است (رجوع به فوق). زندانیان غیرنظامی در تمامی شرایط مشمول رفتار انسانی می‌باشند. حقوق بین‌المللی بشردوستانه از آن‌ها در برابر تمامی اقدامات خشونت‌آمیز و همچنین تبعیض، تحقیر، و کنجکاوی عمومی حمایت می‌کند. جان، کرامت، حقوق شخصی و دیدگاه‌های سیاسی، مذهبی و ... ایشان می‌بایست محترم شمرده شود. از سویی حقوق بین‌المللی بشردوستانه حداقل شرایط لازم برای حبس را به تفصیل بیان نموده که شامل محل اقامت، خوراک، پوشاک، مراقبت‌های بهداشتی و سلامتی است. علاوه بر این، محبوسین از حق مبادلهٔ اخبار با خانواده خود برخوردار می‌باشند.

افراد محروم از آزادی در درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی

مادهٔ سوم مشترک مقرر می‌نماید رفتار با محبوسین حسب تعریف مربوط به درگیری‌های غیربین‌المللی می‌بایست در تمامی شرایط انسانی و به‌دور از تبعیض باشد. از سویی همین مادهٔ دادرسی منصفانه بر اساس تمامی تضامین قضایی ضروری را مقرر می‌کند. مادهٔ سوم مشترک با مواد ۴-۵-۶ پروتکل دوم الحاقی تکمیل می‌شود که این مقررات بدین شرح است: (۱) تضامین اساسی (مثلاً ممنوعیت خشونت جانی، سلامتی و آسایش جسمانی یا روانی افراد)، (۲) حمایت ویژه از محبوسین اداری یا جنایی ناشی از درگیری‌های مسلحانه (مثلاً اینکه زنان از مردان جداگانه نگه داشته شوند و زنان تحت مراقبت زنان باشند نه مردان) (۳) حمایت از افراد مشمول تعقیب قانونی و مجازات برای ارتکات جرایم جنایی مربوط به درگیری‌های مسلحانه.

شایان ذکر است مقررات یاد شده همانند مادهٔ سوم مشترک به یک میزان برای دولت‌ها و گروه‌های مسلح سازمان‌یافتهٔ غیردولتی الزام‌آور است. از سویی همانند مادهٔ سوم، پروتکل دوم الحاقی وضعیت ویژه‌ای برای اعضای نیروهای مسلح یا گروه‌های مسلح گرفتار در دست دشمن مقرر نمی‌نماید. در درگیری‌های مسلحانهٔ غیربین‌المللی، عنوان اسیر جنگی تعریف نشده است. (پریش ۷). به همین دلیل مقررات ناظر بر حداقل تضامین مربوط به محبوسین از اهمیت به‌سزایی برخوردار است.

حمایت ارائه شده به اشخاص محبوس در درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی از ابهام بیشتر و تفصیل کمتری نسبت به حمایت ارائه شده به افراد محبوس در درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی برخوردار است. تعداد مقررات حقوق بین‌المللی بشردوستانه در زمینه درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی بیشتر است. برای مثال، قواعد ناظر بر شرایط اساسی حبس طی درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی فاقد تفصیل است و رویه‌های تأمینی بازداشتی‌ها نیز لحاظ نشده است. به همین دلیل، حمایت برای محبوسین در درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی از سوی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به‌عنوان یکی از زمینه‌هایی که قانون در آن خصوص می‌بایست تقویت گردد تلقی می‌شود. (رجوع به پرسش ۲۰)

دو شکل اصلی بازداشت بلندمدت در درگیری‌های مسلحانه عبارتند از حبس (همچون بازداشت بدون محاکمه به دلایل امنیتی) و بازداشت به دلایل اقدامات کیفری.

- بازداشت بدون محاکمه در حقوق بین‌المللی بشردوستانه برای بیان بازداشت فردی استفاده می‌شود که تصور می‌گردد تهدیدی جدی برای نهاد بازداشت‌کننده است بدون آن که قصدی برای طرح اتهامات کیفری علیه وی وجود داشته باشد.

- بازداشت کیفری به منظور اقدامات قانونی کیفری نوعی از محرومیت از آزادی است که طی آن یک مضمون کیفری ممکن است تا زمان حکم نهایی یا اعلام بی‌گناهی محروم از آزادی بماند.

گروگان‌گیری

گروگان‌گیری ممنوع بوده و عبارتست از توقیف یا بازداشت فردی (گروگان) به‌همراه تهدید به قتل، جرح یا ادامه حبس وی برای متقاعدسازی طرف سوم به فعل یا ترک فعلی به عنوان شرط صریح یا تلویحی برای آزادی گروگان.



Teun Anthony Oelen/CRC

۱۱. قواعد اصلی حقوق بین‌المللی بشردوستانه حاکم بر مخاصمات کدام است؟

سه قاعده اصلی وجود دارند که نحوه اجرای عملیات نظامی توسط طرفهای درگیری مسلحانه یعنی هدایت مخاصمات را تنظیم می‌کنند که عبارتند از قواعد تفکیک، تناسب، و اقدامات احتیاطی. هدف از آنها حمایت از غیرنظامیان در برابر آثار مخاصمات است. علاوه بر این قواعد، ممنوعیت صدمه بیش از حد ضرورت یا درد و رنج بی‌مورد وجود دارد که از مبارزان و سایر اهداف مشروع حمایت می‌کند. این قواعد به صورت خاص در پروتکل اول الحاقی تنظیم شده‌اند. این ممنوعیت‌ها در حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی به منظور رسیدگی به درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی گنجانده شده‌اند.

تفکیک

قاعدۀ اصلی تفکیک ملزم می‌دارد که طرفهای درگیری مسلحانه همیشه بین افراد و اهداف غیرنظامی در یک طرف و مبارزان و اهداف نظامی در طرف دیگر تمایز قائل شوند. طرفهای درگیری مسلحانه همواره باید حملات خود را صرفاً متوجه مبارزان یا اهداف نظامی کنند. غیرنظامیان را به صورت جمعی یا به صورت فردی تنها زمانی که مستقیماً در مخاصمات درگیر باشند می‌توان مورد حمله قرار داد. (متن داخل کادر را ببینید). حملات باید صرفاً به اهداف نظامی محدود شوند و نباید متوجه اهداف غیرنظامی باشند. نکته در مورد اهداف این که اهداف نظامی به اهدافی محدود می‌شوند که مطابق با ماهیت، مکان، هدف، یا مورد استفاده‌شان نقش مؤثری در اقدام نظامی دارند و تخریب جزئی یا کلی آنها، ضبط یا خنثی‌سازی‌شان، در شرایط حاکم بر زمان موردنظر، مزیت نظامی معینی به دنبال دارد. اهداف نظامی رایج عبارتند از تأسیسات، ساختمان‌ها، و مواضعی که مبارزان دشمن، و تجهیزات و تسلیحات‌شان در آنها قرار دارند، و همچنین وسایل ارتباطاتی و حمل‌ونقل نظامی. وقتی اهداف غیرنظامی برای مقاصد نظامی به کار می‌روند (به عنوان مثال، قطار غیرنظامی که از آن برای حمل‌ونقل اسلحه و مبارزان استفاده می‌شود) آنها را می‌توان اهداف نظامی محسوب کرد. ممنوعیت حملات کور از اصل تفکیک ناشی می‌شود. حملات کور عبارتند از:

- حملاتی که متوجه هدف نظامی خاصی نیستند (به عنوان مثال، سرپازی که بدون نشانه‌گیری هدف نظامی معینی در همهٔ جهات شلیک می‌کند، و در نتیجه جان غیرنظامیان را به خطر می‌اندازد)
- حملاتی که در آنها از روش یا ابزار جنگی‌ای استفاده می‌شود که نمی‌توان آنها را به هدف نظامی معینی نشانه رفت (به عنوان مثال، موشک‌های دوربرد که دارای قدرت نقطه‌زنی نیستند)
- حملاتی که در آنها از روش یا ابزار جنگی‌ای استفاده می‌شود که نمی‌توان تأثیرشان را محدود کرد (به عنوان مثال، یک بمب ۱۰ تنی که برای تخریب یک ساختمان استفاده می‌شود)

تناسب

حملاتی که متوجه مبارزان یا اهداف نظامی هستند باید منطبق بر قانون تناسب باشند. این بدان معناست که حمله‌ای که احتمال دارد به طور اتفاقی منجر به تلفات جانی غیرنظامیان، آسیب به غیرنظامیان و یا صدمه به اهداف غیرنظامی فراتر از برتری نظامی مستقیم و پیش‌بینی‌شده شود ممنوع است. به عبارت دیگر، در صورتی که ارزیابی صورت‌گرفته منتج به این شود که تلفات غیرنظامی بیش از مزیت نظامی پیش‌بینی‌شده نخواهند بود می‌توان هدف نظامی مورد نظر را هدف حمله قرار داد.



اقدامات احتیاطی

طرفهای درگیری مسلحانه باید حین انجام عملیات نظامی مدام به حمایت از غیر نظامیان یا اهداف غیرنظامی توجه کنند. طرف متخاصم باید حتی‌الامکان هر کاری انجام دهد تا اطمینان حاصل شود که اهداف، اهداف نظامی هستند. برای حمله ابزار و روش‌هایی را انتخاب کنند که از آسیب اتفاقی به غیرنظامیان و اموال غیرنظامیان جلوگیری می‌کنند یا دست کم آن را به حداقل ممکن می‌رسانند. چنانچه مشخص شود که تلفات یا خسارات وارده بیش از مزیت نظامی پیش‌بینی شده خواهند بود باید از حمله اجتناب شود. در خصوص حملاتی که ممکن است جمعیت غیرنظامی را تحت تأثیر قرار دهد باید هشدارهای مؤثر داده شود، مگر این که شرایط اجازه این کار را ندهد. به علاوه، باید در خصوص تأثیرات حملات نیز اقدامات احتیاطی اتخاذ شوند. به عنوان مثال، اهداف نظامی، حتی‌الامکان، نباید در مجاورت غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی واقع شوند؛ سایر اقدامات احتیاطی ضروری نیز باید اتخاذ شوند.

ممنوعیت ایجاد جراحت بیش از اندازه یا درد و رنج بی‌مورد

استفاده از سلاح‌ها، گلوله‌ها، و ابزار و روش‌های جنگی که منجر به صدمه بیش از حد ضرورت یا درد و رنج بی‌مورد می‌شوند ممنوع است. این ممنوعیت بالاخص مشمول مبارزان می‌شود؛ بنابر این ممنوعیت، استفاده از انواع خاصی از سلاح‌ها ممنوع است چرا که به اشکال غیرقابل‌قبولی به مبارزان صدمه می‌زنند. اگرچه این قانون به طور کلی پذیرفته شده است، اما در مورد روش مناسب برای تعیین این که آیا سلاحی منجر به صدمه بیش از اندازه ضرورت یا درد و رنج بی‌مورد می‌شود یا خیر اختلاف نظر وجود دارد. دیوان بین‌المللی دادگستری درد و رنج بی‌مورد را به این شکل تعریف می‌کند: «آسیبی بیشتر از آسیب غیرقابل‌اجتناب برای رسیدن به اهداف نظامی مشروع» (قانونمندی تهدید یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای، رأی مشورتی، ۱۹۹۶). به عنوان مثال، قانون ممنوعیت هدف قرار دادن چشم سربازان با لیزر، که در پروتکل چهارم کنوانسیون سلاح‌های متعارف خاص بیان شده (رجوع کاملاً به پرسش ۱۲)، از این باور الهام گرفته شده که عامدیت در ایجاد نابینایی دائمی به این شکل به مثابه وارد کردن صدمه بیش از اندازه ضرورت یا درد و رنج بی‌مورد است.

مشارکت مستقیم در مخاصمات

غیرنظامیان در برابر حملات حمایت می‌شوند، مگر این که و تا زمانی که به طور مستقیم در مخاصمات درگیر باشند. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ برای روشن شدن این موضوع، جلسات متعددی با حضور کارشناسان برگزار کرده تا این مفهوم مورد بحث قرار گیرد. در سال ۲۰۰۹، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ بر اساس این مباحث سندی منتشر کرد: رهنمود تفسیری در باره مفهوم مشارکت مستقیم در مخاصمات طبق حقوق بین‌المللی بشردوستانه. در این رهنمود تفسیری تصریح شده وقتی غیرنظامیان در مخاصمات بین طرفهای درگیری مسلحانه اقدامات خاصی انجام می‌دهند در واقع به طور مستقیم در مخاصمات مشارکت می‌کنند. اقداماتی که در مجموع شرایط ذیل را داشته باشند مشارکت مستقیم در مخاصمات محسوب می‌شوند:

۱. اقدام موردنظر باید به آستانه خاصی از آسیب منجر شود. این اتفاق زمانی رخ می‌دهد که این اقدام تأثیر نامطلوبی بر عملیات نظامی یا ظرفیت نظامی طرف متخاصم داشته باشد. به علاوه، ممکن است این موضوع زمانی صدق کند که اقدام موردنظر به غیرنظامیان آسیب بزند یا منجر به مرگ آنها شود یا مبارزان را از کار افتاده کند یا اهداف غیرنظامی را از بین ببرد.

۲. باید بین اقدام موردنظر و آسیب احتمالی ناشی از آن، با از عملیات نظامی هماهنگی که آن اقدام بخش جدایی‌ناپذیری از آن است رابطه سببی مستقیمی وجود داشته باشد.

۳. وجود تناسب خصم ضروری است. این بدان معناست که عمل موردنظر باید بالاخص به این منظور طراحی شده باشد که مستقیماً آستانه مشخصی از آسیب به نفع یکی از طرفهای متخاصم و به ضرر دیگری ایجاد کند.

غیرنظامیان اگر و تا زمانی که چنین اقداماتی انجام دهند در واقع مستقیماً در مخاصمات مشارکت دارند و از این رو در برابر حملات از آنها حمایت نمی‌شود. به علاوه، تمهیدات مقدماتی انجام اقدامی خاص که به منزله مشارکت مستقیم در مخاصمات است و همچنین رفتن به و بازگشت از محل انجام آن در شمول تعریف مشارکت مستقیم در مخاصمات است.

۱۲. حقوق بین‌المللی بشردوستانه چگونه ابزار و روش‌های جنگ را قاعده‌مند می‌کند؟

حق طرف‌های درگیری در انتخاب ابزارها یا روش‌های جنگی بدون محدودیت نیست. حقوق بین‌المللی بشردوستانه استفاده از ابزار و روش‌های جنگی را که کور هستند یا منجر به صدمهٔ بیش از حد ضرورت یا درد و رنج بی‌مورد می‌شوند منع می‌کند (رجوع کنید به پرسش ۱۱). ممنوعیت‌ها/ محدودیت‌های خاص در مورد ابزار جنگی (سلاح‌ها) و ممنوعیت روش‌های جنگی از این اصول مشتق شده‌اند.

ابزار جنگی

ممکن است استفاده از یک سلاح خاص در درگیری‌های مسلحانه کاملاً ممنوع باشد و آن سلاح غیرقانونی محسوب شود (به عنوان مثال، مین‌های ضد نفر، بمب‌های خوشه‌ای، سلاح‌های شیمیایی). یا ممکن است موارد استفاده از آن به بعضی موقعیت‌های خاص محدود باشد (به عنوان مثال، ممنوعیت استفاده از سلاح‌های آتش‌افروز هوایی علیه هدفی نظامی که در منطقه‌ای با تراکم بالای جمعیت غیرنظامیان واقع شده است).

مین‌های ضد نفر

به موجب کنوانسیون منع استفاده، نگهداری، تولید، و انتقال مین‌های ضد نفر و امحای آن‌ها (۱۹۹۷)، دولت‌ها تحت هیچ شرایطی نباید از مین‌های ضد نفر استفاده کنند، آنها را توسعه دهند، تولید کنند، نگهداری کنند، یا انتقال دهند، یا در انجام این کارها به کسی کمک کنند. به علاوه، آن‌ها باید همهٔ ذخایر موجود مین‌های ضد نفر را از بین ببرند و طی دورهٔ مشخصی زمین‌هایی را که در آن‌ها مین‌گذاری شده از این مواد منفجره پاکسازی کنند.

بمب‌های خوشه‌ای

کنوانسیون بمب‌های خوشه‌ای (۲۰۰۸) استفاده، تولید، نگهداری، و انتقال بمب‌های خوشه‌ای را (بمب، خمپاره، راکت، یا موشک که حجم زیادی مهمات انفجاری کوچکتر را آزاد می‌کنند) منع می‌کند. علاوه بر این ممنوعیت‌ها، دولت‌هایی که بمب‌های خوشه‌ای در اختیار دارند ملزمند به امحای ذخایر این سلاح‌ها مبادرت ورزند و زمین‌های آلوده به بقایای بمب‌های خوشه‌ای (بمب‌های خوشه‌ای منفجرنشده و کوچکتر باقیمانده از درگیری‌های قبلی) را پاکسازی کنند. به علاوه، الزامات خاصی برای کمک‌رسانی به قربانیان این بمب‌ها وجود دارد.

خطر الغام
DANGER MINES



سایر سلاح‌های متعارف

کنوانسیون ممنوعیت یا محدودیت استفاده از برخی سلاح‌های متعارف سال ۱۹۸۰ که امکان جراحت بیش از حد یا آثار کور را داشته باشد (کنوانسیون سلاح‌های متعارف خاص) همچنین شامل ممنوعیت‌ها و محدودیت‌هایی در خصوص انواع معینی از سلاح‌ها است.

- پروتکل اول کنوانسیون سلاح‌های متعارف خاص استفاده از هرگونه سلاحی را که مهم‌ترین تأثیر آن آسیب رساندن توسط ترکش‌هایی است که توسط اشعه X در بدن انسان قابل تشخیص نیستند ممنوع کرده است.
- پروتکل دوم استفاده از مین‌ها (هم مین‌های ضد نفر و هم مین‌های ضد خودرو)، تله‌های انفجاری، و سایر ابزارهای مشابه را ممنوع یا محدود کرده است. این پروتکل در سال ۱۹۹۶ اصلاح شد و مقررات جدیدی به آن ضمیمه شدند.
- پروتکل سوم ناظر بر استفاده از سلاح‌های آتش‌زا، با سلاح‌هایی که در وهله اول برای به آتش کشیدن اهداف یا سوزاندن افراد توسط شعله یا حرارت طراحی شده‌اند، مانند بمب‌های ناپالم و اسلحه‌های شعله‌افکن، است.
- پروتکل چهارم استفاده از و انتقال سلاح‌های لیزری را که بالاخص برای ایجاد کوری دائمی طراحی شده‌اند ممنوع کرده است.
- پروتکل پنجم طرف‌های درگیری را ملزم کرده برای کاهش خطرات ناشی از مواد منفجره باقیمانده از جنگ (مهمات منفجر نشده و رها شده) تدابیری اتخاذ کنند.

در ابتدا، کنوانسیون سلاح‌های متعارف خاص و پروتکل‌های آن فقط در خصوص درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی موضوعیت داشتند (به جز پروتکل دوم که در سال ۱۹۹۶ اصلاح شد)، اما اصلاح ماده یک کنوانسیون، در ۲۱ دسامبر سال ۲۰۰۱، دایره موضوعیت این معاهدات را به درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی نیز گسترش داد.

سلاح‌های شیمیایی و میکروبی

جامعه بین‌المللی پس از جنگ جهانی اول استفاده از سلاح‌های شیمیایی و میکروبی را منع کرد (پروتکل سال ۱۹۲۵ مبنی بر ممنوعیت استفاده از گازهای خفه‌کننده، سمی یا سایر گازها، و روش‌های جنگ میکروبی). در سال ۱۹۷۲ (کنوانسیون سلاح‌های میکروبی) و ۱۹۹۳ (کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی) علاوه بر استفاده، توسعه، نگهداری، و انتقال این سلاح‌ها نیز منع شد و الزامی برای امحای آن‌ها ایجاد شد، و از این رو دایره ممنوعیت فوق گسترش یافت. کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی نیز استفاده از عوامل کنترل شورش (به عنوان مثال، گاز اشک‌آور) را به عنوان روش جنگی منع کرده است.

سلاح‌های هسته‌ای

هیچ ممنوعیت فراگیر یا جهان‌شمولی در خصوص استفاده از سلاح‌های هسته‌ای وجود ندارد. هدف از معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای در سال ۱۹۶۸ در وهله اول جلوگیری از اشاعه سلاح‌های هسته‌ای و پیگیری خلع سلاح هسته‌ای است. اما در سال ۱۹۹۶، دیوان بین‌المللی دادگستری، در رأی مشورتی، تأیید کرد که حقوق بین‌المللی بشردوستانه به سلاح‌های هسته‌ای نیز اعمال می‌شود، به خصوص اصل تفکیک و ممنوعیت ایجاد درد و رنج بی‌مورد. این دادگاه در اعمال این قوانین و قوانین مرتبط به سلاح‌های هسته‌ای به این نتیجه رسید که «تهدید یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای به طور کلی خلاف قوانین حقوق بین‌الملل ناظر بر درگیری‌های مسلحانه است.» اما این دادگاه قادر نبود مشخص کند که آیا حتی در وخیم‌ترین شرایط تهدید بقای یک کشور، استفاده از سلاح‌های هسته‌ای مشروع خواهد بود یا خیر.

در سال ۲۰۱۱، شورای نمایندگان نهضت بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر (متشکل از کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، فدراسیون بین‌المللی جمعیت‌های صلیب سرخ و هلال احمر، و همه جمعیت‌های ملی صلیب سرخ و هلال احمر) قطعنامه تاریخی‌ای تحت عنوان «فعالیت در راستای امحای سلاح‌های هسته‌ای» را تصویب کرد که موضع این نهضت را در خصوص سلاح‌های هسته‌ای تشریح می‌کند. در این قطعنامه آمده که شورا نمی‌تواند این تصور را داشته باشد که استفاده از سلاح‌های هسته‌ای با قواعد حقوق بین‌المللی بشردوستانه، به ویژه با قواعد تفکیک، تناسب، و اقدامات احتیاطی مطابقت داشته باشد. به علاوه، در این قطعنامه از همه دولت‌ها درخواست شده اطمینان حاصل کنند سلاح‌های هسته‌ای هرگز دوباره مورد استفاده قرار نمی‌گیرند و مذاکرات مربوط به منع و امحای سلاح‌های هسته‌ای از طریق توافق بین‌المللی الزام‌آور با فوریت و قاطعیت دنبال می‌شود.

حصول اطمینان از این که سلاح‌های جدید با حقوق بین‌المللی بشردوستانه تناقض ندارند

حقوق بین‌المللی بشردوستانه همچنین در پی قاعده‌مند ساختن تحولات فناوری سلاح‌ها و به خدمت گرفتن سلاح‌های جدید توسط دولت‌ها می‌باشد. ماده ۳۶ پروتکل اول الحاقی همه دولت‌های عضو را ملزم می‌کند که تضمین کنند استفاده از هر سلاح، ابزار، یا روش جنگی جدید که مورد بررسی قرار می‌گیرد، توسعه می‌یابد، حاصل می‌شود، یا اتخاذ می‌شود منطبق با قوانین حقوق بین‌الملل الزام‌آور برای آن کشور باشند. ارزیابی‌های انجام‌شده به این منظور به حصول اطمینان از این مسئله کمک خواهند کرد که نیروهای مسلح کشور می‌توانند طبق تعهدات بین‌المللی آن کشور درگیر مخاصمات شود.

روش‌های جنگی

به موجب حقوق بین‌المللی بشردوستانه معاهداتی و عرفی تعدادی از روش‌های جنگی به صورت خاص ممنوع هستند. چند نمونه از این موارد عبارتند از:

امان ندادن

صدور فرمان عدم دادن امان و تهدید دشمن به وسیله آن یا انجام مخاصماتی بر این اساس ممنوع‌اند. باید به نیروهای دشمن فرصت تسلیم شدن و به اسارت گرفته شدن داده شود. باید با سربازان مجروح با احترام رفتار شود و از آنها حمایت گردد.

چپاول

چپاول - مصادره اجباری اموال شخصی دشمن توسط ارتش مهاجم یا پیروز - ممنوع است.

گرسنگی دادن

گرسنگی دادن به جمعیت غیرنظامی به عنوان روش جنگی ممنوع است. حمله به، از بین بردن، تخریب یا انهدام اهدافی که برای بقای غیرنظامیان ضروری‌اند نیز ممنوع است.

نقض عهد

کشتن، اسیر کردن، یا صدمه زدن به دشمن با توسل به پیمان شکنی ممنوع است. ماده ۳۷ پروتکل اول الحاقی، نقض عهد را به این شکل تعریف می‌کند: «سو، استفاده از اعتماد دشمن بطوری که او باور کند، به موجب قوانین حقوق بین الملل که در مورد درگیری‌های مسلحانه صدق می‌کنند، تحت حمایت است با نیت خیانت به این اعتماد». این امر، به عنوان مثال، شامل تظاهر به آسیب دیدگی یا تمارض به منظور حمله به مبارز دشمن است. ترفندهای جنگی، یعنی اعمالی که هدف از آن‌ها سردرگم کردن دشمن است اما حقوق بین‌الملل را نقض نمی‌کنند، و منع نقض عهد را رعایت می‌کنند، ممنوع نیستند. نمونه‌هایی از این موارد عبارتند از استتار، تله گذاشتن، عملیات ساختگی، و اطلاعات غلط.



۱۳. مقررات حقوق بین‌المللی بشردوستانه حاکم بر استفاده و حمایت نشان کدام است؟

صلیب سرخ، هلال احمر، شیر و خورشید سرخ، و نشان‌های کریستال سرخ سمبل‌هایی هستند که در سطح بین‌المللی شناخته شده‌اند و نمود آشکار کمک و حمایت بی‌طرفانه و بی‌غرضانه‌ای هستند که مجروحین و بیماران در درگیری‌های مسلحانه به موجب حقوق بین‌المللی بشردوستانه حق بهره‌مندی از آن‌ها را دارند. این نشان‌ها دو نقش مجزا دارند. اول، آن‌ها نشان آشکاری از حمایت ارائه شده طی درگیری‌های مسلحانه به پرسنل پزشکی، واحدها و وسایل حمل‌ونقل نیروهای مسلح، و به دست‌اندرکاران امور مذهبی هستند (کاربرد حمایتی). دوم، این نشان‌ها مشخص می‌کنند که فرد یا جسم مورد نظر به نهضت بین‌المللی

صلیب سرخ و هلال احمر متعلق است (کاربرد نمادین). همان طور که پیش از این گفته شد این نهضت متشکل است از کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، فدراسیون بین‌المللی جوامع صلیب سرخ و هلال احمر، و همه جوامع ملی صلیب سرخ و هلال احمر.

استفاده به عنوان یک ابزار حمایتی

این نشان‌ها در وهله اول توسط خدمات پزشکی نیروهای مسلح زمینی، دریایی، و هوایی به عنوان ابزاری حمایتی به کار می‌روند. به علاوه، با مجوز صریح از مقامات دولتی مربوطه و تحت کنترل آن‌ها، پرسنل پزشکی غیرنظامی، بیمارستان‌ها و سایر واحدهای پزشکی غیرنظامی، و حمل‌ونقل اختصاص‌داده‌شده به درمان و مراقبت از مجروحین، بیماران، و کشتی‌شکستگان طی درگیری‌های مسلحانه نیز می‌توانند از نشان حمایتی استفاده کنند. چون آنها نشان‌دهنده حمایت از افراد و اهداف خاصی در زمان درگیری‌های مسلحانه هستند، باید حتی‌الامکان بزرگ باشند تا حتی از فاصله‌های دور قابل‌رویت باشند.

این نشان‌ها فی‌نفسه حمایتی اعطا نمی‌کنند بلکه صرفاً نشان آشکاری از حمایت ارائه شده توسط کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن‌ها هستند.

استفاده به عنوان یک ابزار نمادین

نشان‌های مذکور طی جنگ یا در دوران صلح برای مقاصد نمایشی نیز به کار می‌روند تا نشان دهند فرد یا هدفی به نهضت موردنظر یا یکی از شاخه‌های آن متعلق است. در این صورت، اندازه نشان باید کوچک باشد تا نقش‌های حمایتی و نمادین با هم اشتباه گرفته نشوند. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و فدراسیون بین‌المللی همواره مجازند از نشان‌ها هم برای مقاصد حمایتی و هم برای مقاصد نمایشی استفاده کنند.

سوءاستفاده از نشان

هرگونه استفاده از نشان، طی درگیری‌های مسلحانه یا در دوران صلح، که توسط حقوق بین‌المللی بشردوستانه به صراحت مجاز دانسته نشده، به منزله سوءاستفاده و ممنوع می‌باشد. سه نوع سوءاستفاده وجود دارد:

- تقلید، یعنی استفاده از نشانی که، ممکن است شکل و/یا رنگ آن منجر به اشتباه گرفته شدن آن با یکی از نشان‌ها شناخته‌شده شود؛
- غصب، یا استفاده از آرم توسط شخص یا سازمانی که حق استفاده از آن را ندارد (شرکت‌های تجاری، نهادهای پزشکی یا داروخانه‌ها، سازمان‌ها یا افراد غیردولتی، و غیره).

به علاوه، غصب یعنی افراد مجاز به استفاده از نشانها طبق قوانین حقوق بین‌المللی بشردوستانه از آن‌ها استفاده نکنند؛

- نقض عهد، یا استفاده از نشانها برای تظاهر به تحت حمایت بودن به منظور کشتن، مجروح کردن، یا به اسارت گرفتن دشمن (رجوع به پرسش ۱۲). استفاده خانانه از نشان در درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی، جنایت جنگی است.

سو، استفاده از نشانهای مذکور طی جنگ یا در دوران صلح کل نظام حفاظتی فراهم شده توسط حقوق بین‌المللی بشردوستانه را به خطر می‌اندازد، چون ممکن است طرفهای متخاصم اعتمادشان را به نقش حمایتی نشان از دست بدهند. به علاوه، سو، استفاده اهمیت عمومی نشان را کاهش می‌دهد، و ممکن است از این طریق مانع دسترسی نهضت به افراد و جوامع متأثر از بحران‌های انسانی شود و توانایی آن‌ها را در امداد رسانی و ارائه خدمات حمایتی تضعیف نماید.

حقوق بین‌المللی بشردوستانه تصریح کرده که دولت‌ها برای ممانعت از سو، استفاده از نشانها در زمان جنگ و در دوران صلح و مجازات این کار باید اقداماتی صورت دهند، و در خصوص استفاده و حفاظت از نشانها قوانینی وضع کنند، و در صورت سو، استفاده تنبیه‌ها و مجازات‌های متناسبی در نظر بگیرند.

نشان‌های متمایزی که توسط حقوق بین‌المللی بشردوستانه تأیید شده‌اند مفهوم یا اهمیت مذهبی، قومی، نژادی، یا سیاسی ندارند.

نشان‌ها

کنوانسیون‌های ژنو سه نشان در نظر گرفته‌اند: صلیب سرخ، هلال احمر، و شیر و خورشید سرخ؛ نشان شیر و خورشید سرخ دیگر مورد استفاده ندارد.

۱. صلیب سرخ، هلال احمر، و شیر و خورشید سرخ

در سال ۲۰۰۵، پروتکل سوم الحاقی نشان خاص دیگری را به رسمیت شناخت: آرم کریستال سرخ (شکل ۲). آرم کریستال سرخ برای استفاده تحت شرایط مشابه و مقاصد تعریف شده در کنوانسیون‌های ژنو در نظر گرفته شده است. این آرم گزینه‌ای برای دولت‌هایی است که مایل نیستند از آرم صلیب سرخ یا هلال احمر استفاده کنند.



۲. کریستال سرخ

جوامع ملی دولت‌هایی که تصمیم می‌گیرند از آرم کریستال سرخ استفاده کنند باید برای مقاصد نمایشی یک یا چند آرمی که در حال حاضر به‌کار می‌روند را در آن ادغام کنند (شکل ۳).



گزینه‌های اصلی عبارتند از گنجاندن صلیب سرخ، هلال احمر، یا صلیب سرخ و هلال احمر در کنار هم.



۳. صلیب سرخ، هلال احمر،

صلیب سرخ و هلال احمر در کنار هم

به علاوه، پروتکل سوم الحاقی جمعیت‌های ملی دولت‌هایی را که بنا دارند از آرم کریستال سرخ استفاده کنند مجاز می‌کند در آرم کریستال سرخ، آرم یا نشان دیگری را که حائز دو شرط زیر هستند بگنجانند.

اولاً، آرم یا نشان موردنظر باید در حال حاضر مورد استفاده باشد.

ثانیاً، آرم یا نشان موردنظر باید قبل از تصویب پروتکل سوم الحاقی وسیله برقراری ارتباط (شورای فدرال سوئیس) با سایر دولت‌های معظم طرف قرارداد (سایر دولت‌های عضو کنوانسیون‌های ژنو) و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ بوده باشد. در حال حاضر تنها آرمی که حائز این دو شرط است سپر سرخ داوود است، که جمعیت ملی اسرائیل در اسرائیل (ستاره داوود سرخ) از دهه ۱۹۳۰ از آن استفاده می‌کند (شکل ۴).

۴. سپر سرخ داوود درون کریستال سرخ





۱۴. دیدگاه حقوق بین‌المللی بشردوستانه در خصوص مفقودین و احیای پیوندهای خانوادگی چیست؟

عواقب درگیری‌های مسلحانه و بلایای طبیعی بیش از جراحات جسمی است؛ امکان دارد در بحبوحه این آشفتگی‌ها و ترس و وحشت، اعضای خانواده در عرض چند دقیقه از هم جدا شوند، و این امر منجر به سال‌ها اضطراب و بی‌اطلاعی از سرنوشت فرزندان، همسر، یا والدین گردد. کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن‌ها در پی حصول اطمینان از این مسئله هستند که مردم مفقود نشوند؛ این کار بالاخص با ارائه تعهداتی در خصوص ثبت اطلاعات افراد محروم از آزادی، تعهداتی در خصوص جان‌باختگان، و تعهدات مربوط به حق خانواده‌ها برای اطلاع از سرنوشت بستگانشان انجام می‌شود.

اشخاص محروم از آزادی

هر یک از طرفهای درگیری مسلحانه باید اطلاعات شخصی همه افراد محروم از آزادی مانند اسرای جنگی و زندانیان غیرنظامی را ثبت کند (رجوع به پرسش ۱۰). این اطلاعات باید در قالب کارت اسارت یا کارت زندانی در اختیار اسیر جنگی یا زندانی غیرنظامی قرار بگیرند. همه این اطلاعات باید به بستگان این افراد نیز ارسال شوند؛ این کار از دو طریق انجام می شود: یا از طریق نیروهای حمایت کننده - یعنی دولت‌های بی طرفی که برای حفظ مصالح طرف‌های درگیری، و اتباع آن‌ها، در دولت‌های دشمن مأمور شده‌اند (رجوع به پرسش ۱۹) - یا از طریق کمیته بین‌المللی صلیب سرخ. به علاوه، اشخاص محروم از آزادی حق دارند با خانواده‌هایشان مکاتبه داشته باشند (هر چند ممکن است این حق ارتباط محدود گردد، به‌ویژه جایی که مطلقاً ضرورت نظامی ایجاب می‌کند).

جان باختگان

هر یک از طرفهای درگیری باید برای جستجو، جمع‌آوری، و انتقال جان باختگان، و همچنین جلوگیری از غارت اجساد آن‌ها همه تدابیر ممکن را ببیند. طرف‌های درگیری باید در صورت درخواست طرف مخالف یا بستگان متوفی برای تسهیل بازگرداندن بقایای اجساد بکوشند. جان باختگان باید به شکلی محترمانه دفن شوند، با قبر آن‌ها با احترام برخورد شود، و به شکلی شایسته از آنها مراقبت گردد. به منظور تسهیل تشخیص هویت، همه اطلاعات موجود باید قبل از دفن ثبت شوند و محل قبور مشخص شود.

حق اطلاع از سرنوشت مفقودین

حقوق بین‌المللی بشردوستانه طرف‌های درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی را ملزم می‌کند برای روشن شدن سرنوشت مفقودین همه تدابیر ممکن را ببیند (متن داخل کادر را ببینید)؛ به علاوه، در این حقوق تصریح می‌شود اعضای خانواده مفقودین حق دارند از سرنوشت بستگان‌شان مطلع شوند. در اصل قوانین داخلی حاکم مشخص می‌کند منظور از «اعضای خانواده فرد مفقود» چه کسانی هستند. با این حال شایان ذکر است که هر تعریف باید حداقل خویشاوندان نزدیک مانند موارد زیر را در برگیرد:

- کودکانی که حاصل ازدواج یا روابط نامشروع هستند، کودکانی که به فرزند خواندگی گرفته شده‌اند، و فرزندان ناتنی؛
- شریک زندگی، خواه همسر باشد یا غیر؛
- والدین (از جمله مادر زن و مادر شوهر، پدر زن و پدر شوهر، و پدر و مادر خوانده)؛
- خواهر و برادرهای متولدشده از یک پدر و مادر، از پدر و مادرهای متفاوت، یا آن‌هایی که به فرزندخواندگی گرفته شده‌اند.

هر یک از طرف‌های درگیری باید به جستجوی افرادی که دشمن گزارش مفقودی آن‌ها را داده پیردازد.

قواعد معاهداتی مربوط به درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی کمتر توسعه یافته‌اند. با این حال بسیاری از قوانینی که بالاتر ذکر شدند هم در مورد درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و هم درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی به عنوان حقوق عرفی صدق می‌کنند.

مفقودین کسانی هستند که خانواده‌شان از آن‌ها خبری ندارند و/ یا کسانی که، بر اساس اطلاعات موثق، به دلیل درگیری مسلحانه- بین‌المللی یا غیر بین‌المللی- یا نوعی شرایط خشونت‌آمیز مفقود گزارش شده‌اند.

شرایطی که افراد در آن‌ها مفقود می‌شوند متفاوت‌اند. به چند نمونه توجه کنید:

- ارتباط اغلب خانواده‌ها با بستگان‌شان، که به استخدام نیروهای مسلح درآمده‌اند یا به گروه‌های مسلح پیوسته‌اند، به دلیل نداشتن راهی برای حفظ تماس قطع می‌شود. ممکن است اعضای نیروهای مسلح یا گروه‌های مسلح پس از مرگ در صورت مجهز نبودن به ابزار لازم برای تشخیص هویت، مانند برجسب هویتی، مفقودالامر اعلام شوند.

- امکان دارد افرادی که اسیر، دستگیر، یا ربوده شده‌اند در زندان‌های سری، یا در محلی ناشناخته نگهداری شوند، و در حبس فوت کنند. در بسیاری از موارد، خانواده‌های این افراد از وضعیت‌شان اطلاع ندارند یا اجازه ملاقات یا حتی مکاتبه با آن‌ها را ندارند. اغلب مواقع اطلاعات مربوط به افرادی که از آزادی محروم هستند (مانند تاریخ و محل دستگیری، بازداشت، مرگ یا دفن) ثبت نشده‌اند یا اسناد و مدارک حاوی این اطلاعات مخفی مانده یا از بین رفته‌اند.

- افراد زیادی پس از کشتارهای جمعی مفقود می‌شوند. در بسیاری از موارد اجساد قربانیان همان‌جا که مرده‌اند رها می‌شوند، یا عجله دفن می‌شوند، به جای دیگری منتقل می‌شوند، یا حتی نابود می‌شوند.

- ممکن است آوارگان و پناهندگان، افرادی که به دلیل درگیری از هم جدا شده‌اند، و افرادی که در مناطق اشغالی زندگی می‌کنند نتوانند عزیزانشان را در جریان وضعیت خود قرار دهند. این شرایط می‌تواند به جدایی‌های طولانی مدت منجر شوند.

- کودکان نیز در صورتی ناپدید می‌شوند که از والدین‌شان که از محل درگیری گریخته‌اند جدا شده و به اجبار به خدمت نیروها یا گروه‌های مسلح درآیند، یا زندانی شوند یا با عجله و بدون تشریفات به فرزندخواندگی گرفته شوند.

- در نهایت، گاهی اوقات پس از نبش قبر و کالبدشکافی، اطلاعاتی که می‌تواند به تعیین هویت فرد متوفی منجر شوند همواره به درستی ذخیره و مدیریت نمی‌گردند.

حقوق بین‌المللی بشردوستانه چگونه به مسئله مفقودی اجباری رسیدگی می‌کند؟

کنوانسیون سازمان ملل متحد برای حمایت از همه کسانی که به صورت اجباری مفقود شده‌اند (۲۰۰۶) مفقودی «اجباری» یا تحمیلی را به این شکل تعریف می‌کند:

«دستگیری، بازداشت، ربوده شدن، یا هر شکل دیگری از محرومیت از آزادی توسط عوامل دولت یا توسط افراد یا گروه‌هایی که با مجوز، پشتیبانی، یا موافقت دولت عمل می‌کنند، و به دنبال آن سر باز زدن از اذعان به محرومیت از آزادی یا مخفی کردن سرنوشت یا وضعیت فرد مفقود که سبب خروج وی از چتر حمایتی قانون می‌شود.»

مفقودی اجباری طیف وسیعی از قوانین حقوق بین‌المللی بشردوستانه را، به‌ویژه ممنوعیت محرومیت خودسرانه از آزادی، ممنوعیت شکنجه و سایر رفتارهای بی‌رحمانه و غیرانسانی، و ممنوعیت قتل نقض می‌کند. به علاوه، در درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی، هدف از الزامات گسترده در خصوص ثبت و تبادل اطلاعات در خصوص افراد محروم از آزادی، به طور خاص ممانعت از مفقودی اجباری است. طرفهای درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی نیز ملزم هستند برای جلوگیری از ناپدید شدن اقداماتی انجام دهند، از جمله ثبت نام افراد محروم از آزادی. به علاوه، ممنوعیت مفقودی اجباری باید در پرتو قاعده لزوم احترام به زندگی خانوادگی دیده شود که هر یک از طرفهای درگیری را ملزم می‌کند تا برای تعیین سرنوشت اشخاصی که بواسطه درگیری مسلحانه مفقود گزارش شده‌اند همه اقدامات ممکن را انجام دهند و اطلاعات مربوط به سرنوشت آن‌ها را در اختیار اعضای خانواده‌شان قرار دهند. نتیجه این قوانین این است که مفقودی اجباری توسط حقوق بین‌المللی بشردوستانه منع شده‌است.

اداره اطلاعات ملّی

در کنوانسیون‌های ژنو (رجوع به ماده ۱۲۲ کنوانسیون سوم ژنو و ماده ۱۳۶ کنوانسیون چهارم ژنو) قید شده که پس از آغاز درگیری و در همه موارد اشغال، هر یک از طرفهای درگیری باید برای دریافت و ارسال اطلاعات مربوط به اسرای جنگی و زندانیان غیرنظامی تحت امرش اداره رسمی اطلاعات دایر کنند. هر یک از قدرت‌های متخاصم باید جزئیات مربوط به همه اسرای جنگی و زندانیان غیرنظامی تحت اختیارش را به دفتر اطلاعاتش بدهد و همه اطلاعات مربوط به هویت این افراد را در اختیار آن قرار دهد تا نزدیکترین خویشاوندان آنها بتوانند در اسرع وقت در جریان قرار بگیرند. این دفاتر در دولت‌های عضو کنوانسیون‌های ژنو اغلب توسط جمعیت ملّی صلیب سرخ یا هلال احمر اداره می‌شوند.

سازمان جستجوی مرکزی

«سازمان مرکزی اطلاعات اسرای جنگی باید در کشوری بی‌طرف دایر شود. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ باید، در صورت لزوم، تشکیل چنین آژانسی را به قدرت‌های درگیر پیشنهاد دهد. نقش این آژانس عبارت است از جمع‌آوری هر گونه اطلاعات ممکن درباره اسرای جنگی از طریق کانال‌های رسمی یا خصوصی، و انتقال این اطلاعات در اسرع وقت به وطن اسرای جنگی یا به قدرتی که به آن وابسته‌اند.» (ماده ۱۲۳ کنوانسیون سوم ژنو؛ نیز رجوع به ماده ۱۴۰ کنوانسیون چهارم ژنو برای زندانیان غیرنظامی). مسئولیت این آژانس، که در سال ۱۹۶۰ به سازمان جستجوی مرکزی تغییر نام داد، به عهده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ است تا همه فعالیت‌های انجام شده توسط این آژانس را، یعنی فعالیت‌هایی که سایر گروه‌ها مانند غیرزندانیان، غیرنظامیان، و پناهندگان را دربرمی‌گیرد، انعکاس دهد.



۱۵. حقوق بین‌المللی بشردوستانه چه مواردی را به‌لحاظ دسترسی و کمک‌رسانی بشردوستانه مقرر می‌نماید؟

درگیری‌های مسلحانه، چه بین‌المللی چه غیربین‌المللی، نیاز به کمک‌های بشردوستانه را به شدت افزایش می‌دهند. غیرنظامیان در جنگ اغلب مواقع از نیازهای اساسی - آب، غذا، و سرپناه - محروم‌اند، و به مراقبت‌های بهداشتی و سایر خدمات ضروری دسترسی ندارند. دلایل این امر متفاوت‌اند. ممکن است سرزمین آن‌ها در نتیجه عملیات جنگی تخریب شده باشد و مناطق کشاورزی به دلیل وجود مین، بمب‌های خوشه‌ای، یا سایر مواد منفجره باقیمانده از جنگ غیرقابل استفاده شده باشند.



ممکن است کل جمعیت مجبور شوند خانه‌هایشان را ترک و منابع مرسوم درآمدشان را رها کنند. به علاوه، امکان دارد زیرساخت‌های اقتصادی و سایر زیرساخت‌ها صدمه دیده یا دچار اختلال در کار شده باشند، و ثبات کل کشور با منطقه را برای مدتی طولانی تحت تأثیر قرار دهند. به موجب حقوق بین‌الملل، مسئولیت اصلی حصول اطمینان از این که نیازهای اساسی شهروندان و غیرنظامیان تحت کنترل هر کشور رفع شده به عهده آن کشور است. اما اگر کشوری توانایی یا تمایل انجام این مسئولیت را نداشته باشد حقوق بین‌المللی بشردوستانه، منوط به موافقت کشور مربوطه، امدادسانی توسط دیگران، مانند سازمان‌های بشردوستانه، را مهیا می‌کند. سازمان‌های بشردوستانه برای انجام وظایفشان باید به افراد آسیب‌دیده دسترسی سریع و آزادانه داشته باشند.

چارچوب حقوقی مربوط به کمک‌های بشردوستانه را می‌توان در کنوانسیون ژنو و پروتکل‌های الحاقی سال ۱۹۷۷ و همچنین در حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی

یافت. طبق قوانین حقوق بین‌المللی بشردوستانه در خصوص دسترسی و کمک‌های بشردوستانه، اقدامات امدادی در وهله اول وقتی مجازند - و در صورت اشغال باید مجاز باشند - که غیرنظامیان از امکانات کافی محروم باشند. دوم اینکه، حقوق بین‌المللی بشردوستانه شرایط حاکم بر چنین عملیاتی را با هدف تسهیل تا ارائه کمک‌های بشردوستانه به افراد آسیب‌دیده به تفصیل بیان کرده‌است.

الزام انجام اقدام امدادی

مفاد مربوطه مطروحه در پروتکل‌های اول الحاقی و دوم تصریح می‌کنند که فعالیت‌های امدادسانی «باید زمانی به عهده گرفته شوند» که جمعیت موردنظر فاقد امکانات ضروری برای بقا باشد، و از این رو صریحاً الزام قانونی ایجاد می‌نماید. با این حال، در این مفاد بیان شده که چنین الزامی منوط به موافقت کشور مربوطه است (به جز در طول دوره اشغال). بنابراین، بین دو الزام به ظاهر متضاد باید تعادل ایجاد شود: از یک طرف باید امدادسانی انجام شود و از طرف دیگر، باید رضایت کشور مربوطه جلب شود.

شرایط اعطای رضایت با توجه به شرایط متفاوت است:

- در درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی - که در قلمروی اشغالی رخ نمی‌دهند - طرف‌های درگیر نباید خودسرانه از رضایت دادن امتناع کنند؛ خودداری از اعطای رضایت باید بنا به دلایل مستدل باشد. به ویژه اگر محرز شود که غیرنظامیان در معرض خطر تلف شدن از گرسنگی هستند و سازمان بشردوستانه‌ای که به شکلی بی‌طرفانه و غیرتبعیض‌آمیز امدادسانی می‌کند می‌تواند چاره‌ای برای این وضعیت بیندیشد، طرف موردنظر ملزم به اعطای رضایت است.
- در درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی نیز قوانین مذکور صدق می‌کنند. اما کماکان بر سر این موضوع بحث است که اگر امداد برای غیرنظامیانی باشد که در قلمروی تحت کنترل گروه‌های مسلح غیردولتی هستند آیا به موافقت دولت حاکم بر سرزمین نیازی خواهد بود یا خیر.
- در قلمروی اشغالی، قدرت اشغالگر موظف است اطمینان حاصل کند که غذا و امکانات پزشکی در اختیار مردم قرار می‌گیرد. به ویژه اگر منابع موجود در مناطق اشغالی کافی نباشند قدرت اشغالگر باید مواد غذایی لازم، تجهیزات پزشکی، و سایر اقلام را فراهم کند. اگر امکانات کافی در اختیار همه یا بخشی از مردم ساکن در قلمروی اشغالی قرار نگیرند قدرت اشغالگر ملزم است با طرح‌های امدادسانی برای کمک به مردم موافقت کند.

شرایط ارسال امداد بشردوستانه چیست؟

مجموعهٔ دوم قوانین مربوط به شرایطی هستند که امداد بشردوستانه باید تحت آن‌ها ارسال شود. این قوانین عبارتند از:

- بشردوستانه بودن، بی‌طرفانه بودن، و تبعیض‌آمیز نبودن؛ مفاد مندرج در حقوق بین‌المللی بشردوستانه فقط در مورد کمک‌هایی صدق می‌کنند که بی‌طرفانه و بشردوستانه هستند و بدون هر گونه تبعیض انجام می‌شوند. این امر بالاخص بدان معناست که امداد باید بدون در نظر گرفتن طرف درگیری که افراد نیازمند به آن تعلق دارند، و قطع نظر از مذهب، جنسیت، و غیره به همهٔ افراد نیازمند ارائه شود.
- نظارت: طرف‌هایی که عبور امداد را امکان‌پذیر می‌کنند می‌توانند ارسال آن را، به ویژه با اتخاذ تمهیدات فنی، از جمله مقرراتی برای بازرسی که حاکم بر چنین گذرگاهی اند نظارت کنند.

حقوق بین‌المللی بشردوستانه و «حق مداخله بنا به دلایل بشردوستانه»

تا آن جایی که «حق - یا حتی وظیفه - مداخله» به منزلهٔ مداخلهٔ مسلحانهٔ موجه بنا به دلایل بشردوستانه است موضوع به حقوق بین‌المللی بشردوستانه ارتباط ندارد بلکه به قوانین مربوط به قانونمندی به کار گرفتن نیروی مسلح در روابط بین‌المللی ارتباط دارد؛ به عبارت دیگر، مربوط به حق توسل به زور است. مفهوم «مسئولیت حمایت» به تدریج جایگزین مفهوم حق یا مسئولیت مداخله بنا به دلایل بشردوستانه می‌شود (رجوع به پرسش ۲).

مطالعهٔ کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ در خصوص حقوق عرفی، که در سال ۲۰۰۵ منتشر شد، قوانین ذیل را در خصوص ارائه کمک‌های بشردوستانه تعیین کرده است. این قواعد هم طی درگیری‌های مسلحانهٔ بین‌المللی و هم طی درگیری‌های مسلحانهٔ غیربین‌المللی صدق می‌کنند:

- امداد بشردوستانه: پرسنل و اشیاء مورد استفاده در عملیات امداد بشردوستانه باید مورد احترام و حمایت قرار بگیرند.
- طرف‌های درگیری باید عبور سریع و بدون ممانعت امداد بشردوستانه را - در صورت بی‌طرفی و توزیع بدون تبعیض - برای غیرنظامیان نیازمند که تحت نظارتشان هستند امکان‌پذیر و تسهیل کنند.
- طرف‌های درگیری باید به پرسنل امداد رسان بشردوستانه آزادی حرکت که برای انجام وظایفشان به آن نیاز دارند فراهم نمایند. تنها در صورت ضرورت نظامی می‌توان حرکت آن‌ها را به طور موقت محدود کرد.



۱۶. حقوق بین‌المللی بشردوستانه به چه صورت از پناهندگان و آوارگان داخلی حمایت می‌کند؟

پناهندگان کسانی هستند که از مرز بین‌المللی عبور کرده‌اند و در معرض خطر هستند، یا در موطن خود قربانی آزار و اذیت بوده‌اند. از طرف دیگر آوارگان داخلی از مرز بین‌المللی عبور نکرده‌اند اما آن‌ها نیز مجبور شده‌اند از خانه‌هایشان بگریزند (متن داخل کادر زیر را ببینید). پناهندگان تحت حمایت حقوق پناهندگان - اساساً کنوانسیون مربوط به وضعیت پناهندگان (۱۹۵۱) و کنوانسیون حاکم بر ابعاد خاص مشکلات پناهندگان در آفریقا (۱۹۶۹) - و قوانین حقوق بشر و به خصوص اصل عدم بازگرداندن اجباری هستند.



آن‌ها تحت قیومیت دفتر کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان هستند. به علاوه، وقتی پناهندگان در کشوری هستند که در درگیری مسلحانه مشارکت دارد تحت حمایت حقوق بین‌المللی بشردوستانه نیز هستند. پناهندگان، علاوه بر حمایت عمومی ارائه شده توسط حقوق بین‌المللی بشردوستانه به غیرنظامیان، به موجب کنوانسیون چهارم ژنو و پروتکل اول الحاقی مورد حمایت ویژه قرار می‌گیرند. به عنوان مثال، ماده ۴۴ کنوانسیون چهارم ژنو تصریح می‌کند که قدرتهای بازداشت‌کننده نباید با پناهندگانی که، از حمایت هیچ دولتی برخوردار نیستند، مانند دشمن بیگانه رفتار کنند. ماده ۷۳ پروتکل اول الحاقی اضافه می‌کند که پناهندگان باید تحت هر شرایطی و بدون تمایز مورد حمایت قرار بگیرند. اما هیچ معاهده جهانی‌ای وجود ندارد که بالاخص به نیاز حمایت از آوارگان داخلی بپردازد. کنوانسیون حمایت و کمک به آوارگان داخلی در آفریقا (کنوانسیون کامپالا)، که در دسامبر سال ۲۰۱۲ لازم‌الاجرا شد، اولین معاهده بین‌المللی است که به موضوع حمایت و کمک به آوارگان داخلی پرداخت.

آوارگان داخلی توسط قوانین مختلف، از جمله قوانین داخلی، حقوق بشر و -اگر در کشوری که در درگیری مسلحانه مشارکت دارد باشند توسط حقوق بین‌المللی بشر دوستانه- حمایت می‌شوند. اصول راهنمای سازمان ملل مربوط به آوارگی داخلی (۱۹۹۸) یک سند غیرالزام‌آور حائز اهمیت برای آوارگان داخلی است. این اصول حقوق بین‌الملل موجود را به نمایش می‌گذارد و به عنوان چارچوب بین‌المللی برای حمایت از آوارگان داخلی طی همه مراحل بی‌خانمانی، از جمله بازگشت، اسکان مجدد، و استقرار مجدد به طور گسترده به رسمیت شناخته شده‌اند. قوانین حقوق بین‌المللی بشردوستانه برای حمایت از غیرنظامیان، در صورت رعایت، می‌توانند مانع از بی‌خانمانی شوند. قوانینی که موارد ذیل را منع می‌کنند حائز اهمیت هستند:

- حملات مستقیم به غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی یا حملات کور
- گرسنگی دادن به جمعیت غیرنظامی و تخریب اشیاء ضروری برای بقای آن‌ها
- مجازات جمعی - که ممکن است به شکل تخریب اقامتگاه‌ها باشد.

حقوق بین‌المللی بشردوستانه نیز به صراحت بیرون راندن غیرنظامیان را از محل زندگی‌شان منع می‌کند مگر این که امنیت آن‌ها یا دلایل نظامی این طور ایجاب کند. همه تدابیر ممکن باید اندیشیده شوند تا اطمینان حاصل شود که غیرنظامیان آواره از سرپناه، بهداشت، سلامت، امنیت، و تغذیه رضایت‌بخشی برخوردارند، و اعضای یک خانواده از هم جدا نشوند. قوانینی که طرف‌های درگیری را ملزم می‌کنند اجازه دهند محموله‌های امدادی به دست غیرنظامیان نیازمند برسند نیز از آوارگان داخلی حمایت می‌کنند.

همه این قوانین در حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی به رسمیت شناخته شده‌اند و هم طی درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و هم طی درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی موضوعیت دارند.

پناهنده کیست؟

ماده ۱ کنوانسیون مربوط به وضعیت پناهندگان، که توسط پروتکل سال ۱۹۶۷ اصلاح شده، «پناهنده» را به عنوان فردی تعریف می‌کند که «به دلیل ترس موجه از این که بنا به دلایل نژادی، مذهبی، ملیتی، عضویت در گروه اجتماعی یا داشتن عقاید سیاسی خاص مورد آزار و اذیت قرار گیرد خارج از وطنش باشد و قادر نباشد یا، از ترس، مایل نباشد تحت حمایت آن کشور قرار بگیرد؛ یا کسی که، چون در نتیجه چنین اتفاقاتی هویت ملی ندارد و از وطنش خارج شده قادر نیست یا، از ترس، مایل نیست به آنجا بازگردد.»

کنوناسیون حاکم بر ابعاد خاص مشکلات پناهندگان در آفریقا (۱۹۶۹) و اعلامیه کارتاگنا (۱۹۸۴) در خصوص پناهندگان، تعریف جامع‌تری را اتخاذ کرده‌اند که افرادی را دربرمی‌گیرد که از اتفاقاتی که نظم عمومی را به شدت به هم می‌زنند، مانند درگیری‌های مسلحانه و سایر شرایط خشونت‌آمیز، می‌گیرند.

آواره داخلی کیست؟

اصول راهنمای سازمان ملل مربوط به آوارگی داخلی (۱۹۹۸) آوارگان داخلی را به عنوان «افراد یا گروه‌هایی» تعریف می‌کند که «مجبور یا ملزم به ترک خانه یا محل اقامت همیشگی‌شان شوند یا از آن بگریزند، تا بلاخص از اثرات درگیری‌های مسلحانه، شرایط خشونت‌آمیز فراگیر، نقض حقوق بشر، یا بلایای طبیعی یا بلایای ساخته دست بشر احتراز کنند، اما از مرز بین‌المللی کشوری عبور نکرده‌اند.»

مهاجرانی که در درگیری‌های مسلحانه گرفتار شده‌اند

هیچ تعریف جهانی پذیرفته شده‌ای از «مهاجر» وجود ندارد و تصمیم به مهاجرت می‌تواند «داوطلبانه» یا «اجباری» باشد، اگرچه این عناوین در مقایسه با گذشته چندان دقیق نیستند. شروع ناگهانی اتفاقاتی مانند درگیری‌های مسلحانه یا بلایا می‌تواند بلافاصله باعث شوند مردم مجبور به ترک خانه‌هایشان شوند. جستجوی فرصت‌های اقتصادی بهتر، تخریب آهسته و تدریجی محیط زیست، نادیده گرفتن روزافزون حقوق (به خصوص برای اقلیت‌ها)، و در دسترس بودن شبکه‌های خانواده در جاهای با ثبات‌تر دقیقاً مشخص می‌کنند مهاجران به کجا و برای چه مدتی نقل مکان می‌کنند. اصطلاح «مهاجرت مختلط» در حال حاضر برای توصیف فرار پناهجویان، پناهندگان، و افراد فاقد تابعیت از درگیری‌های مسلحانه به کار می‌رود که با مهاجران کار در هم آمیخته‌اند؛ «مهاجرت مختلط» هم وضعیت و هم ترکیبی از عواملی را که باعث جا به جایی جمعیتی می‌شوند توصیف می‌کند.

بسیاری از مهاجران پناهنده محسوب نمی‌شوند و وقتی از مرز بین‌المللی عبور می‌کنند، طبق تعریف، آواره داخلی نیستند. صرف نظر از علت اولیه بی خانمانی (یا مهاجرت)، آسیب‌پذیری و نیازهای حمایتی این افراد، و موارد نقض حقوق بشر را که آن‌ها طی سفرشان با آن مواجه هستند - از جمله قاچاق انسان - نمی‌توان دست کم گرفت.

هیچ معاهده جهانی‌ای وجود ندارد که به شکل خاص به مسئله حمایت از همه مهاجران بپردازد. در قوانین مختلف از جمله قوانین داخلی، حقوق بشر، و - اگر مهاجران در کشوری باشند که در درگیری مسلحانه مشارکت دارد - حقوق بین‌المللی بشردوستانه می‌توان مفادی برای حمایت از آن‌ها یافت. مهاجران در قلمروی کشوری که در درگیری مسلحانه مشارکت دارد غیرنظامی محسوب می‌شوند.



۱۷. اشیاء تحت حمایت ویژه حقوق بین‌المللی بشردوستانه کدام است؟

به موجب مفاد کلی حقوق بین‌المللی بشردوستانه اشیاء، غیرنظامی در برابر حملات مورد حمایت قرار می‌گیرند. بعضی از اشیاء، نیز، یا به دلیل اهمیت خاصشان در حمایت از قربانیان درگیری‌های مسلحانه، جمعیت غیرنظامی، یا به طور کلی بشریت یا به دلیل آسیب‌پذیری خاصشان در مقابل تخریب و صدمات طی درگیری مسلحانه، به موجب حقوق بین‌المللی بشردوستانه مورد حمایت خاص قرار می‌گیرند. چند نمونه عبارتند از:

واحدهای پزشکی و وسایل حمل و نقل

عبارت «واحدهای پزشکی» به نهادها و سایر واحدهای نظامی یا غیرنظامی، ثابت یا سیار، دائمی یا موقت- اشاره دارد که برای مقاصد پزشکی ایجاد شده‌اند. این عبارت، به عنوان مثال، بیمارستان‌ها و سایر واحدهای مشابه، مراکز انتقال خون، مراکز و مؤسسات درمانی پیشگیری، انبارهای پزشکی، و تجهیزات پزشکی و دارویی این واحدها را دربرمی‌گیرد.

عبارت «وسایل حمل‌ونقل پزشکی» به هر وسیله حمل‌ونقل -نظامی یا غیرنظامی، دائمی یا موقت- اشاره دارد که منحصراً به حمل‌ونقل پزشکی اختصاص دارد و تحت کنترل مرجع ذیصلاح طرفهای درگیری است. این وسایل عبارتند از وسایل حمل‌ونقل زمینی، دریایی یا هوایی، مانند آمبولانس، کشتی‌های بیمارستانی، و هواپیماهای امداد.



حمایت از واحدهای پزشکی و وسایل حمل‌ونقل توسط حقوق بین‌المللی بشردوستانه نوعی حمایت جنبی است تا اطمینان حاصل شود مجروحین و بیماران از مراقبت‌های پزشکی بهره‌مند می‌گردند. حمایت از واحدهای پزشکی و وسایل حمل‌ونقل تحت حقوق بین‌المللی بشردوستانه امری قدیمی است. در واقع، می‌توان آن را در کنوانسیون سال ۱۸۶۴ ژنو یا مقررات لاهه سال‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ یافت. این مسئله در کنوانسیون‌های اول و چهارم ژنو برای واحدهای پزشکی نظامی و وسایل حمل‌ونقل، بیمارستان‌های غیرنظامی، و برخی از وسایل حمل‌ونقل پزشکی به تفصیل شرح داده شده‌است. چتر این حمایت در سال ۱۹۷۷ گسترش یافت تا به ویژه واحدهای پزشکی غیرنظامی و وسایل حمل‌ونقل را در همه شرایط شامل شود. حمایت از واحدهای پزشکی و وسایل حمل‌ونقل در درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی به طور ضمنی از ماده سوم مشترک گرفته شده، که خواستار این است که مجروحین و بیماران جمع‌آوری و از آن‌ها مراقبت شود.

این مسئله در پروتکل دوم الحاقی نیز به صراحت بیان شده است. رفتار فعلی دولت این الزام را ایجاد کرده که همه واحدهای پزشکی و وسایل حمل و نقل، چه غیرنظامی چه نظامی، مورد احترام و حمایت قرار بگیرند؛ این قاعده حقوق بین الملل عرفی هم در مورد درگیری‌های مسلحانه بین المللی و هم در مورد درگیری‌های مسلحانه غیربین المللی موضوعیت دارد.

در التزام به احترام به و حمایت از واحدهای پزشکی و وسایل حمل و نقل که در همه شرایط منحصراً به مقاصد پزشکی اختصاص دارند:

- احترام، بالاخص، یعنی واحدهای پزشکی و وسایل حمل و نقل نباید مورد حمله قرار بگیرند و نباید بی جهت از فعالیت آنها ممانعت شود.
- حمایت یعنی باید به واحدهای پزشکی و وسایل حمل و نقل در انجام وظایفشان به شکلی جدی کمک شود و در مقابل حملات یا دخالت بیجای اشخاص ثالث از آنها حمایت شود. به ویژه، واحدهای پزشکی باید، حتی الامکان، در مجاورت اهداف نظامی واقع نشوند. به علاوه، تحت هیچ شرایطی نباید برای حمایت از اهداف نظامی در مقابل حمله از واحدهای پزشکی و وسایل حمل و نقل استفاده شود.

چنانچه از واحدهای پزشکی و وسایل حمل و نقل برای انجام کاری غیر از عمل بشردوستانه، که به ضرر دشمن است، استفاده شود آنها از حمایت خارج می‌شوند و ممکن است در معرض حملات قرار بگیرند. اما قبل از حمله باید به آنها اخطار داده شود و، در صورت امکان، محدوده زمانی معقولی تعیین شود؛ حمله تنها در صورتی مجاز است که به هشدار بی توجهی شده باشد. نمونه‌هایی از اقدامات مضر برای دشمن عبارتند از استفاده از واحدهای پزشکی برای پناه دادن به مبارزان سالم یا انبار کردن تسلیحات یا مهمات، یا به عنوان پست دیده‌بانی نظامی یا سپر در مقابل اقدام نظامی. اما حتی در این صورت، مانند همه حملات به اهداف نظامی، مقرررات مربوط به تناسب و اقدامات احتیاطی باید رعایت شوند؛ این کار به خاطر مجروحین و بیماران یا پرسنل پزشکی انجام می‌شود که ممکن است داخل واحد پزشکی یا وسیله حمل و نقلی باشند که اقدامات آسیب‌رسان به دشمن از آنها صورت می‌گیرد.

در نهایت، واحدهای پزشکی مجاز حق دارند آرم‌های متمایزی نمایش دهند (رجوع به پرسش ۱۳). لازم به ذکر است که واحدهای پزشکی و وسایل حمل و نقل چه آرم متمایزی را نمایش دهند چه ندهند باید بالاخص مورد احترام و حمایت قرار بگیرند؛ اما نمایش دادن آرم، تشخیص هویت را تسهیل می‌کند.

اموال فرهنگی

اموال فرهنگی به طور کلی به عنوان اشیاء غیرنظامی مورد حمایت قرار می‌گیرند. علاوه بر این، باید برای جلوگیری از هرگونه صدمه به اموال فرهنگی توجه ویژه‌ای شود چون آن‌ها جزء باارزشترین اهداف غیرنظامی هستند؛ نیاز به این احتیاط زمانی بیشتر می‌شود که اموال فرهنگی مورد نظر جنبه بسیار مهمی از میراث ملت مربوطه باشند.

عبارت «اموال فرهنگی» به هرگونه اموال منقول یا غیرمنقول اشاره دارد که به مذهب، هنر، علم، آموزش، یا مقاصد خیریه، یا به بناهای تاریخی اختصاص یافته است. اموالی که از اهمیت زیادی برای میراث فرهنگی هر ملت برخوردارند -مانند بناهای معماری یا تاریخی، اماکن باستانی، آثار هنری، کتاب‌ها یا هر ساختمانی که مهمترین و مؤثرترین نقشش این است که دربرگیرنده اموال فرهنگی باشد، و مراکز نگهداری دارای مقدار متناهی از اموال فرهنگی- می‌توانند از آرم سپر آبی و سفید استفاده کنند و توسط آن شناخته شوند. (شکل صفحه بعد را ببینید).

مبنای قانونی حمایت ویژه از اموال فرهنگی در مقررات ۱۹۰۷ لاهه، کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه در خصوص حمایت از اموال فرهنگی در جریان درگیری‌های مسلحانه و پروتکل‌های مربوطه، و همچنین در پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ یافت می‌شود. الزام احترام به و حمایت از اموال فرهنگی در حقوق عرفی حاکم بر درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی نیز مطرح شده است.

در الزام احترام به و حمایت از اموال فرهنگی:

- **احترام** یعنی باید در عملیات نظامی برای جلوگیری از آسیب به اموال فرهنگی توجه ویژه‌ای شود، مگر این که آن‌ها به اهداف نظامی تبدیل شده باشند؛
- **حمایت** یعنی هرگونه مصادره یا تخریب یا آسیب عمدی به اموال فرهنگی ممنوع است. به علاوه، قدرت اشغالگر باید از صادرات غیرقانونی اموال فرهنگی از قلمروی اشغالی جلوگیری کند و اموالی را که به شکل غیرقانونی صادر شده اند به مراجع ذیربط قلمروی اشغالی بازگرداند.

علاوه بر این، برای احترام به و حمایت از اموالی که از اهمیت بالایی برای میراث فرهنگی هر ملت برخوردارند الزامات دیگری وجود دارد.

- کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه برای حمایت از اموال فرهنگی در پی افزایش حمایت از اموالی بود که برای میراث فرهنگی هر ملت از اهمیت بالایی برخوردارند و بدین منظور در وهله اول مشخص کردن این اموال را با سپر آبی و سفید ترغیب نمود (شکل رو به رو را ببینید).

- این اموال نباید مورد حمله قرار بگیرند مگر این که ضرورت نظامی ایجاب کند. در پروتکل دوم کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه روشن شده که منحصراً و تا زمانی می‌توان به گزینۀ اعراض از ضرورت عینی نظامی استناد کرد که: (۱) اموال فرهنگی مورد نظر، به واسطه عملکردش، به هدف نظامی تبدیل شده باشد؛ و (۲) هیچ گزینۀ ممکنه برای کسب امتیاز نظامی مشابه مزیت حاصل از حمله به آن هدف وجود نداشته باشد. به علاوه، پروتکل دوم ایجاب می‌کند که چنین ضرورتی در سلسله مراتب فرماندهی در نظر گرفته شود و در صورت حمله هر زمان شرایط اجازه می‌دهد هشدارهای مؤثر از پیش داده شوند. لازم به ذکر است که ماده ۵۳، بند ۱، از پروتکل اول الحاقی و ماده ۱۶ از پروتکل دوم الحاقی فراتر از این می‌روند: آن‌ها در صورت وجود ضرورت عینی نظامی اجازه اعراض نمی‌دهند. این مواد فقط تعداد محدودی از اموال فرهنگی بسیار مهم را پوشش می‌دهند، یعنی اموالی که بخشی از میراث فرهنگی یا معنوی هر «ملت» (به عبارت دیگر، بشریت) را تشکیل می‌دهند. لازم است اموال تحت پوشش پروتکل‌های الحاقی از چنان اهمیتی برخوردار باشند که توسط هر کسی قابل تشخیص باشد و حتی نیازی به علامت‌گذاری نباشد.

- استفاده نظامی از این اموال - که احتمال دارد آن‌ها را در معرض تخریب یا آسیب قرار دهد - ممنوع است، مگر این که ضرورت نظامی ناگزیر کند. در این جا هم، پروتکل دوم کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه تصریح می‌کند که در صورت استفاده از اموال فرهنگی برای مقاصدی که احتمال دارد آن‌ها را در معرض تخریب یا آسیب قرار دهد «منحصراً و تا زمانی که که بین استفاده این چنینی از اموال فرهنگی و کسب مزیت نظامی مشابه گزینۀ دیگری وجود نداشته باشد»، می‌توان به گزینۀ اعراض از ضرورت عینی نظامی استناد نمود.

به علاوه، پروتکل دوم ایجاب می‌کند که چنین ضرورتی در سلسله مراتب فرماندهی در نظر گرفته شود. لازم به ذکر است که ماده ۵۳، بند ۱، از پروتکل اول الحاقی و ماده ۱۶ از پروتکل دوم الحاقی فراتر از این می‌روند: آن‌ها در صورت وجود ضرورت عینی نظامی اعراض را مجاز نمی‌دارند.

- سرقت، چپاول، یا سوءاستفاده از این اموال به هر شکل و هر گونه آسیب به آن‌ها ممنوع است.

آرم سپر آبی و سفید برای نشان دادن حمایت از اموالی که از اهمیت زیادی برای میراث فرهنگی هر ملت برخوردارند.



محیط زیست طبیعی

عبارت «محیط زیست طبیعی» به پویایی، ترکیب یا ساختار زمین، از جمله کلیه گیاهان و جانوران، لیتوسفر (سنگ‌کره)، هیدروسفر (آب‌کره) و اتمسفر، و فضای بیرونی اشاره دارد. این عبارت کلیه پوشش‌های گیاهی (گیاهان، جنگل‌ها، و غیره)، حیات وحش، میکروارگانیسم‌ها، خاک، سنگ‌ها، هوا، آب و سایر منابع طبیعی، و شرایط اقلیمی را دربرمی‌گیرد.

درگیری‌های مسلحانه ممکن است آسیب طولانی مدت به محیط زیست طبیعی وارد کنند. احتمال دارد استفاده از بعضی سلاح‌ها، به ویژه سلاح‌های شیمیایی یا هسته‌ای، تأثیر نامطلوب بلندمدتی بر محیط زیست داشته باشند. چنین تأثیری می‌تواند بُعدی از استراتژی نظامی طرف‌های درگیری باشد که بخش‌هایی از محیط زیست را مورد هدف قرار می‌دهند تا توانایی‌های دشمن را کاهش دهند. اما ممکن است این اتفاق پیامد ناخواسته درگیری نیز باشد. تخریب مجاری و لوله‌کشی‌های فاضلاب، نیروگاه‌ها، و کارخانجات شیمیایی، و سایر صنایع و صرفاً ایجاد خرده‌سنگ می‌تواند منجر به آلودگی منابع آب، زمین‌های قابل‌کشت، و هوا شود و سلامت کل جمعیت را تحت تأثیر قرار دهد. اگرچه ممکن است میزان معینی از آسیب به محیط زیست به عنوان جزء لاینفک درگیری‌های مسلحانه قابل‌قبول باشد، اما این آسیب‌ها نباید نامتناسب باشند.

بنابراین حقوق بین‌المللی بشردوستانه محدودیتی برای آسیب به محیط زیست تعیین کرده است. اولاً، محیط زیست به طور کلی به عنوان یک هدف غیرنظامی مورد حمایت قرار می‌گیرد و از این رو در برابر حملات مستقیم و همچنین در برابر آسیب اتفاقی بیش از حد نیز از آن حمایت می‌شود؛ به علاوه، حقوق بین‌المللی بشردوستانه تأکید می‌کند برای جلوگیری، و در هر صورت برای به حداقل رساندن، آسیب اتفاقی به محیط زیست، همه اقدامات احتیاطی ممکن انجام شوند. محیط زیست طبیعی نیز به موجب حقوق بین‌المللی بشردوستانه تحت حمایت ویژه است. در حقیقت، حقوق بین‌المللی بشردوستانه در برابر «آسیب گسترده، طولانی‌مدت، و شدید» از محیط زیست طبیعی حمایت می‌کند. به ویژه، روش‌ها یا ادوات جنگی که برای وارد کردن چنین آسیبی به محیط زیست طبیعی در نظر گرفته شده‌اند یا پیش‌بینی می‌شود چنین آسیبی وارد کنند طبق حقوق معاهداتی و عرفی در درگیری‌های مسلحانه



بین‌المللی ممنوع‌اند. شیوه عمل دولت این قانون را به عنوان قاعده حقوق بین‌المللی عرفی در درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی نیز تأیید کرده است.

در نهایت، کنوانسیون منع استفاده نظامی یا هر گونه استفاده خصمانه دیگر از تکنیک‌های تغییر محیط زیست (ENMOD) در سال ۱۹۷۶ حمایت بیشتری از محیط زیست طی درگیری‌های مسلحانه فراهم می‌نماید. ENMOD تغییر عمدی در محیط زیست را به منظور ایجاد «تأثیرات گسترده، طولانی‌مدت، و شدید»- که منجر به پدیده‌هایی مانند تندباد، امواج جزر و مدی، یا تغییرات اقلیمی می‌شوند- به عنوان راهی برای تخریب، آسیب، یا صدمه به سایر دولت‌های عضو منع می‌کند. به عبارت ساده، تخریب عمدی محیط زیست طبیعی به عنوان یک سلاح ممنوع است.



Tomohiro Ohsumi/Pool/REUTERS

ساختمان‌ها و تأسیسات حاوی نیروهای خطرناک

عبارت «ساختمان‌ها و تأسیسات حاوی نیروهای خطرناک» به سدها، آب‌بندها، و نیروگاه‌های تولید برق هسته‌ای اشاره دارد.

ساختمان‌ها و تأسیسات حاوی نیروهای خطرناک حتی زمانی که به اهداف نظامی تبدیل می‌شوند نباید مورد حمله قرار بگیرند چون ممکن است چنین حملاتی منجر به آزاد شدن نیروهای خطرناک و در نتیجه تلفات جانی غیرنظامیان شوند. اهداف نظامی واقع در این ساختمان‌ها و تأسیسات یا در مجاورت آن‌ها نیز در صورتی که حمله منجر به همان میزان تلفات جانی غیرنظامیان شود نباید مورد حمله قرار گیرد. این قوانین در پروتکل اول الحاقی به صراحت بیان شده‌اند و در حقوق عرفی هم برای درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و هم برای درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی وجود دارند. به منظور تسهیل شناسایی چنین اماکنی، طرف‌های درگیری‌های مسلحانه می‌توانند آن‌ها را با نشان خاصی مشخص کنند که از سه دایره به رنگ نارنجی روشن تشکیل شده که روی یک محور قرار گرفته‌اند (قسمت پایین را ببینید).



۱۸. دیدگاه حقوق بین‌المللی بشردوستانه در باره تروریسم چیست؟

موضع کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در خصوص تروریسم چیست؟

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ اعمال خشونت‌آمیزی را که کور هستند و منجر به ایجاد رعب و وحشت در میان غیرنظامیان می‌شوند به شدت محکوم می‌کند. این کمیته بارها در موارد متعدد این کار را انجام داده است.

حقوق بین‌المللی بشردوستانه تعریفی از «تروریسم» ارائه نمی‌دهد، اما بیشتر اعمالی که در درگیری‌های مسلحانه انجام می‌شوند و معمولاً «تروریستی» محسوب می‌گردند را منع می‌کند. یکی از اصول اساسی حقوق بین‌المللی بشردوستانه این است که افراد دخیل در درگیری‌های مسلحانه باید، همیشه، بین غیرنظامیان و نظامیان و بین اهداف غیرنظامی و اهداف نظامی تمایز قائل شوند. این اصل «تفکیک» سنگ بنای حقوق بین‌المللی بشردوستانه است (رجوع به پرسش ۱۱). بسیاری از قوانین حقوق بین‌المللی بشردوستانه که بالاخص برای حفاظت از غیرنظامیان در نظر گرفته شده‌اند، مانند ممنوعیت حملات عمدی یا مستقیم به غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی، ممنوعیت حملات کور یا ممنوعیت استفاده از «سپرهای انسانی» از اصل فوق برگرفته شده‌اند. حقوق بین‌المللی بشردوستانه گروگان‌گیری را نیز منع کرده است. «تروریستی» نامیدن اعمال خشونت‌آمیز عمدی علیه غیرنظامیان یا اهداف غیرنظامی در درگیری‌های مسلحانه اهمیت حقوقی ندارد چرا که چنین اعمالی فی‌نفسه به منزله نقض جدی حقوق بین‌المللی بشردوستانه هستند.

علاوه بر این، حقوق بین‌المللی بشردوستانه بالاخص «اقدامات» تروریستی و «اعمال تروریستی» را منع می‌کند. در ماده ۳۳ کنوانسیون چهارم ژنو آمده است که «مجازات‌های جمعی و به همین ترتیب کلیه اقدامات رعب‌انگیز یا تروریستی ممنوع‌اند.» ماده ۴ پروتکل دوم الحاقی «اعمال تروریستی» علیه افرادی را که در مخاصمات نقشی ندارند یا دیگر در آن‌ها مشارکت ندارند منع کرده است. هدف اصلی از این قواعد این است که تأکید شود غیرنظامیان چه به صورت فردی چه به صورت کلی نباید در معرض مجازات جمعی، که، علاوه بر هر چیز دیگری، مسلماً ایجاد رعب و وحشت می‌کنند، قرار بگیرند. پروتکل‌های اول و دوم الحاقی اعمالی را که هدف از آن‌ها گسترش رعب و وحشت در میان غیرنظامیان است نیز منع می‌کنند: «اعمال یا تهدیدهای همراه با خشونت که هدف اصلیشان گسترش رعب و وحشت در میان غیرنظامیان است ممنوع می‌باشند» (رجوع به ماده ۵۱، بند ۲، از پروتکل اول الحاقی؛ ماده ۱۳، بند ۲، از پروتکل دوم الحاقی). این قواعد حملات قانونی به اهداف نظامی، که ممکن است منجر به ایجاد ترس در میان غیرنظامیان شوند، را منع نمی‌کنند اما حملاتی را که هدفشان بالاخص ایجاد رعب و وحشت در میان غیرنظامیان است غیرقانونی اعلام می‌نمایند، به عنوان مثال، گلوله‌باران یا تیراندازی از کمینگاه به غیرنظامیان در مناطق شهری.



با توجه به این که حقوق بین‌المللی بشردوستانه فقط طی درگیری‌های مسلحانه اعمال می‌شود این حقوق در مورد اقدامات تروریستی که در دوران صلح انجام می‌شوند مصداق ندارد. با این حال این اقدامات تابع قانون هستند، یعنی قوانین داخلی و بین‌المللی، و به‌ویژه حقوق بشر. اقدامات تروریستی‌ای که خارج از درگیری‌های مسلحانه انجام می‌شوند، فارغ از انگیزه کسانی که مرتکب آن‌ها می‌شوند، باید توسط سازمان‌های ملی یا بین‌المللی اجرای قانون مورد رسیدگی قرار بگیرند. دولت‌ها می‌توانند برای جلوگیری از اقدامات تروریستی یا سرکوب آن‌ها کارهای متعددی انجام دهند، از جمله جمع‌آوری اطلاعات، همکاری پلیس و دستگاه قضایی، استرداد مجرمین، تحریم‌های کیفری، تحقیقات مالی، مسدود کردن دارایی‌ها یا فشار دیپلماتیک و اقتصادی بر دولت‌های متهم به کمک به تروریست‌های مظنون.

در مورد «جنگ موسوم به ضد تروریسم» چطور؟

این عبارت برای توصیف اقدامات و عملیات مختلفی به کار می‌رود که هدف از آن‌ها پیشگیری از و مبارزه با حملات تروریستی است. این اقدامات عبارتند از جمع‌آوری اطلاعات، تحریم‌های مالی، و همکاری قضایی؛ آن‌ها می‌توانند درگیری‌های مسلحانه را نیز دربرگیرند. طبقه‌بندی حقوقی چیزی که اغلب مواقع «جنگ جهانی علیه ترور» نامیده می‌شود موضوع مجادلات فراوانی بوده است. اگرچه این عبارت در بعضی از دولت‌ها به اصطلاح رایج و روزمره‌ای تبدیل شده اما هنوز به بررسی این موضوع نیاز است که، در پرتو حقوق بین‌المللی بشردوستانه، آیا عبارت مزبور صرفاً کاربرد بلاغی دارد یا این که به درگیری‌های مسلحانه جهانی از جنبه حقوقی اشاره دارد. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ بر اساس واکاوی حقایق موجود موافق این نظریه که جنگی جهانی در جریان است نیست؛ این کمیته برای طبقه‌بندی حقوقی شرایط توأم با خشونت که در گفتار روزمره به آن‌ها به عنوان بخشی از «جنگ با ترور» اشاره می‌شود رویکرد مورد به مورد اتخاذ می‌کند. به عبارت ساده، وقتی خشونت به حد درگیری مسلحانه، چه بین‌المللی چه غیربین‌المللی، می‌رسد حقوق بین‌المللی بشردوستانه مصداق می‌یابند (رجوع به پرسش ۵). در غیر این صورت، مجموعه قوانین دیگری قابل اجرا می‌شوند. به عنوان مثال، ابعاد خاص مبارزه با تروریسم که پس از حمله به ایالات متحده آمریکا در ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ صورت گرفتند طبق حقوق بین‌المللی بشردوستانه به مثابه درگیری مسلحانه هستند. جنگ به‌پاشده توسط ائتلاف تحت رهبری آمریکا در افغانستان که در اکتبر سال ۲۰۰۱ آغاز شد نمونه‌ای از این موضوع است. کنوانسیون‌های ژنو و قوانین حقوق بین‌المللی عرفی در مورد این درگیری مسلحانه بین‌المللی، که از یک طرف شامل ائتلاف تحت رهبری آمریکا و از طرف دیگر افغانستان بود، کاملاً مصداق می‌یابند. اما بیشتر خشونت‌های صورت‌گرفته در سایر نقاط جهان که معمولاً «تروریستی» توصیف می‌شوند توسط گروه‌هایی (شبکه‌هایی) با سازماندهی ضعیف یا افرادی انجام می‌شوند که، در بهترین شرایط، ایدئولوژی مشترکی دارند. مشخص نیست که آیا می‌توان این گروه‌ها و شبکه‌ها را طرف‌های درگیری‌های مسلحانه محسوب کرد یا خیر. «تروریسم» یک پدیده است. هم به لحاظ عملی و هم به لحاظ حقوقی نمی‌توان علیه پدیده‌ای جنگ به پا کرد بلکه فقط می‌توان علیه طرف‌های قابل شناسایی درگیری‌های مسلحانه جنگ کرد. بنا به این دلایل، بهتر است به جای «جنگ با تروریسم» در مورد «مبارزه» چند بعدی «با تروریسم» صحبت کرد.

چه حقوقی در مورد اشخاصی که در مبارزه علیه تروریسم بازداشت شده‌اند صدق می‌کند؟

۱. افرادی که در ارتباط با درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی بازداشت شده‌اند که بخشی از مبارزه با تروریسم بوده‌اند -مانند شرایط افغانستان تا پیش از تشکیل دولت جدید در ژوئن سال ۲۰۰۲- تحت حقوق بین‌المللی بشردوستانه که در مورد درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی صدق می‌کند حمایت می‌شوند.

الف) مبارزانی که اسیر شده‌اند باید وضعیت اسیر جنگی را داشته باشند و تا پایان مخصصات در آن درگیری مسلحانه بین‌المللی در زندان نگه داشته شوند. اسرای جنگی صرفاً به دلیل مشارکت در مخصصات محاکمه نمی‌شوند، اما ممکن است برای جنایات جنگی که مرتکب شده‌اند مورد محاکمه قرار گیرند. در این صورت، ممکن است آن‌ها تا زمانی که دوران محکومیتشان را بگذرانند در زندان نگه داشته شوند. اگر وضعیت اسیر جنگی مشخص نباشد باید برای صدور حکم در این مورد یک دادگاه دی‌صلاح تشکیل شود.

ب) غیرنظامیانی که بنا به دلایل ضرورت امنیتی بازداشت شده‌اند باید مورد حمایت قیدشده در کنوانسیون چهارم ژنو قرار بگیرند. نظامیانی که معیارهای لازم را برای وضعیت اسیر جنگی ندارند (به عنوان مثال، علناً اسلحه حمل نمی‌کنند) یا غیرنظامیانی که مستقیماً در مخصصات درگیری مسلحانه بین‌المللی مشارکت کرده‌اند (متخصصان به اصطلاح غیررسمی یا غیرقانونی) مشروط بر این که اتباع دشمن باشند طبق کنوانسیون چهارم ژنو مورد حمایت قرار می‌گیرند. امکان دارد این افراد، بر خلاف اسرای جنگی، به دلیل دست به اسلحه بردن، و همچنین برای هر گونه اقدام مجرمانه که ممکن است مرتکب شده باشند طبق قوانین داخلی کشور بازداشت‌کننده محاکمه شوند. ممکن است آن‌ها تا زمانی که دوران محکومیتشان را بگذرانند در زندان نگه داشته شوند. اگر تحت پیگرد قانونی نباشند باید به محض رفع دلایلی که منجر به بازداشتشان شده بود آزاد شوند.

۲. افرادی که در ارتباط با درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی بازداشت شده‌اند که بخشی از مبارزه با تروریسم بوده‌است تحت ماده سوم مشترک پروتکل دوم الحاقی و قوانین مربوطه حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی حفاظت می‌شوند. مقررات حقوق بشر و قوانین داخلی نیز در مورد آن‌ها موضوعیت دارد. این افراد اگر برای جنایاتی که ممکن است مرتکب شده باشند محاکمه شوند مستحق برخورداری از تضمین محاکمه عادلانه مطروحه در حقوق بین‌المللی بشردوستانه و حقوق بشر هستند.

۳. کلیه کسانی که خارج از درگیری مسلحانه در ارتباط با مبارزه با تروریسم بازداشت شده‌اند مورد حمایت قانون داخلی کشور بازداشت‌کننده و حقوق بشر هستند. این افراد اگر برای جنایاتی که ممکن است مرتکب شده باشند محاکمه شوند تحت تضمین محاکمه عادلانه مطروحه در این مجموعه قوانین حمایت می‌شوند.

هیچ یک از کسانی که در مبارزه با تروریسم دستگیر شده‌اند فراقانونی محسوب نمی‌شوند. در چارچوب حمایت حقوقی چیزی تحت عنوان «سیاه چاله» وجود ندارد.



۱۹. نحوه اجرای حقوق بین‌المللی بشردوستانه کدام است؟

اجرای حقوق بین‌المللی بشردوستانه - عملی کردن قواعد- اولین و مهمترین مسئولیت دولت‌های عضو کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی آنهاست. این مسئولیت، بالاخص، در ماده اول مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو بیان شده که دولت‌ها را ملزم می‌کند تحت هر شرایطی این کنوانسیون‌ها را محترم شمرده و احترام به آنها را تضمین نمایند.



بعضی از اقدامات اجرایی مستلزم تصویب قوانین یا مقررات خواهند بود. برخی دیگر از این اقدامات مستلزم مواردی از این قبیل هستند: ایجاد برنامه‌های آموزشی برای نیروهای مسلح و همچنین برای عموم مردم، استخدام و/یا آموزش پرسنل، صدور کارت‌های شناسایی و مدارک دیگر، ایجاد ساختارهای خاص، و معرفی رویه‌های برنامه ریزی و اداری. به علاوه، دولت‌ها باید از نقض این حقوق جلوگیری کنند و در صورت بروز این موارد، کسانی که مسئول‌اند را مجازات نمایند.

پیش‌گیری، نظارت، و مهار

دولت‌ها وظیفه دارند، در زمان صلح و در طول درگیری‌های مسلحانه، برای حصول اطمینان از رعایت کامل حقوق بین‌المللی بشردوستانه اقدامات حقوقی و عملی معینی را انجام دهند. معاهدات حقوق بین‌المللی بشردوستانه برای کسب اطمینان از رعایت این حقوق چند سازوکار ارائه می‌دهند.

در کل می‌توان این قواعد و سازوکارها را به سه دسته تقسیم کرد.

۱. اقدامات پیشگیرانه

- گسترش آگاهی در خصوص حقوق بین‌المللی بشردوستانه (اشاعه حقوق بین‌المللی بشردوستانه)
- ترجمه معاهدات حقوق بین‌المللی بشردوستانه به زبان(های) ملی
- در صورت لزوم تبدیل حقوق بین‌المللی بشردوستانه به قوانین داخلی و تصویب قواعد تقنینی و قانونی برای کسب اطمینان از رعایت حقوق بین‌المللی بشردوستانه
- آموزش پرسنل به منظور تسهیل اجرای حقوق بین‌المللی بشردوستانه و انتصاب مشاورین حقوقی در نیروهای مسلح
- پیش‌گیری از جنایات جنگی و مجازات کسانی که مرتکب چنین جنایاتی می‌شوند
- کسب اطمینان از احترام به نشان‌های صلیب سرخ، هلال احمر، و کریستال سرخ.

۲. اقدامات و سازوکارهایی برای نظارت بر رعایت حقوق

بین‌المللی بشردوستانه طی یک درگیری

- قدرت‌های حمایت‌کننده یا جانشینان آن‌ها. قدرت‌های حمایت‌کننده دولت‌های بی‌طرفی هستند که به منظور حمایت از مصالح طرف‌های درگیری، و اتباع آن‌ها، در دولت‌های دشمن منصوب شده‌اند. نقش قدرت حمایت‌کننده عبارت است از انجام عملیات امدادرسانی و حمایتی برای کمک به قربانیان و نظارت بر رعایت حقوق بین‌المللی بشردوستانه، به عنوان مثال، از طریق ملاقات با اسرای جنگی یا زندانیان غیرنظامی. یک سازمان بین‌المللی که «کلینة تضامین بی‌غرضی و اثربخشی را فراهم می‌کند» قادر خواهد بود به عنوان جانشینی برای قدرت حمایت‌کننده عمل کند.
- رویه تحقیق. در صورت درخواست طرف‌های درگیری و همچنین در صورتی که طرف‌ها در خصوص رویه‌ای که باید دنبال شود توافق داشته باشند نقض‌های احتمالی حقوق بین‌المللی بشردوستانه باید مورد تحقیق قرار بگیرد.
- کمیسیون حقیقت‌یاب بشردوستانه بین‌المللی. این کمیسیون، که به موجب ماده ۹۰ پروتکل اول الحاقی تشکیل شد، می‌تواند در باره نقض آشکار یا سایر نقض‌های جدی کنوانسیون‌های ژنو یا پروتکل اول الحاقی تحقیق نماید و از طریق مساعی جمیله رعایت مجدد کنوانسیون‌های ژنو را تسهیل کند. اگرچه دایرة صلاحیت رسمی کمیسیون حقیقت‌یاب بشردوستانه بین‌المللی منحصرأ به درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی محدود است، اما در صورت رضایت طرف‌های درگیری، این کمیسیون به انجام تحقیقاتی در ارتباط با درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی نیز ابراز تمایل کرده است.

- همکاری با سازمان ملل متحد. در موارد نقض جدی حقوق بین‌المللی بشردوستانه، دولت‌های عضو کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن باید با سازمان ملل متحد همکاری و طبق منشور سازمان ملل متحد عمل کنند.
- کمیته بین‌المللی صلیب سرخ. به موجب رسالتی که کنوانسیون‌های ژنو، پروتکل‌های الحاقی آن‌ها، و اساسنامه نهضت بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر بر عهده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ گذارده اند، این کمیته یکی از اجزای کلیدی روند نظارت است (نگاه کنید به سوال ۲۰).

۳. اقدامات مهاری

- این اقدامات بر وظایف طرف‌های درگیری برای متوقف کردن و جلوگیری از هرگونه نقض مبتنی هستند. وظایف مربوطه به‌ویژه موارد زیر را دربرمی‌گیرد:
- وظیفه دولت‌ها در مهار نقض‌هایی که جنایات جنگی محسوب می‌شوند، از طریق پیگردهای قانونی داخلی
- وظیفه فرماندهان نظامی در انجام تمهیدات انضباطی یا تنبیهی علیه نقض‌کنندگان کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی
- وظیفه دولت‌ها در کسب اطمینان از انجام مسئولیت‌های کیفری و تأدیبی مافوق‌ها در صورتی که آن‌ها اقدامات ممکن در حوزه اختیاراتشان را برای مهار یا پیش‌گیری از نقض حقوق بین‌المللی بشردوستانه انجام ن داده باشند
- تعهدات بین دولت‌ها برای ارائه کمک متقابل در خصوص مسائل کیفری.

این اقدامات، عوامل بازدارنده مهمی در برابر نقض حقوق بین‌المللی بشردوستانه هستند (رجوع به پرسش ۲۱).

علت اصلی درد و رنج در درگیری‌های مسلحانه عدم رعایت قانون جاری، به سبب فقدان ابزار یا اراده سیاسی، و نه از فقدان قوانین یا نقض در آن‌ها ناشی می‌شود. در سال‌های اخیر، گسترش رویه‌های حقوق کیفری مورد تأکید قرار گرفته تا کسانی که به شکلی جدی حقوق بین‌المللی بشردوستانه را نقض کرده‌اند تحت پیگرد قرار گرفته و مجازات شوند اما هنوز روش‌های مناسب برای متوقف کردن و جبران چنین نقض‌هایی وجود ندارد. بیشتر رویه‌های ارائه‌شده در حقوق بین‌المللی بشردوستانه تقریباً هیچگاه در عمل مورد استفاده قرار نگرفته‌اند. به علاوه، این رویه‌ها فقط در مورد درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی صدق می‌کنند. درست است که برخی سازوکارهای نظارتی و اجرایی خارج از حوزه حقوق بین‌المللی بشردوستانه ایجاد شده‌اند اما آن‌ها هم محدودیت‌های خاص خود را دارند. بنا به همه این دلایل، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ معتقد است که سازوکارهای نظارتی و حصول اطمینان از رعایت حقوق بین‌المللی بشردوستانه باید افزایش یابند (رجوع به پرسش ۲۰).



۲۰. نقش کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در ایجاد و تضمین احترام برای حقوق بین‌المللی بشردوستانه کدام است؟

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به عنوان پاسدار و مروج حقوق بین‌المللی بشردوستانه برای حمایت از و کمک به قربانیان درگیری‌های مسلحانه و سایر شرایط خشونت‌آمیز و افزایش رعایت قانون فعالیت می‌کند. (متن داخل کادر را ببینید). اقدامات این کمیته برای افزایش رعایت قانون، بالاخص، عبارتند از گسترش آگاهی در مورد حقوق بین‌المللی بشردوستانه، از طریق حمایت از اجرای آن در سطح داخلی، نظارت بر رعایت آن، یادآوری تعهدات طرف‌های درگیری به آن‌ها، به علاوه، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ نقش مهمی در توسعه حقوق بین‌المللی بشردوستانه ایفا می‌کند.

بیانیهٔ مأموریت کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ

«کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ (ICRC) سازمانی است بی‌غرض، بی‌طرف و مستقل که رسالت منحصرأ بشردوستانه آن حمایت از جان و کرامت انسانی قربانیان درگیری‌های مسلحانه و دیگر شرایط خشونت‌آمیز و کمک‌رسانی به آنها می‌باشد. کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ همچنین از طریق ترویج و تقویت حقوق بشردوستانه و اصول جهانی بشردوستی تلاش می‌کند از درد و رنج مردم جلوگیری کند. این کمیته که در سال ۱۸۶۳ تأسیس شد منشأ کنوانسیون‌های ژنو و نهضت بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر می‌باشد و وظیفه هدایت و هماهنگی فعالیت‌های بین‌المللی نهضت را طی مخاصمات مسلحانه و دیگر شرایط خشونت بعده دارد.»

فعالیت‌های حمایتی

هدف از فعالیت‌های کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ برای حمایت از مردم طی درگیری‌های مسلحانه و سایر شرایط خشونت‌آمیز حصول احترام کامل برای حقوق موضوعه است. کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ نمی‌تواند به شکل فیزیکی از مردم حفاظت کند، اما در پی آن است که خطراتی را متوجه آنها است به حداقل برساند، از سوءاستفاده پیشگیری نموده و به آن پایان دهد، توجه‌ها را به حقوق آنها جلب کند، و صدای این افراد را به گوش بقیه برساند. به عبارت دیگر، کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ ناظر بر احترام برای حقوق بین‌المللی بشردوستانه است و نقض این حقوق را به مقامات ذیربط گزارش می‌دهد. فعالیت‌های حمایتی عبارتند از رسیدگی به امور بازداشت‌شدگان (ملاقات با زندانیان، ارزیابی شرایط بازداشت، و غیره)، حمایت از غیرنظامیان، و احیای پیوندهای خانوادگی.

فعالیت‌های کمک‌رسانی

هدف از کمک‌های کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ حمایت از جان و یا اعاده کرامت افراد یا جوامعی است که تحت تأثیر نامطلوب درگیری‌های مسلحانه یا سایر شرایط خشونت‌آمیز قرار گرفته‌اند. فعالیت‌های کمک‌رسانی اصولاً به پیامدهای نقض حقوق بین‌المللی بشردوستانه می‌پردازند. به علاوه، آنها می‌توانند با کاهش مواجهه با چنین نقض‌هایی، به علل و شرایط آنها رسیدگی کنند. فعالیت‌های کمک‌رسانی بسته به شرایط متفاوت‌اند. آنها طیف وسیعی را شامل می‌شوند: از تأمین غذا یا دارو تا ظرفیت‌سازی برای ارائه خدمات ضروری، مانند بهبود آب رسانی یا ارسال امکانات پزشکی و آموزش پرسنل مراقبت‌های بهداشتی اولیه، جراحان، و تکنسین‌های ارتز/ پروتز.



Vladimir Reinik/ICRC

در اساسنامه نهضت بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر تصریح شده که نقش کمیته بین‌المللی صلیب سرخ بالاخص موارد زیر را دربر می‌گیرد:

«انجام وظایفی که به موجب کنوانسیون‌های ژنو بر عهده آن است، فعالیت برای اعمال صادقاته حقوق بین‌المللی بشردوستانه که در درگیری‌های مسلحانه مصداق می‌یابند، و رسیدگی به شکایات بر اساس نقض‌های احتمالی این حقوق» (ماده ۵، بند ۲ (ج))

«فعالیت برای درک و اشاعه حقوق بین‌المللی بشردوستانه که در درگیری‌های مسلحانه مصداق می‌یابند و آمادگی برای هر گونه توسعه آن» (ماده ۵، بند ۲ (ز)).

اشاعه و اجرای قانون

عدم اطلاع از قانون مانع اصلی رعایت آن است. به همین دلیل، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ الزام دولت‌ها را در اشاعه حقوق بین‌المللی بشردوستانه به آنها یادآوری می‌کند. به علاوه، این کمیته اقداماتی به این منظور انجام می‌دهد و ادغام حقوق بین‌المللی بشردوستانه را در برنامه‌های آموزشی، آموزش نظامی، و برنامه‌های درسی دانشگاهی ترغیب می‌کند. علاوه بر این، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به دولت‌ها یادآوری می‌کند که باید همه اقدامات لازم را به منظور حصول اطمینان از پیاده‌سازی قانون در سطح داخلی و اعمال مؤثر آن دنبال نمایند. کمیته مزبور این کار را عمدتاً از طریق ارائه خدمات مشورتی در خصوص حقوق بین‌المللی بشردوستانه انجام می‌دهد، که رهنمون‌های فنی در اختیار دولت‌ها قرار می‌دهند و به مقامات آنها در تصویب قوانین و مقررات اجرایی داخلی کمک می‌کند.

نظارت بر احترام برای حقوق بین‌المللی

بشردوستانه و یادآوری الزامات طرفهای متخاصم به آنها

کنواسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی آنها به کمیته بین‌المللی صلیب سرخ اختیار خاصی می‌دهند که در صورت بروز درگیری‌های مسلحانه وارد عمل شود. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ طی درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی حق بازدید از اسرای جنگی و زندانیان غیرنظامی را دارد تا اطمینان حاصل کند رفتار با آنها و شرایط نگهداری‌شان منطبق با حقوق بین‌المللی بشردوستانه است. اطلاعات مربوط به بازداشت‌شدگان باید به سازمان جستجوی مرکزی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ارسال شود، تا از مفقود شدن بازداشت‌شدگان جلوگیری شود. به علاوه، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ کمک‌های بشردوستانه مانند محموله‌های غذایی، تجهیزات پزشکی، و لباس نیز در اختیار مردم نیازمند قرار می‌دهد.

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ علاوه بر وظایفی که به موجب معاهدات حقوق بین‌المللی بشردوستانه بر عهده‌اش هستند حق ابتکار گسترده‌ای در اختیار دارد (رجوع به ماده سوم مشترک، ماده نهم کنوانسیون‌های اول، دوم، و سوم ژنو، و ماده دهم کنوانسیون چهارم ژنو). این کمیته همواره مجاز به ارائه خدمات به طرف‌های درگیری است. به علاوه، در شرایطی که به مرز درگیری مسلحانه نمی‌رسند اما اقدام بشردوستانه را ایجاب می‌کنند کمیته بین‌المللی صلیب سرخ حق ابتکار دارد- که در اساسنامه‌های نهضت بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر- به رسمیت شناخته شده است. در شرایطی که حقوق بین‌المللی بشردوستانه صدق نمی‌کنند، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در صورتی می‌تواند خدماتش را به دولت‌ها ارائه دهد که این کار به منزله مداخله در امور داخلی کشور مربوطه نباشد.

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به استناد نتایجی که از فعالیت‌های حمایتی و کمک‌رسانی‌اش می‌گیرد در صورت نقض حقوق بین‌المللی بشردوستانه به صورت محرمانه به مقامات مربوطه عرض حال می‌دهد. محرمانگی یکی از اصول مهم فعالیت کمیته بین‌المللی صلیب سرخ است. این مسئله یکی از خط‌مشی‌های دیرین این کمیته و اقدامی مستقیماً برگرفته از اصول بی‌طرفی و بی‌غرضی است. این کار به کمیته بین‌المللی صلیب سرخ امکان می‌دهد با طرف‌های درگیری مسلحانه و سایر ذینفعان گفت‌وگوی سازنده‌ای داشته باشد؛ به مناطق درگیری، اماکن بازداشت، و قربانیان درگیری‌های مسلحانه و سایر شرایط خشونت‌آمیز دسترسی داشته باشد؛ و از امنیت ذینفعان و کارکنانش اطمینان حاصل کند. عرض‌حال‌های محرمانه دو جانبه به طرف‌های درگیری روش ترجیحی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ برای پایان دادن به نقض حقوق بین‌المللی بشردوستانه یا دیگر حقوق اصلی حمایت‌کننده از مردم در شرایط خشونت‌آمیز، یا جلوگیری از وقوع چنین تخلفاتی است. اما این روش مکمل روش‌های دیگر است. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ بالاخص در موارد ذیل حق دارد نقض حقوق بین‌المللی بشردوستانه را به صورت علنی محکوم کند:

- ۱) نقض این حقوق، اساسی و مکرر باشد یا احتمال تکرار آن‌ها وجود داشته باشد؛
- ۲) نمایندگان با چشم خود شاهد نقض حقوق مذکور بوده باشند، یا نقض این حقوق و میزان آن‌ها بر اساس منابع موثق و قابل‌تأیید محرز شده باشد؛
- ۳) چنانچه عرض‌حال‌های محرمانه دو جانبه صورت پذیرفته باشد، و تلاش‌های بسیج بشردوستانه (مانند درخواست از طرف‌های ثالث برای تأثیرگذاری بر رفتار طرف‌های درگیری که حقوق بین‌المللی بشردوستانه را نقض می‌کنند) قادر به پایان بخشیدن به نقض این حقوق نبوده باشد؛ و
- ۴) علنی کردن این موضوع به صلاح افراد یا جمعیت‌هایی باشد که تحت تأثیر یا مورد تهدید قرار گرفته‌اند.

توسعه حقوق بین‌المللی بشردوستانه

معاهداتی که حقوق بین‌المللی بشردوستانه را توسعه می‌دهند توسط دولت‌ها تصویب می‌شوند. به موجب اساسنامه‌های نهضت بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ نیز مأموریت دارد زمینه را برای «هر گونه توسعه» حقوق بین‌المللی

بشردوستانه «مهیا کند.» به منظور انجام این مأموریت، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، بالاخص، متون پیش‌نویس را برای ارائه به کنفرانس‌های دیپلماتیک آماده می‌کند. به عنوان مثال، اولین پیش‌نویس‌های کنوانسیون‌های ژنو توسط کمیته بین‌المللی صلیب سرخ با مشورت دولت‌ها تنظیم و ارائه شدند و همچنین مورد بررسی بیشتر قرار گرفته، اصلاح شدند، و در نهایت در کنفرانس‌های دیپلماتیک به تصویب رسیدند. به علاوه، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ با دولت‌ها و سایر طرف‌های ذینفع جلسات مشورتی برگزار می‌کند تا امکان توافق در خصوص قوانین جدید یا تقویت حقوق بین‌المللی بشردوستانه محقق شود. به عنوان مثال، پس از سی و یکمین کنفرانس بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر، و تصویب قطعنامه اول: افزایش حمایت قانونی از قربانیان درگیری‌های مسلحانه (رجوع کنید به: <http://icrc.org/eng/resources/documents/resolution/31-international-conference-resolution-1-2011.htm>), کمیته بین‌المللی صلیب سرخ برای تقویت حقوق بین‌المللی بشردوستانه در زمینه‌های بازداشت و بهبود رعایت حقوق بین‌المللی بشردوستانه با دولت‌ها جلسات مشورتی برگزار کرد (رجوع به پرسشهای ۱۰ و ۱۹).

Not for Sale



۲۱. مژنونین به ارتکاب جنایات جنگی چگونه تحت حقوق بین‌الملل تحت پیگرد قرار می‌گیرند؟

جنایات جنگی، نقض جدی حقوق بین‌المللی بشردوستانه هستند که طی درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی یا درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی رخ می‌دهند. تعاریف یا فهرست جنایات جنگی را می‌توان در متون مختلف حقوقی یافت، از جمله در اساسنامه دادگاه نظامی بین‌المللی که پس از جنگ جهانی دوم در نورنبرگ تأسیس شد، در کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی آنها، اساسنامه‌ها و قانون موضوعه دادگاه‌های بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق و رواندا، اساسنامه رم برای دیوان بین‌المللی کیفری، و سایر دادگاه‌های بین‌المللی و «مختلط».

ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی شامل فهرستی از جنایات جنگی است که دولت‌ها به شکل معاهده تنظیم کرده‌اند؛ این فهرست نیز راهنمای مفیدی در باره اقداماتی است که دولت‌ها به موجب حقوق بین‌الملل عرفی به طور عام نقض جدی حقوق بین‌المللی بشردوستانه به حساب می‌آورند. مصوبات و قانون موضوعه دولت‌های مختلف نیز شامل تعاریفی از جنایات جنگی هستند.

جنایت جنگی کدام است؟

اقدامات ذیل جز، مواردی هستند که جنایت جنگی محسوب می‌شوند:

- قتل عامدانه شخص تحت حمایت (به عنوان مثال، نظامیان مجروح یا بیمار، اسرای جنگی، غیرنظامیان)
- شکنجه یا رفتار غیرانسانی با فرد تحت حمایت
- ایراد عمدی درد و رنج فراوان یا جراحت جدی به فرد تحت حمایت
- حمله به غیرنظامیان
- انتقال یا اخراج غیرقانونی
- استفاده از سلاح‌ها یا روش‌های جنگی ممنوعه
- استفاده نادرست از نشان صلیب سرخ یا هلال احمر یا سایر نشان‌های حمایتی
- مجروح کردن یا کشتن افراد متعلق به کشور یا ارتش متخاصم از طریق نقض عهد
- چپاول اموال دولتی یا خصوصی.

اگرچه معاهدات حقوق بین‌المللی بشردوستانه در مورد درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی شامل هیچ مفادی در خصوص جرم‌انگاری نقض جدی حقوق بین‌المللی بشردوستانه نیستند اما امروزه ادعان شده که مفهوم جنایات جنگی به موجب حقوق بین‌الملل عرفی نقض‌های جدی در درگیری‌های مسلحانه غیر بین‌المللی را نیز پوشش می‌دهد (رجوع به قانون ۱۵۶ مطالعه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در خصوص حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی و ماده ۸، بند ۲ ج، د، ه، و) اساسنامه (رم).

جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی کدام‌اند؟

در حقوق بین‌الملل انواع دیگری از جنایات مانند جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی نیز ذکر شده‌اند. جنایات علیه بشریت اساساً قساوت‌هایی هستند که، با اطلاع از جنگ، به عنوان بخشی از حمله‌ای گسترده یا سازمان‌یافته علیه غیرنظامیان صورت می‌گیرند. نمونه‌هایی از این قساوت‌ها عبارتند از قتل، نابودی، بردگی، اخراج از کشور، زندانی کردن، شکنجه، تجاوز جنسی، و آزار و اذیت به انحاء مختلف.

به موجب اساسنامهٔ دیوان کیفری بین‌المللی، جرم نسل‌کشی «اقدامات» مختلفی را شامل می‌شود که «به معنای دقیق کلمه با هدف از بین بردن همه یا بخشی از، گروهی قومی، نژادی یا مذهبی داخل کشور صورت می‌گیرند.» اقدامات موردنظر به این شرح هستند: الف) کشتن اعضای گروه‌های مذکور؛ ب) آسیب شدید جسمی یا روحی به اعضای گروه؛ ج) تحمیل شرایط زندگی به منظور نابودی همه یا بخشی از گروه؛ د) انجام اقداماتی با هدف جلوگیری از زادوولد در گروه؛ ه) انتقال اجباری کودکان از گروهی به گروهی دیگر.

الزامات دولت‌ها: پیگرد قانونی یا استرداد

متهمین به ارتکاب جنایت جنگی

دولت‌هایی که عضو کنوانسیون‌های ژنو یا پروتکل اول الحاقی می‌شوند متعهد می‌گردند قوانین لازم را برای مجازات افراد خاطی متهم به «نقض آشکار» کنوانسیون‌ها و این پروتکل تصویب کنند. به علاوه، این دولت‌ها ملزم‌اند هر کسی را که به نقض جدی موارد فوق‌مذکور است در دادگاه‌هایشان تحت پیگرد قانونی قرار دهند یا آن فرد را برای محاکمه به کشور دیگری تحویل دهند.

قوانین کیفری هر کشور به طور کلی فقط در مورد جنایاتی صدق می‌کنند که در قلمروی آن یا توسط اتباعش انجام شده‌اند، اما دولت‌ها به شکل روزافزون قوانینی تصویب می‌کنند که به دادگاه‌هایشان امکان می‌دهند جنایاتی را که در خارج از قلمرویشان رخ می‌دهد نیز تحت پیگرد قانونی قرار دهند. به موجب حقوق بین‌المللی بشردوستانه دولت‌ها، ملزم‌اند هر کس را که مرتکب نقض آشکار حقوق بین‌المللی بشردوستانه شده -قطع نظر از تابعیت وی یا محل وقوع جرم- یافته و مجازات کنند. این اصل، که به حوزه قضایی بین‌المللی معروف است، برای تضمین این که نقض آشکار حقوق بین‌المللی بشردوستانه به شکلی مؤثر مهار می‌شود ضروری است. حوزه قضایی بین‌المللی، اساس حقوق بین‌الملل برای قوانین کشوری است که به دادگاه‌ها در هر کشور امکان می‌دهد افرادی را که در کشوری دیگر مرتکب جرایم بین‌المللی شده‌اند تحت پیگرد قانونی قرار دهند.

دائرسای‌های کیفری برای نقض‌های جدی حقوق بین‌المللی بشردوستانه، یعنی جنایات جنگی که نقض‌های فاحش را شامل می‌شوند -اما محدود به آن نیستند- باید در بعضی شرایط توسط مراجع ملی مطرح شوند. در مطالعه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در خصوص حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی تأکید می‌شود که دولت‌ها موظفند جنایات جنگی را که اتباع یا نیروهای مسلح‌شان، یا افراد دیگر در خاک آن‌ها، مرتکب شده‌اند و هم چنین سایر جنایات جنگی را که در حوزه صلاحیت‌هایشان هستند مورد تحقیق قرار دهند. به علاوه، آن‌ها ملزم‌اند، در صورت اقتضا، افراد مظنون به ارتکاب جنایات جنگی را تحت پیگرد قانونی قرار دهند.

نقش دادگاه‌های بین‌المللی چیست؟

دیوان بین‌المللی کیفری (ICC) که به موجب اساسنامه رم توسط دولت‌ها شکل گرفته در اول ژوئیه سال ۲۰۰۲ رسماً آغاز به کار کرد. این مسئله نقطه عطفی در مبارزه جامعه بین‌المللی برای پایان دادن به مصونیت از مجازات برای جنایات جنگی، نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت، و جنایت تجاوز است. اگرچه مسئولیت اصلی پیگرد قانونی متهمین به جنایات جنگی به‌عهده دولت‌ها است اما وقتی دادگاه‌های داخلی مایل به این کار نباشند یا توانایی آن را نداشته باشند - دیوان بین‌المللی کیفری می‌تواند وارد عمل شود - البته همه اینها مستلزم این است که معیارهای مورد نیاز برای حوزه صلاحیت آن موجود باشند.

قبل از دیوان بین‌المللی کیفری، دادگاه‌های بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق و رواندا (معروف به ICTY و ICTR) توسط شورای امنیت ملل متحد در سال ۱۹۹۳ و ۱۹۹۴ تشکیل شدند تا افراد متهم به ارتکاب جنایات جنگی طی درگیری‌ها در این دولت‌ها محاکمه شوند. سازوکار دادگاه‌های بین‌المللی کیفری - که توسط شورای امنیت در ۲۲ دسامبر سال ۲۰۱۰ تشکیل شدند - انجام وظایف ضروری دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق و دادگاه بین‌المللی کیفری برای رواندا پس از اتمام دوره مأموریت آن‌ها همراه با حفظ میراث‌شان است. مهار جنایات جنگی از طریق اعمال قوانین جزایی توسط تعداد فزاینده‌ای از دادگاه‌های «مختلط» یا ویژه نیز انجام می‌شود، که در دولت‌هایی مانند کامبوج، تیمور شرقی، و سیرالئون تشکیل شده‌اند. دادگاه‌های مختلط عناصر حوزه صلاحیت داخلی و بین‌المللی را دارا هستند.

علل ارتکاب جنایات بین‌المللی کدام‌اند؟

این پرسش را می‌توان به شیوه‌های مختلف پاسخ داد. برخی ادعا می‌کنند عدم اطلاع از قانون تا حد زیادی دلیل این موضوع است، یا این مسئله پیامد طبیعی جنگ است، یا ناشی از این است که حقوق بین‌الملل (از جمله حقوق بین‌المللی بشردوستانه) فاقد نظام متمرکز کارا برای اعمال تحریم است. در واقع، صرف‌نظر از این که حوزه قضایی ملی باشد یا بین‌المللی، در طول جنگ و همچنین در زمان صلح قوانین نقض می‌شوند و جنایات رخ می‌دهند. با وجود این، تسلیم شدن در برابر واقعیت نقض حقوق بین‌المللی بشردوستانه و دست کشیدن از اقداماتی که در پی رعایت بیشتر این مجموعه قوانین هستند و رها کردن قربانیان درگیری‌های مسلحانه به حال خودشان راه حل این مشکل نیست. به همین دلیل نقض‌های حقوق بین‌المللی بشردوستانه باید پیوسته محکوم شوند و برای جلوگیری از آن‌ها و مجازات مرتکبین آنها اقداماتی صورت گیرد. مهار جنایات جنگی از طریق اعمال قوانین کیفری ابزار مهمی برای اجرای حقوق بین‌المللی بشردوستانه، چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی، است.

Not for Sale

رسالت

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ سازمانی بی‌غرض، بی‌طرف و مستقل است که رسالت صرفاً بشردوستانه آن حمایت از جان و کرامت قربانیان درگیری‌های مسلحانه و دیگر شرایط خشونت آمیز و امدادسانی به آنهاست.

همچنین کمیته بین‌المللی صلیب سرخ تلاش می‌کند با ارتقا و ترویج حقوق بشردوستانه و اصول جهانی انسانی از درد و رنج انسان‌ها جلوگیری کند.

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ که در سال ۱۸۶۳ میلادی (۱۲۴۲ ه.ش.) پایه‌گذاری شده، منشأ کنوانسیون‌های ژنو و نهضت بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر است. این سازمان، هدایت و هماهنگی فعالیت‌های بین‌المللی نهضت در هنگام جنگ و دیگر شرایط خشونت آمیز را برعهده دارد.

